



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی
و تربیة معلم
ریاست عمومی انکشاف نصاب
تعلیمی و تألیف کتب درسی

تاریخ

صنف ۱۲

تاریخ صنف ۱۲

کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن جدا ممنوع است. با متخلفین برخورد قانونی صورت می گیرد.



ه. ش

۱۳۹۶

moe.curriculum@gmail.com



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هیواد به تل ځلېږي
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مودی رهبر

دا عزت د هراfgان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه پان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زړه وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیة معلم
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

تاریخ

صنف دوازدهم

۱۳۹۶

هـ. ش.

مؤلفان:

- پوهنمل زلمی هوتک
- معاون سرمؤلف شیر محمد رونقی
- مؤلف قدیم شیرزی بابکر خیل

ایدیت مسلکی:

- سرمؤلف عبدالغیاث غوری

ایدیت زبانی:

- سید محمود خلیق

کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی:

- دکتور عبدالصبور فخری
- حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی.

کمیته نظارت:

- دکتور اسدالله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم.
- دکتور شیرعلی ظریفی رئیس پروژه انکشاف نصاب تعلیمی.
- دکتور محمد یوسف نیازی سرپرست ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

طرح و دیزاین: حمید الله غفاری

تنظیم امور چاپ: محمد کبیر حقمل رئیس نشرات و اطلاعات وزارت معارف.

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام وزیر معارف

سپاس بیکران آفریدگاری را که انسان را در احسن تقویم آفرید و او را قدرت بیان بخشید و به زیور علم و اندیشه آراست و درود بی پایان بر پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - که معلم بزرگ انسانیت است و پیام آور رحمت و هدایت و روشنایی.

تعلیم و تربیت نقطه آغاز هر تحول و سنگ بنای توسعه در هر جامعه است. هدف اصلی تعلیم و تربیت به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه انسان و شکوفا کردن استعدادهای درونی وی است.

کتاب درسی یکی از ارکان مهم در فرایند تعلیم و تربیت محسوب می شود که همگام با تحولات و پیشرفت های علمی نوین و مطابق با نیازمندی های جامعه تهیه و تألیف می گردد و باید دارای ظرفیت و ظرفیتی باشد که بتواند آموزه های دینی و اخلاقی را توأم با فرآورده های علوم جدید با میتودهای نوین به شاگردان منتقل کند.

کتابی که اکنون در اختیار شما قرار دارد، بر اساس همین ویژه گی ها تهیه و تألیف شده است. سعی وزارت معارف همواره بر این بوده که نصاب تعلیمی و کتب درسی معارف کشور، متکی بر مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و حفظ هویت ملی، مطابق با معیارهای علمی و روش های تربیتی نوین بوده، استعدادهای دانش آموزان را در همه زمینه های اخلاقی و علمی شکوفا گرداند و قدرت تفکر، ابتکار و حس جستجوگری را در آنها تقویت بخشد. ترویج فرهنگ گفتگو و رواداری، تقویت حس وطن دوستی، مهربانی، گذشت و همبستگی از خواست های دیگر وزارت معارف است که باید در کتب درسی متبلور باشد.

کتاب های درسی بدون داشتن معلم خوب و مسلکی نمی تواند اهداف مورد نظر را بر آورده سازد. معلم یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت و مجری برنامه های آموزشی و تربیتی است. از معلمان و آموزگاران خوب، متعهد و دلسوز کشورم که ستیزه با سیاهی و نادانی را پیشه خود ساخته اند، صمیمانه آرزو مندم که با تطبیق دقیق و مخلصانه نصاب تعلیمی، کودکان و جوانان میهن را بسوی فتح قله های رفیع دانش، اخلاق و معنویت رهنمون گردند.

کامیابی نظام آموزشی کشور بدون همکاری جدی مردم غیر ممکن است. ازین رو از همه اقشار و افراد ملت شریف افغانستان، بخصوص از خانواده ها و اولیای محترم شاگردان خواهمشندم که از هیچگونه همکاری در جهت تحقق اهداف معارف دریغ نورزند. همچنان از همه نویسندگان، دانشمندان، متخصصان تعلیم و تربیت و اولیای محترم شاگردان تقاضا می شود که با ارائه نظریات و پیشنهادات سالم و نقد های سازنده خود وزارت معارف را در بهبود هر چه بیشتر کتاب های درسی همکاری نمایند.

لازم می دانم از تمام مؤلفان دانشمند و کارمندان اداری و فنی وزارت معارف که در تهیه، تألیف، طبع و

توزیع این کتاب زحمت کشیده اند و از همه نهادهای ملی و بین المللی که در زمینه چاپ و توزیع کتب درسی همکاری نموده اند، قدر دانی و تشکر نمایم.

در اخیر از خداوند منان استدعا دارم که به لطف بی پایان خود، ما را در تحقق آرمان های مقدس معارف یاری رساند. إنه سمیع قریب مجیب.

دکتور اسدالله حنیف بلخی

وزیر معارف



عنوان.....	صفحه.....
فصل اول: احیایی مجدد افغانستان.....	۱
اهداف فصل اول.....	۲
درس اول: اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان قبل از به قدرت رسیدن احمد شاه بابا..۳-۶	
درس دوم: احمد شاه بابا و تحکیم دولت مرکزی.....	۷-۱۰
درس سوم: سوقيات نظامی احمد شاه بابا.....	۱۱-۱۶
درس چهارم: جانشینان احمد شاه بابا - سلطنت تیمور شاه.....	۱۷
سلطنت زمانشاه (۱۷۹۳-۱۸۰۱).....	۱۸-۱۹
سلطنت شاه محمود ابدالی (۱۸۰۱-۱۸۰۴م).....	۱۹-۲۰
درس پنجم: سلطنت اول شاه شجاع (۱۸۰۴-۱۸۰۹م).....	۲۱-۲۲
سلطنت دوم شاه محمود (۱۸۰۹-۱۸۱۸م).....	۲۲-۲۴
درس ششم: تجدید رقابت ها و اختلافات.....	۲۵-۲۸
درس هفتم: انتقال قدرت و مداخلات (۱۸۱۸-۱۸۳۴م).....	۲۹-۳۲
درس هشتم: شاه شجاع و قیام ملی.....	۳۳-۳۶
درس نهم: پادشاهی دوم امیر دوست محمد خان.....	۳۷-۴۰
سلطنت اول امیر شیرعلی خان (۱۸۶۳-۱۸۶۶م).....	۴۱-۴۲
سلطنت امیر محمد افضل خان (۱۸۶۶-۱۸۶۷م).....	۴۲-۴۳
سلطنت امیر محمد اعظم خان (۱۸۶۷-۱۸۶۸م).....	۴۳-۴۴
درس یازدهم: اصلاحات و ریفورم (۱۸۶۸-۱۸۷۹م).....	۴۵-۴۸
درس دوازدهم: سلطنت امیر محمد یعقوب خان (از ماه مارچ تا اکتوبر ۱۸۷۹م).....	۴۹-۵۲
درس سیزدهم: تحکیم قدرت مرکزی (۱۸۸۰-۱۹۰۱م).....	۵۳-۵۸
درس چهاردهم: عقد معاهدات.....	۵۹-۶۰
درس پانزدهم: سلطنت امیر حبیب الله خان (۱۹۰۱-۱۹۱۹م).....	۶۱-۶۴
درس شانزدهم: جنبش های مشروطیت.....	۶۵-۶۸
بررسی فصل اول.....	۶۹
فصل دوم: از استرداد استقلال تا پایان نظام جمهوری (۱۹۱۹-۱۹۷۸م).....	۷۰
اهداف فصل دوم.....	۷۰
درس هفدهم: جبهات سه گانه استرداد استقلال کشور سال (۱۹۱۹م).....	۷۱-۷۴

۷۸-۷۵.....	درس هجدهم: نقش امان الله خان در استرداد استقلال کشور (۱۹۱۹-۱۹۲۹م)
۸۲-۷۹.....	درس نهم: اصلاحات و ریفورم (۱۹۲۱-۱۹۲۸م)
۸۶-۸۳.....	درس بیستم: سفر اروپایی شاه امان الله خان غازی ۱۹۲۷م-۱۳۰۶هـ ش
۹۰-۸۷.....	درس بیست یکم: عکس العمل در برابر اصلاحات
۹۴-۹۱.....	درس بیست دوم: ختم بحران و تحکیم قدرت ۱۹۲۹م-۱۳۰۸هـ ش
۹۸-۹۵.....	درس بیست و سوم: ترتیب و تدوین اصولنامه
۱۰۲-۹۹.....	درس بیست و چهارم: سلطنت محمد ظاهر شاه و جنگ جهانی دوم
۱۰۴-۱۰۳.....	درس بیست و پنجم: اولین پلان پنج ساله (۱۹۵۶م-۱۳۳۵هـ ش)
۱۰۸-۱۰۵.....	درس بیست و ششم: دهه دیموکراسی (۱۳۴۲-۱۳۵۲هـ ش)
۱۱۰-۱۰۹.....	درس بیست و هفتم: عوامل تغییر رژیم از سلطنت به جمهوریت
۱۱۳-۱۱۱.....	درس بیست و هشتم: کودتای ۲۶ سرطان (۱۳۵۲هـ ش)
۱۱۴.....	بررسی فصل دوم.....
۱۱۵.....	فصل سوم: کشورهای همجوار افغانستان.....
۱۱۶.....	اهداف فصل سوم.....
۱۲۰-۱۱۷.....	درس بیست نهم: جمهوری اسلامی پاکستان.....
۱۲۴-۱۲۱.....	درس سی ام: جمهوری اسلامی ایران.....
۱۲۸-۱۲۵.....	درس سی و یکم: جمهوری خلق چین.....
۱۳۲-۱۲۹.....	درس سی و دوم: تاجیکستان.....
۱۳۶-۱۳۳.....	درس سی و سوم: ازبکستان.....
۱۴۰-۱۳۷.....	درس سی و چهارم: ترکمنستان.....
۱۴۱.....	بررسی فصل سوم.....
۱۴۲.....	فصل چهارم: رویداد های مهم جهان در قرن بیستم.....
۱۴۳.....	اهداف فصل چهارم.....
۱۴۸-۱۴۳.....	درس سی و پنجم: جنگ جهانی اول و علل آن.....
۱۵۲-۱۴۹.....	درس سی و ششم: جنگ جهانی دوم.....
۱۵۶-۱۵۳.....	درس سی و هفتم: حمله جاپان به هند و چین.....
۱۵۸-۱۵۷.....	درس سی و هشتم: تشکیل سازمان ملل متحد.....
۱۶۲-۱۵۹.....	درس سی و نهم: تبدیل جاپان به یک قدرت صنعتی.....
۱۶۶-۱۶۳.....	درس چهلم: فروپاشی اتحاد شوروی.....
۱۷۰-۱۶۷.....	درس چهل و یکم: جمهوری آلمان.....
۱۷۴-۱۷۱.....	درس چهل و دوم: جمهوری فرانسه.....
۱۷۸-۱۷۵.....	درس چهل و سوم: دولت شاهی انگلستان.....
۱۷۹.....	بررسی فصل چهارم.....

فصل اول

احیای مجدد افغانستان

ACKU

اهداف فصل اول

- ۱- آشنایی به وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان قبل از به قدرت رسیدن احمد شاه ابدالی.
- ۲- آشنایی به چگونه گی احیای مجدد افغانستان.
- ۳- آشنایی به شخصیت احمد شاه بابا و سوقیات نظامی او.
- ۴- معرفت با جانشینان احمد شاه بابا، طرز اداره و حکومت آن‌ها.
- ۵- تحلیل ماهیت پالیسی انگلیس و علل تجاوزات آن بر افغانستان.
- ۶- دانستن عوامل درگیری‌ها و اختلافات.
- ۷- آگاهی از اهداف جنبش مشروطیت در افغانستان و تحلیل آن.
- ۸- نقشه‌های تاریخی افغانستان را ترسیم کرده بتوانند.
- ۹- توانایی نشان دادن محلات و جاهای مورد نظر در نقشه.

اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان قبل از به قدرت رسیدن احمد شاه ابدالی



بایزید انصاری

در این درس راجع به اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، جنبش‌های آزادی‌خواهی و نقش آن در بیداری مردم افغانستان قبل از احیای مجدد افغانستان معلومات ارائه می‌گردد.

در آغاز قرن ۱۶ میلادی حوادث ناگوار سیاسی در داخل افغانستان و کشورهای همسایه رخ داد که این نابه‌سامانی‌ها و دگرگونی‌ها به ضرر افغانستان تمام شد. بعد از مرگ سلطان حسین بایقرا در (۱۵۰۵ م) افغان‌ها دولت مرکزی خود را از دست داده و تجزیه‌طلبان در هر گوشه و کنار قد علم نموده و در جنگ و جدال به جان همدیگر افتادند.

در ماورالنهر دولت شیانی در (۱۵۰۱ م) تشکیل گردید، در ایران دولت صفوی در (۱۵۰۲ م) تأسیس شد و در هند دولت مغلی بوجود آمد. هر سه دولت جدید تشکیل بر شمال، غرب و شرق افغانستان تجاوز نمودند و افغانستان تجزیه گردید. دولت مرکزی از بین رفته، سوقيات نظامی و لشکرکشی‌ها افغانستان را به میدان تاخت و تاز مبدل ساخت. دول متجاوز برای تسخیر اراضی بیشتر همیشه بالای یکدیگر حمله می‌نمودند در اثر برخورد‌ها شهرهای بزرگ و آباد به ویرانه‌های تبدیل گردیدند. انواع مظالم توسط اشغالگران صورت می‌گرفت، روز بروز تنفر و انزجار مردم در مقابل آن‌ها اضافه تر می‌شد و مردم مخفیانه به مبارزات استقلال‌طلبانه بر ضد استبداد شروع نمودند. برای اولین بار صفوی‌ها با قیام ولایات هرات، قندهار، اندخوی و بلوچستان روبه‌رو شدند و افغان‌ها مقاومت زیاد نمودند. جنگ‌ها آن‌قدر شدید بود که قندهار چندین مرتبه توسط صفوی‌ها اشغال و دوباره بدست مبارزین می‌یافتاد. صفوی‌ها برای سرکوبی این قیام‌ها از تشدد، کشتارهای دسته جمعی و تاراج دارایی‌های مردم کار می‌گرفتند، اما قیام‌های مبارزین به کلی خاموش نگردید هرگاه جنبش آزادی‌خواهی در یک منطقه

سرکوب می‌شد، در محل دیگر دوباره بروز می‌کرد. به زودی جنبش ملی در ولایات شرقی کشور بوجود آمد که قبایل متعدد افغان‌ها در آن اشتراک داشتند.

جنبش روشانیان: رهبر این جنبش بایزید انصاری معروف به پیر روشن پسر شیخ عبدالله انصاری متولد (کانی گرام وزیرستان) بود پیر روشن علیه ظلم و استبداد حکومت مغلی و خان‌هایی که با دولت مغلی همکاری داشتند مردم را به مبارزه دعوت می‌نمود. پیر روشن مرد صوفی و صاحب طریقت بود، نخست در دره توجی به تبلیغ پرداخت، بعداً تیرا را مرکز فعالیت‌های خود قرار داد. حاکمان مغلی (آخند درووزه ننگر هاری) را علیه او تحریک نمودند و آخند درووزه تعلیمات او را مغایر اساسات دین مبین اسلام خوانده و او را به نام «پیر تاریک» نامید. بالاخره پیر روشن در یک جنگ با مغول‌ها کشته شد.

بعد از قتل او پسرش جلال الدین رهبری جنبش را به عهده گرفت. در (۱۶۰۰ میلادی) با مغل‌ها جنگ‌های زیاد نمود. در شرق از خیبر الی تیرا و در جنوب، کابل و غزنی را اشغال نمود. بالاخره جلال الدین نیز در جنگ به قتل رسید. بعد از جلال الدین، «احداد» نواسه پیر روشن در مقام رهبری قرار گرفت موصوف در منطقه تیرا در یک جنگ علیه مغل‌ها کشته شد. بعداً «عبدالقادر» به رهبری انتخاب گردید. «بی بی علایی» مادر عبدالقادر پسر خود را کمک می‌نمود. او بزودی پشاور را تصرف نمود، اما دیری نگذشته بود که در میان قبایل اختلاف بروز کرد، در سال (۱۶۳۶ م) مغل‌ها عبدالقادر و مادرش را دستگیر و به هندوستان تبعید نمودند تا این که جنبش ملی روشانیان به اثر دسایس و تلاش‌های مغل‌ها و حکام محلی سرکوب گردید.

جنبش خوشحال خان ختک:

در نیمه قرن ۱۶ میلادی قبیله ختک به تدریج صاحب قدرت گردید و در جنوب میان قبایل دیگر مقام مهم را حاصل نمود. در (۱۵۸۰ م) جلال الدین محمد اکبر تأمین امنیت راه تجارتی اتک الی پشاور را به قبیله ختک واگذار کرد و در مقابل امتیاز مالیه کاروان‌های تجارتی را برای قبیله ختک اعطا نمود و همین امتیاز باعث اختلاف بین قبیله مذکور و یوسفزایی‌ها گردید، در زمان شاه جهان ریاست قبیله ختک به خوشحال خان سپرده شد. خوشحال خان مرد شمشیر، سیاست و شاعر توانا بود. خوشحال خان در ابتداء با پادشاهان مغل روابط حسنه داشت، اما بعداً مناسبات او با دربار مغل تیره گردید. اورنگزیب خوشحال خان را دستگیر و زندانی ساخت، بعد از چهار سال از زندان رها گردید و دوباره رهبری نهضت را به عهده گرفت. در سال‌های ۱۶۷۰ - ۱۶۷۸ م چهل هزار سپاه مغل در جنگ (تاتره) توسط افغان‌ها به قتل رسیدند. بعد از این شکست حکمرانان مغل، یک پسر و دو نواسه خوشحال خان را به هندوستان تبعید نمودند تا این که ایشان در همان جا، جان سپردند



خوشحال خان ختک

و بعد از این واقعهء المناک، خوشحال خان به عمر هفتاد ساله گی وفات نمود و مطابق وصیت اش در کوهستان های ختک دور از سایه مغل ها به خاک سپرده شد.

قیام میرویس نیکه:



میرویس نیکه

در قرن ۱۶ میلادی افغانستان به اثر مداخلات خارجی ها تجزیه گردید. مناطق جنوب و غرب را صفوی های ایران، مناطق شرق را بابری های هند و مناطق شمال را شیبانی های ماورالنهر اشغال نمودند. عدم موجودیت حکومت مرکزی و تسلط اجنبی ها باعث رکود اقتصادی و نابه سامانی جامعه گردید که تنفر و انزجار مردم، حس استقلال خواهی را در بین شان تقویه نمود. تا این که در سال (۱۷۰۹ م) قیام مردم تحت رهبری میرویس خان هوتکی به تسلط صفوی ها و مظالم گرگین والی قندهار خاتمه داد و دولت مستقل در قندهار تشکیل گردید، اما این دولت بیشتر از سی سال دوام نکرد تا این که در قرن هجدهم میلادی دولت ملی در افغانستان به رهبری احمدشاه کبیر تشکیل گردید.

اوضاع اجتماعی افغانستان قبل از به قدرت رسیدن احمدشاه ابدالی

تجزیه و تقسیم افغانستان برای دو نیم قرن نه تنها سیر تکامل تمدن را در افغانستان به مشکل مواجه ساخت، بلکه یک دوره تنزل و انحطاط مادی و معنوی را در کشور بوجود آورد. روابط اجتماعی مردم افغانستان در این دوره ضعیف شد و هم مناسبات بین المللی کشور به رکود مواجه گردید، تجزیه و تقسیم افغانستان مانند آفت دامنه دار بود که به صورت تدریجی هویت، وحدت ملی و استقلال افغانستان را به تحلیل می برد.

در این دوران افغانستان دولت مرکزی و آزادی ملی خود را با اقتصاد نسبتاً خوب در بخش زراعت و تجارت از دست داد. مکتب هرات که در عصر تیموریان در انکشاف ادب، کلتور و علوم رول بارزی داشت از بین رفته بود. مدارس و مراکز تربیتی مسدود گردید، از این که برای دانشمندان و استادان مرجع تشویق وجود نداشت، تعداد زیاد ایشان به ممالک دیگر مخصوصاً هند متواری گردیدند.

اوضاع اقتصادی افغانستان قبل از به قدرت رسیدن احمدشاه ابدالی

قبل از این که افغانستان مورد تاخت و تاز صفوی ها، شیبانی ها و بابری های هند قرار بگیرد، وضع اقتصادی افغانستان در سراسر کشور روی هم رفته نسبتاً خوب بود. گرچه مردم زنده گی ساده و بدوی داشتند. زراعت، مالداري و صنایع سه بخش عمده اقتصاد افغانستان را تشکیل می داد.

خاک و اقلیم افغانستان برای کشت انواع نباتات مساعد بود. یک تعداد دهاقین از خود زمین شخصی داشتند، اما اکثر ایشان زمین را از زمینداران به اجاره یا به دهقانی می گرفتند. در بخش بند و انهار توجه زیاد صورت می گرفت. دولت‌ها در انکشاف زراعت توجه خاصی داشتند. زیرا یک بخش عمده عواید دولت را مالیات زراعتی تشکیل می داد.

مالداری: در این بخش نیز توجه زیاد صورت می گرفت و مردم زیاد به مالداری اشتغال داشتند و انواع مویشی توسط مردم تربیه و تکثیر میگردید محصولات مالداری یک بخش مهم اقتصاد ملی را تشکیل می داد.

صنایع: در بخش صنایع همیشه دولت‌ها صنعت گران را تشویق می نمود. استخراج غیر فنی طلا، نقره، آهن، مس و سرب صورت می گرفت و صنایع نسبتاً انکشاف نموده بود.

تجارت: یک تعداد ولایات از اهمیت خاص تجارتی برخوردار بودند راه‌های مواصلاتی، مناطق را با یکدیگر وصل می نمود و اموال تجارتی از یکجا به جای دیگر برای خرید و فروش انتقال داده می شد. واردات و صادرات با ممالک هندوستان، چین، ایران و ماورالنهر به پیمانه زیاد صورت می گرفت، زمانی قندهار و هرات از جمله مراکز تجارتی مهم افغانستان به شمار می رفت. در اوایل قرن (۱۶م) سالانه سی هزار شتر مال تجارتی از قندهار عبور می نمود و عواید گمرکی آن به دولت تادیه می شد. اهمیت تجارتی قندهار کمتر از اهمیت ستراتیژیک آن نبود، زمانی قندهار به نام دروازه هندوستان یاد می گردید، متأسفانه بعد از تجزیه و اشغال افغانستان بدست خارجی‌ها نظام اقتصادی متلاشی گردید. بر مشکلات مردم روز به روز افزوده می شد. مصارف لشکرکشی‌ها و مالیات کمرشکن که توسط آن‌ها وضع گردیده بود که مردم توان پرداخت آن را نداشتند و این وضع تا تشکیل دولت مرکزی به رهبری احمدشاه بابا در قرن هجدهم میلادی ادامه داشت.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد وضع اجتماعی، گروه دوم در باره وضعیت سیاسی قبل از به قدرت رسیدن احمدشاه بابا باهم مباحثه نمایند.

سؤالات:



۱. اهداف جنبش پیر روشن را کدام چیزها تشکیل می داد؟
۲. بعد از قتل پیر روشن جنبش روشانی را چپی کسی رهبری می نمود.
۳. خوشحال خان خٚٚک توسط کی زندانی شد؟
۴. قیام میرویس خان هوتک در کدام سال به پیروزی رسید و چه نتایج را در قبال داشت؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان راجع به اوضاع اقتصادی افغانستان قبل از به قدرت رسیدن احمدشاه بابا معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

احمد شاه بابا و تحکیم دولت مرکزی



چگونه گی به قدرت رسیدن
احمد شاه ابدالی، طرز حکومتداری
موصوف و کارکردهای مهم او
در این درس به بحث گرفته شده
است.

موقعی که احمد خان ابدالی برای تحکیم یک دولت مرکزی اقدام نمود، در افغانستان شرایط زیر حکمفرما بود: استیلا و تجزیه افغانستان توسط قوای اجنبی، عدم موجودیت حکومت مرکزی، رکود اقتصاد، اوضاع نابه سامان اجتماعی و تحولات سیاسی در دول مجاور زمینه تشکیل یک حکومت مرکزی را در افغانستان مهیا ساخته بود. بعد از کشته شدن نادر افشار در اردوی بزرگ اوبی نظمی رونما گردید. ناگفته نماند که یک بخش اردوی نادر افشار را قشون افغانی تشکیل می داد، تعداد آنها تقریباً به چهار هزار غلجایی و دوازده هزار سدوزائی و ازبک می رسید و نظر به پیشنهاد قوماندان عمومی نور محمد خان غلجایی و احمد خان ابدالی قطعات افغانی به قندهار سوق داده شدند. بعداً نور محمد خان از سران غلجایی، ازبک، ابدالی و هزاره خواهان تشکیل یک جرگه قومی گردید تا یک تن از اعضای جرگه به حیث زعیم یا پادشاه تعیین گردد و برای اداره امور افغانستان حکومت را تشکیل بدهد که تشکیل همچو جرگه مورد قبول تمام سران اقوام گردید.

جرگه مزارشیرسرخ در قلعه نظامی نادر آباد در قندهار منعقد گردید و برای مدت نه یوم ادامه

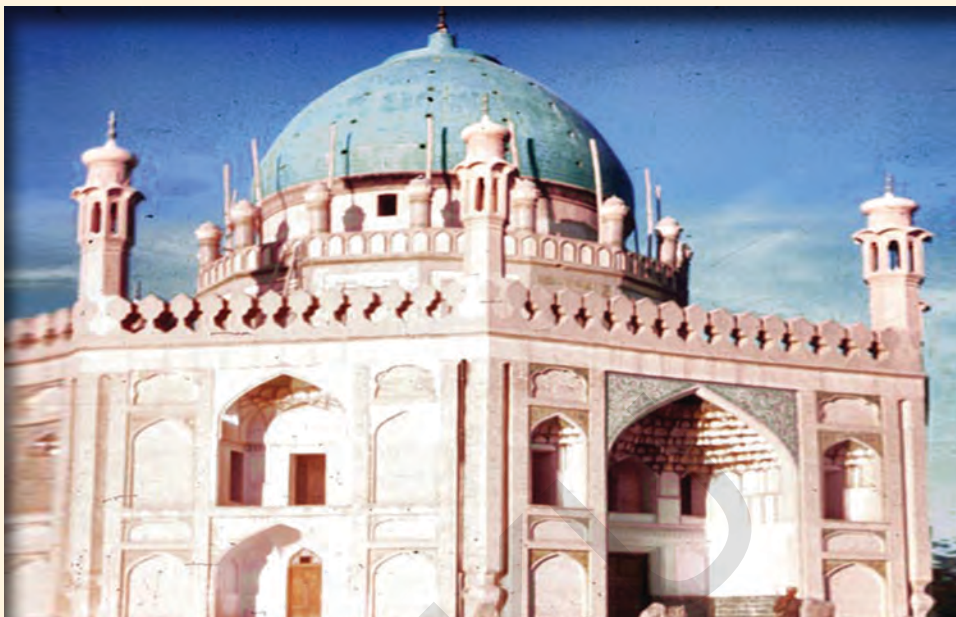
پیدا کرد اعضای جرگه به یک فیصله نهایی نمی‌رسیدند، زیرا هر خان، مقتدر خواهان سلطنت بود و تنها کسیکه در این جرگه خاموشی اختیار نموده بود، احمدخان ابدالی بود زیرا احمدخان تعلق به قبیله سدوزایی داشت که از لحاظ کمیت نسبت به دیگر قبایل کوچکتر بود بالاخره در روز نهم، اعضای جرگه چنین فیصله نمودند که یکی از اعضای جرگه را به حیث حکم انتخاب نمایند. شخص مذکور یک مرد روحانی بوده که به هیچ قبیله تعلق نداشت و حتی باشنده قندهار هم نبود. او همان صابر شاه کابلی پسر متصوف معروف «لایخوار» بود که همه مردم قندهار به او ارادت و اعتماد داشتند و این صوفی سیاستمدار از جا برخاسته احمدخان ابدالی را معرفی نمود و چند خوشه گندم را عوض تاج شاهی در عمامه او نصب کرد. خان‌های بزرگ ناگزیر به احمدشاه بایعت کردند او را به حیث پادشاه افغانستان قبول نمودند.

احمدخان پسر زمان خان ابدالی و نواسه دولت خان سدوزایی بود. مادر احمدخان ابدالی زرغونه خواهر عبدالغنی خان الکوزی والی سابق قندهار در زمان نادر افشار بود احمدخان ابدالی در سال ۱۷۲۲ میلادی در ولایت هرات متولد گردید، گرچه در محل تولد احمد شاه بابا بنا بر قول راجع اختلاف نظر وجود دارد، یک تعداد مؤرخین محل تولد احمدشاه ابدالی را هرات و تعداد دیگر ملتان گویند، زیرا از مدت‌ها بدینسو منزلی در ملتان موجود است که سدوزایان آن را زادگاه احمدشاه ابدالی می‌پندارند.

احمدخان ابدالی در دوره جوانی شامل اردوی نادر افشار گردید به زودی لیاقت و کفایت او برای نادر افشار ثابت شد او را به حیث قوماندان قطعات ابدالی و ازبک تعیین نمود.

بعد از کشته شدن نادر افشار اوضاع ایران به بی‌نظمی گرایید، در شمال دولت جنیدی رو به انحطاط گذاشت و در هند دولت مرهته به رهبری «سیواجی» روی کار آمد و بعد از مرگ اورنگزیب دولت بابری هند قادر نبود در امور داخلی افغانستان مداخله نماید. تحولات مذکور باعث شد تا برای احمدشاه بابا اطمینان و خاطر جمعی به بار آورد. او توانست از این شرایط برای تشکیل یک دولت و اعاده سرزمین‌های از دست رفته افغانستان استفاده اعظمی نماید.

احمدشاه بابا می‌دانست که ملاکین و رؤسای قبایل به خاطر حفظ منافع خویش، جهت تحکیم یک دولت با ثبات مشکلات را برای موصوف بابا به بار خواهند آورد. برای دفع این مشکل و فایق آمدن بر مشکلات، ایشان را در امور دولتی و نظامی شامل، و در جرگه‌ها برای شان عضویت داده و به نظریات



آرامگاه احمد شاه بابا در کندهار

ایشان ایشان ارج گذاشت و در سفرهای نظامی نیز ایشان را مصروف ساخت. بعد از آن که احمدشاه بابا به سلطنت رسید، نکات ذیل را به مثابه اهداف مهم جهت تشکیل یک نظام باثبات در نظر گرفت: اولین هدف او بوجود آوردن وحدت ملی و احیای مجدد دولت مرکزی در افغانستان بود، هدف دومی او تأمین سرحدات طبیعی از دریای آمو تا دریای سند شناخته شده بود و سومین هدف خود را دفاع در مقابل کشورهای همجوار تعیین نموده بود. برای از بین بردن اختلاف داخلی و اخذ مشوره مردم در امور دولتی برای نخستین بار یک شورای دایمی تشکیل نمود که یک تعداد اعضای جرگه مزار شیر سرخ نیز شامل آن بودند. برای اداره بهتر نخست تشکیلات اداری و نظامی را بوجود آورد، تشکیلات مذکور اقتباسی بود از تشکیلات میرویس نیکه، احمد شاه بابا می خواست تا این کار ناتمام او را تکمیل نماید. احمدشاه بابا در رأس تمام تشکیلات اداری، قضایی و نظامی صاحب نظر قاطع بود، بدین معنی که شخص پادشاه اداره تمام امور را بدست داشت و هم در سطح مرکز و ولایت تشکیلات اداری و نظامی ایجاد نمود. گرچه احمدشاه بابا در مدت ۲۶ سال سلطنت خود جهت تحکیم حکومت مرکزی، اصلاحات

اداری و سفرهای نظامی در داخل و خارج آن قدر مصروف بود که نتوانست جهت انکشاف اقتصاد، تعلیم و تربیه و فرهنگ توجه خاصی مبذول نماید، ولی با آن هم در زمان سلطنت موصوف بعضی کارها صورت گرفت مانند اعمار شهرهای قندهار، تاشقرغان و اعمار مقبره اش در جوار «خرقه مبارک» که نماینده گی از سبک معماری آن عصر می نماید.

احمدشاه بابا به عرفان و ثقافت علاقه مندی زیادی داشت، یک تعداد کتب در زمان سلطنت او به رشته تحریر در آمد مانند: تاریخ احمدشاهی در دو جلد توسط منشی دربار او محمود الحسینی، «تواریخ حافظ رحمت خانی» توسط میر محمد فاضل، کتاب طبّی «بحرالنفوس» توسط قاضی دل محمد افغان و «خلاصه الانساب» در باره نسب پستونها توسط حافظ رحمت خان بریخ. و هم چنان اولین موزیم در شهر قندهار به نام «بیت الشرف» تأسیس گردید. احمدشاه بابا در قندهار، هرات و پشاور مدارس بزرگی تأسیس نمود که مشهورترین آنها مدرسه «جامع کهن قندهار» بود احمد شاه بابا طبع شعری داشت و دیوان اشعار او نماینده گی از علاقه مندی وی با تصوف و عرفان می نماید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد چگونه گی به قدرت رسیدن احمد شاه بابا و گروه دوم در رابطه تحکیم قدرت مرکزی در عصر وی مباحثه نمایند.

سؤالات:



۱. احمدشاه بابا در کدام جرگه به صفت زعیم افغانستان انتخاب گردید؟
۲. احمدشاه بابا در اجرای وظایف کدام اصل را رعایت می نمود؟
۳. چند نمونه از سبک معماری دوران احمدشاه بابا را نام بگیرید.

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان در مورد وضعیت فرهنگی زمان احمدشاه بابا از شخصیت های فرهنگی و معلمین خویش معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند؟

سوقیات نظامی احمدشاه بابا



در این بخش راجع به علل و عوامل سفرهای نظامی احمدشاه بابا در طی حکمروایی ایشان و دست آوردها و پیامد این سوقیات معلومات ارائه می گردد.

احمدشاه بابا زمانی به قدرت رسید که افغانستان توسط قوای اجنبی تجزیه و اشغال گردیده بود، فلذا احمدشاه بابا برای بدست آوردن مناطق از دست رفته کشور و تأمین سرحدات طبیعی قبلی به یک سلسله سوقیات و سفرهای نظامی دست زد. در این درس به طور فشرده در مورد سوقیات نظامی احمدشاه بابا معلومات ارائه می گردد.

سفر اول (۱۷۴۷-۱۷۴۸ میلادی)

خان جهان خان سپهسالار از طریق غزنی، کابل، جلال آباد و پشاور تا سواحل سند رسید. ناصر خان والی کابل و پشاور که هنوز در قدرت بود می خواست به کمک قشون ایماق و هزاره با قوای افغانی بجنگد، اما قشون ایماق و هزاره از جنگ امتناع ورزیدند. احمدشاه بابا نیز به طرف شرق حرکت نمود و در مسیر راه به استقبال مردم روبه رو شد. والی پنجاب در جنگ با احمدشاه بابا مقاومت نتوانسته به لاهور فرار کرد، و احمدشاه بابا لاهور را اشغال نمود. شهنشاه هند از پیشروی افغان ها به هراس افتاد، احمد شاه مغولی ولیعهد، قمرالدین صدراعظم خود را با قوای زیاد، به مقابل افغان ها فرستاد و قوای افغانی تحت

آتش توپخانه هندی‌ها قرار گرفت که متحمل تلفات زیاد گردید. احمدشاه‌بابا مجبور شد، پنجاب را به «میرمنو» و ملتان را به زاهد خان واگذار شود و خودش برای فرو نشاندن شورش‌ی که توسط لقمان خان برادرزاده‌اش براه انداخته شده بود به قندهار مراجعت نماید.

سفر دوم

احمدشاه‌بابا در اوایل سال ۱۷۴۹م به هرات سفر کرد. سه نفر از حاکمان نادر افشار به احمدشاه‌بابا تسلیم نگردیده بودند، از جمله آن‌ها درویش خان هزاره طرفداری خود را از احمد شاه بابا اعلان نمود، هرات توسط احمدشاه‌بابا تسخیر گردید و موصوف درویش خان را به حیث والی هرات تعیین کرد. احمدشاه‌بابا شاه‌ولی خان صدراعظم خود را حکم نمود تا به مناطق شمال سفر نماید زیرا بعد از انحطاط دولت جنیدی مرو، فاریاب، جوزجان، بلخ، خلم، بدخشان و تخارستان خودمختار گردیده بودند. شاولی خان مناطق مذکور را یکی بعد دیگر به حکومت مرکزی مدغم نمود.

سفر سوم

در بهار ۱۷۵۰م «عباس قلی بیات» در نیشاپور بغاوت نمود، احمدشاه‌بابا به نیشاپور سفر کرد و عباس قلی بیات در برخورد با اردوی افغانی شکست خورده اسیر گردید، بعداً احمدشاه‌بابا او را مورد عفو قرار داده و به حیث حاکم نیشاپور مقرر نمود. موقعی که احمدشاه‌بابا به هرات رسید، مطلع گردید که میرعلم خزیمه به مشهد حمله نموده «شهرخ نابینا» نواده نادر افشار را خلع نموده، بناءً احمدشاه‌بابا به مشهد برگشت، میرعلم را مغلوب و امنیت شهرخ را دوباره تأمین نمود.

سفر چهارم

در سال (۱۷۵۱ میلادی) میرمنو والی پنجاب در تأدیه مالیاتی که قبلاً تعهد نموده بود تعلل ورزید، احمدشاه‌بابا نماینده خود را نزد او فرستاد، اما والی پنجاب از پرداخت مالیات انکار نمود. احمدشاه‌بابا به شرق سفر کرد، میرمنو والی پنجاب سپهسالار «گورامل» را به مقابل احمدشاه‌بابا به جنگ فرستاد. جنگ در محل «شاه دره» واقع شد، گورامل به قتل رسید و لشکر او شکست خورد. میرمنو عفو خواست و احمدشاه‌بابا او را عفو و دوباره والی پنجاب مقرر نمود. میرمنو تعهد سپرد که ولایات پنجاب و ملتان یک قسمت افغانستان خواهد بود. سپس احمدشاه‌بابا تعهدنامه مذکور را توسط نماینده خود قلندر خان جهت مهر و تأیید، به دربار دهلی فرستاد بدین ترتیب (پنجاب، ملتان و سند) متعلق به افغانستان گردید.

در اخیر سال ۱۷۵۱ میلادی احمدشاه بابا سپاهی را تحت قیادت خواجه عبدالله، جهت الحاق کشمیر، از طریق «اتک و حسن ابدال» به کشمیر فرستاد تا خواجه کشمیر مناسبات خود را با دولت هند قطع و الحاق خود را با افغانستان اعلان نماید.

سفر پنجم ۱۷۵۶-۱۷۵۷م به شرق

میرمنو والی پنجاب در (۱۷۵۳ م) فوت نمود احمدشاه بابا به پنجاب سفر کرد و محمد امین پسر نابالغ میرمنو را به حیث والی عوض او تعیین نمود. مادر محمد امین (بیگم مغلانی) به نیابت پسر خود امور ولایتی را پیش می‌برد و این در وقت بود که دربار دهلی آله دست (عمادالملک غازی الدین) صدراعظم هند گردیده بود، و غازی الدین، احمدشاه، پسر محمدشاه پادشاه هند را بر کنار ساخت و عوض او عالمگیر دوم را بر تخت دهلی نشاند. و بیگم مغلانی را اسیر کرد و ولایت پنجاب را به آدینه بیک سپرد. عالمگیر سپاهی را تحت قیادت (نجیب الدوله) والی سهارنپور به مقابل احمدشاه فرستاد، اما نجیب الدوله بدون جنگ با احمدشاه بابا یکجا و عالمگیر مجبور شد در نزدیک دهلی احمدشاه بابا را استقبال نماید، احمدشاه بابا به خاطر حفظ علایق دوستی، برادرزاده عالمگیر را به عقد نکاح شهزاده تیمور در آورد و بعداً خودش به وطن برگشت.

سفر ششم به جنوب

موقعی که احمدشاه بابا از هند به افغانستان عودت نمود، سرداران افغان با استفاده از قوت دولت ابدالی بر دهاقین پنجاب مالیات سنگین وضع نمودند که این عمل ایشان باعث بروز شورش‌ها گردید و به زودی سک‌ها، رهبری شورش را بدست آورد و در «امرتسر» به تشکیلات آغاز کردند که بلاخره منجر به زد و خورد میان افغان‌ها و سک‌ها گردید. نجیب الله یوسفزی سپهسالار هند فرار نمود، جت‌ها و راجپوت‌ها با قوای مرهته اتحاد نمودند.

غازی الدین صدراعظم اسبق هند سک‌ها را در پنجاب علیه افغان‌ها تحریک می‌نمود. آدینه بیک به اتفاق سک‌ها در محلی به نام (جلندر) تعداد زیاد افغان‌ها را کشت. در ماه اپریل ۱۷۵۸م قوای افغانی شکست خورد و عبدالصمد خان توسط دشمن اسیر شد. شهزاده تیمور و سردار جهان خان سپهسالار افغانی تاب مقاومت نیاورده تا اتک عقب نشینی نمودند و شورشیان به استثنای (اوده) حکمرانی تمام هند را بدست آوردند. احمدشاه بابا عجلتاً قضیه هند را به آینده گذاشت، زیرا خودش مصروف ناآرامی

های بلوچستان بود. قوای تحت رهبری شاهولی خان به بلوچستان سوق داده شد و بعد از برخورد با نصیر خان رهبر شورشیان بلوچستان شکست خورده و خواهش مصالحه نمود که مورد عفو احمدشاهبابا قرار گرفت و بلوچستان دوباره مثل سابق جزء قلمرو افغانستان گردید. احمدشاهبابا سپاهی را تحت قیادت نورالدین به پنجاب اعزام نمود و خودش به قندهار برگشت تا قوای را جهت تصفیه حساب با سکه‌ها و مرهته‌ها جمع‌آوری نماید.

سفر هفتم - جنگ پانی پت ۱۷۶۰ - ۱۷۶۱ میلادی

این سفر احمدشاهبابا در شرق از اهمیت زیاد برخوردار بود، زیرا در سال ۱۷۵۸ میلادی در هند واقعات مهم رخ داد نخست سکه‌های پنجاب قیام نمودند، ثانیاً مرهته‌ها به هند مرکزی و شمالی داخل گردیدند و سوم این که حکومت اسلامی که به دست مسلمانان تشکیل شده بود به سقوط مواجه گردید، در حالی که احمدشاهبابا مصروف سرکوبی نصیر خان بلوچ بود. وقتی که (سندیا) رئیس مرهته‌ها به هند مرکزی رسید، راجپوت‌ها و جت‌ها باهم اتحاد نمودند و سندیا به طرف پنجاب حرکت نمود آدینه بیگ نیز با ایشان همراه شد و پنجاب را اشغال کرد. شهزاده تیمور و سردار جهان خان به پشاور عقب نشینی کردند.

موقعی که احمدشاهبابا از بلوچستان مطمئن گردید با سی هزار عسکر از طریق دره بولان به سند رسید و با شهزاده تیمور و جهان خان یکجا شده و به طرف پنجاب حرکت نمودند به مجردی که سندیا و غازی الدین از حرکت احمدشاهبابا مطلع شدند با نجیب الدوله صلح نموده و به جانب دهلی روان شدند، در دهلی عالمگیر دوم را به قتل رسانیده و نواسه اورنگزیب را پادشاه ساختند، در چنین وضعیت احمدشاهبابا با سه قوه، اولی مربوط سندیا در طول راه دهلی، دومی مربوط (هولگر) که در کنار چپ دریای جمنا سومی مربوط (جنگورا) و غازی الدین مقابل گردید. و به مجردی که جنگ شروع شد، قوای سه گانه در مقابل قوای احمدشاهی شکست خوردند. زمانی که غازی الدین و جنگورا از شکست قوای خویش مطلع گردیدند دهلی را ترک کرده و فرار نمودند.

رهبر مرهته‌ها (بالاباجی) تمام رؤسای مرهته را اطلاع داد تا لشکر جدید ترتیب نمایند و راجپوت‌ها با مرهته‌ها اتحاد نمودند. که تعداد شان به دو صد هزار می‌رسید در حالی که تعداد سپاه احمدشاهبابا شصت هزار نفر بود در میدان پانی پت جنگ عظیمی رخ داد. افغان‌ها فاتح و قوای مخالفین شکست خوردند احمدشاهبابا داخل دهلی گردید. تخت دهلی را به شهزاده علی گوهر، امور سیاسی و اداری را به شجاع

الدوله و بخش نظامی را به نجیب الدوله سپرد و خودش به قندهار مراجعت نمود.

سفر هشتم - ۱۷۶۲ - ۱۷۶۳ میلادی

در سال ۱۷۶۲ میلادی سک‌های پنجاب تحت رهبری «جیسانگ» دوباره به شورش دست زدند و «امرتسر» را به یک مرکز نظامی تبدیل نموده در کشمیر تبلیغات ضد افغانی را شروع و شهر لاهور را اشغال کردند. احمدشاه بابا به سوی پنجاب حرکت نمود. قوای هفتاد هزار نفری سک‌ها تار و مار گردید و به سردار نجیب الدوله هدایت داد تا امنیت «سرهند» و کشمیر را اعاده نماید.

سفر نهم - ۱۷۶۳ م

بعد از شکست سک‌ها احمدشاه بابا به قندهار عودت نمود. نسبت مریضی که عاید حالش گردید تا اخیر سال مذکور به جایی سفر نکرد. درین موقع سک‌ها با جت‌ها و مرهته‌ها اتحاد کرده و با آغاز حمله بر پنجاب و سرهند قصد تسخیر دهلی را نمودند. احمدشاه بابا در سال ۱۷۶۳ میلادی به پنجاب لشکر کشید و شورشیان را شکست داده در کوهستان‌ها متواری ساخت. در اخیر سال ۱۷۶۳ م احمدشاه بابا شاه‌ولی خان صدراعظم خود را به بلخ اعزام نمود تا با عبدالعزیز خان آخرین پادشاه سلسله جنیدی مذاکره نماید. و در مذاکرات قراردادی با وی عقد شد که دریای آمو کمافی السابق حد فاصل بین افغانستان و بخارا تعیین گردید و بعداً شاه‌ولی خان به بدخشان برگشت خرقه مبارک یا لباس حضرت پیغمبر ﷺ را از شهر فیض آباد با خود به قندهار انتقال داد.

سفر دهم - ۱۷۶۹ میلادی

در سال ۱۷۶۹ میلادی بین نصرالله میرزا و نادر میرزا پسران شاه‌رخ نایینا برای بدست آوردن قدرت، اختلاف پیدا شد در خراسان وضع رو به خرابی گرایید بناءً احمدشاه بابا به مشهد سفر کرد، زیرا نصرالله میرزا با کریم خان زند ارتباط قایم نموده بود. حاکم (تون و طبس) علی مراد شورش و سرکشی نموده احمدشاه بابا مشهد را محاصره کرد و سپهسالار جهان خان و نصیر خان والی بلوچستان را به غرض سرکوبی علی مراد موظف ساخت که در نتیجه علی مراد در جنگ به قتل رسید. نصرالله میرزا تسلیم گردید و شاه‌رخ دختر خود را به پسر احمدشاه بابا نکاح نمود.

احمدشاه بابا خراسان را به پاس نادرافشار به شاه رخ سپرد و خودش به قندهار عودت کرد و این آخرین سفر احمدشاه بابا بود.

احمدشاه بابا بعد از بیست و شش سال سلطنت به مریضی سرطان مبتلا شد و به عمر پنجاه ساله گی دنیای فانی را وداع نمود. موصوف مطابق وصیت اش در ۱۷۷۳م در جوار مسجد خرقة مبارک به خاک سپرده شد. احمدشاه بابا سرزمین افغانستان را یکپارچه و متحد ساخت و ملت به خاطر اخلاق نیک، تقوا، مهربانی و خدماتش او را (بابا) لقب دادند.

احمدشاه بابا در هنگام حیات سیاسی و نظامی خویش بیشتر از ده مرتبه به هند، خراسان و شمال افغانستان سفر نمود. زمانی که در سال ۱۷۷۳م وفات نمود، یک امپراتوری وسیع را به میراث گذاشت که در شرق تا سرهند، در غرب، تا سبزوار غرب مشهد، در شمال تا دریای آمو و در جنوب تا بحیره عرب را در بر می گرفت.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به اهداف نظامی و گروه دوم در مورد پیامد سفرهای نظامی احمدشاه بابا باهم مباحثه نمایند.

سؤالات:



۱. سفر اول احمدشاه بابا در کدام سال آغاز و چه نتایج را در قبال داشت؟
۲. احمدشاه بابا چند بار به غرب کشور سفر نمود دست آوردهای آن را تذکر دهید.
۳. مشهورترین سفر نظامی احمدشاه بابا به هند چه نام داشت و هم تذکر دهید که چه نتایج را به بار آورد.

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان از بزرگان و شخصیت های فرهنگی در مورد قلمرو جغرافیایی افغانستان در آخرین روزهای حیات احمدشاه بابا معلومات حاصل نموده و آن را در صنف ارائه نمایند.



آیا بعد از احمدشاه بابا جانشینان و ورثه او توانستند امپراتوری وسیعی را که از وی به میراث مانده بود حفظ نمایند؟ درین درس راجع به آن‌ها معلومات ارائه می‌گردد.

تیمورشاه پسر احمدشاه بابا در ۱۷۴۲م در مشهد تولد گردید. او شخصی تحصیل یافته و شاعر زبان دری بود، هنگام فوت احمدشاه بابا منحیث والی هرات ایفای وظیفه می نمود. احمدشاه بابا در زنده گی خود او را ولیعهد یا جانشین خود تعیین کرده بود. بعد از وفات احمدشاه بابا شهزاده سلیمان به حمایت شاولی خان صدراعظم که خسرش بود در قندهار اعلان پادشاهی کرد. موقعی که شهزاده تیمور از هرات به قندهار مواصلت نمود شهزاده سلیمان را عزل کرده و شاه ولی خان را به قتل رسانید و خود به سلطنت رسید.

تیمورشاه در سال اول سلطنت خود پایتخت را از قندهار به کابل انتقال داد. تیمورشاه چندین شورش و قیام را در داخل و خارج موفقانه دفع نمود.

تیمورشاه در مدت ۲۰ سال سلطنت خویش قلمرو وسیعی را که از پدر به ارث گرفته بود حفظ کرد بی اتفاقی پسران، مداخلات ایران و رقابت های روس و انگلیس بعد از مرگ تیمورشاه باعث سقوط امپراتوری بزرگ ابدالی گردید و تیمورشاه در ۱۷۹۳م وفات نمود و در چهارباغ کابل دفن شد.

سلطنت زمان شاه (۱۷۹۳-۱۸۰۱ میلادی):

یکی از علل اختلافات میان پسران تیمور شاه تعیین نکردن ولیعهد در زمان او به شمار می‌رود. شاه زمان



سلطان زمان شاه

که نسبت به سایر برادران نزد پدر قرب بیشتر داشت شخصی لایق و باکفایت بوده پدر را در امور مملکتی، یاری می‌نمود فلذا وی خود را جانشین پدر می‌دانست. شاه زمان از تمام شهزاده‌ها و بزرگان خواست تا در مجلس جهت انتخاب شاه جدید اشتراک نمایند بالاخره بعد از فیصله جرگه، وی به حیث پادشاه تعیین گردید، موصوف برای این که بر اوضاع تسلط پیدا نماید، اعضای جرگه را در بالا حصار برای مدت کوتاه نظربند ساخت و صرف دو برادر او به نام‌های محمود و همایون که در جرگه شرکت نداشتند سلطنت او را تأیید نکردند. در دو جنگ جداگانه

محمود و همایون شکست خوردند، محمود به ایران فرار نمود و همایون دستگیر شده کور گردید. زمان شاه سردار پاینده محمدخان را از مقام وزارت خلع نمود، این کار باعث عدم رضایت او گردید و سبب شد تا با دیگر سرداران پیوسته در صدد آن بر آید تا شاه زمان را از سلطنت خلع نماید، وقتی که شاه زمان از طرح سردار پاینده محمدخان مطلع شد، او را دستگیر نموده و به قتل رسانید. شاه زمان آرزو داشت تا وضع افغانستان بهبود یافته در افغانستان صلح و آرامش برقرار گردد، اما وی در داخل با مخالفت برادران و سرداران قومی و در خارج به تحریکات انگلیس و مداخلات ایران مواجه گردید.

در دوره حکمرانی او ناپلیون بناپارت نماینده خود را از طریق ایران به کابل نزد شاه زمان فرستاد پلان نظامی خویش را مبنی بر حمله هفتاد هزار قوای فرانسوی و روسی از طریق افغانستان به هندوستان به خاطر جلوگیری از پیشروی انگلیس در هندوستان با او مطرح ساخت. چون شاه زمان یکصد و پنجاه هزار عسکر مسلح داشت و می‌خواست هند را از انگلیس نجات بدهد به طرح ناپلیون اعتنا نکرد.

محمود برادر دیگر شاه زمان به کمک قوای قاجاری «ایران» و سرداران فراری، بدون جنگ خراسان و هرات را اشغال نمود سپس به سیستان و فراه حمله کرد و تا قندهار رسید. قوای شاه زمان به خاطر دفاع

به جانب قندهار حرکت نمود، در طول راه جنرال احمدشاه نورزایی با ده هزار سپاه خود بدون تصادم به محمود پیوست و محمود به غزنی رسید. شاه‌زمان با مشاهده چنین وضع از کابل به طرف پشاور عقب نشینی نمود و در منطقه شینوار توسط ملا عاشق شینواری دستگیر و بعداً توسط محمود برادرش کور گردید و محمود در رأس اداره افغانستان قرار گرفت. قابل تذکر است زمان‌شاه قبل از کور شدن الماس کوه نور را در قلعه ملا عاشق شینواری پنهان ساخته بود. در نتیجه سیاست استعماری انگلیس، مداخلات ایران و اغراض عده از رجال سیاسی دیگر، افغانستان دوباره در یک دور انحطاط سیاسی و اقتصادی فرو رفت.

سلطنت شاه محمود ابدالی ۱۸۰۱-۱۸۰۴ میلادی

شهباز شاه محمود بعد از کور ساختن و خلع شاه‌زمان به کمک وزیر فتح‌خان به قدرت رسید. شاه محمود به پاس خدمات موصوف برایش لقب «شاه دوست» را عطا نمود. به اثر بی کفایتی محمود



شاه محمود

در اداره کشور یک بحران سیاسی در افغانستان رونما گردید، چنانچه فعالیت‌های استعماری انگلیس سراسر افغانستان را فراگرفت، و دولت قاجاری ایران آله دست انگلیس گردیده بود در صدد تجزیه ولایت خراسان شد. ولایت پنجاب که قبلاً جزء قلمرو افغانستان بود در آنجا سک‌ها استقلال خویش را اعلان نمودند.

موقعی که شهباز شاه محمود از کور ساختن و زندانی شدن شاه‌زمان و به سلطنت رسیدن شاه محمود اطلاع یافت به بهانه انتقام شاه‌زمان برای گرفتن

تخت و تاج افغانستان اقدام نمود. گرچه در ابتدا انگلیس‌ها برای برانداختن شاه‌زمان، شاه محمود را حمایت می‌کردند، اما بعداً برای پیشبرد اغراض استعماری خویش و خنثی شدن حمله پلان ناپلیون به همکاری شاه‌زمان به هندوستان، شاه شجاع را از همه خویتر یافتند و او را علیه شامحمود تحریک کردند.

در چنین حالت شاه محمود در ارگ بالا حصار مشغول عیش و عشرت بود و امور دولتی در دست کسانی که برای بدست آوردن قدرت در رقابت بودند ماند و وزیر فتح‌خان (شاه دوست) شیر محمد خان

(مختارالدوله) و محمد اکرم خان صدراعظم قرار داشت، در چنین وضعیت وزیر فتح خان جهت حصول مالیات به پشاور، کوهات و بنو سفر نمود، بعد از حصول مالیات مناطق مذکور، نزد شهزاده کامران به قندهار مراجعت کرد و از قندهار به کابل برگشته به عوض محمد اکرم خان، به حیث صدراعظم تعیین گردید، این در حالی بود که یک تعداد رجال برجسته دولتی از کابل فرار نموده و به شاه شجاع پیوستند. مردم کابل که از اداره ضعیف شاه محمود به ستوه آمده بودند، علیه موصوف قیام نموده و او را در بالا حصار کابل محصور ساختند. قوای شاه محمود به مقاومت دوام داده تا این که مردم کوهدامن و کوهستان برای کمک مردم به کابل رسیده شاه محمود را زندانی و وزیر فتح خان را در قسمت قلعه قاضی شکست دادند و به این ترتیب دوره اول سلطنت شاه محمود به پایان رسید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد عوامل انتقال سلطنت از قندهار به کابل و گروه دوم در رابطه به حوادث مهم جهانی مقارن ظهور زمان شاه باهم مباحثه نموده و نتیجه را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات:



۱. در مورد شخصیت تیمورشاه معلومات ارائه نمایید.
۲. تیمورشاه در کدام سال پایتخت را از قندهار به کابل انتقال داد؟
۳. راجع به چگونه گی به قدرت رسیدن زمان شاه معلومات دهید.
۴. مشکلات عمده دوره سلطنت زمان شاه را فهرست نمایید.
۵. شاه محمود چگونه به قدرت رسید؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان می توانند در صورت رجوع به منابع و ماخذ در مورد پالیسی انگلیس در قبال حکومت زمان شاه معلومات حاصل نموده و آن را و در صنف ارائه کنند.

سلطنت اول شاه شجاع ۱۸۰۴-۱۸۰۹ میلادی



توقعاتی که که مردم افغانستان از شاه شجاع داشتند آیا بعد از جلوس آن بر سریر قدرت برآورده گردید؟ در مبحث ذیل پیرامون آن معلومات ارائه می گردد.

کور شدن شاه زمان، ضعف اداره شاه محمود و تنفر مردم از او، زمینه را برای سلطنت شاه شجاع مساعد گردانیده بود. در سال ۱۸۰۴ میلادی شاه شجاع به درخواست مردم کابل از طریق زرمات و لوگر داخل کابل گردید و در باغ بابر اقامت گزید و دوستی خود را با انگلیس ها آشکار ساخت. وزیر فتح خان جهت جمع آوری مالیات به بامیان رفته بود موقعی که به کابل برگشت خواست شاه محمود را از محاصره رها نموده و سلطنت نام برده را از سقوط نجات بدهد بنا براین جنگی در بین قوای وزیر فتح خان و قوای شاه شجاع در منطقه قلعه قاضی کابل رخ داد. در نتیجه وزیر فتح خان شکست خورده و به قندهار نزد شهزاده کامران والی قندهار فرار نمود. بعداً شاه شجاع قوای خویش را داخل بالاحصار نمود و سلطنت خویش را اعلام کرد.

افراد شاه شجاع بعد از جلوس او ملا عاشق شینواری را به کابل آوردند، نخست الماس کوه نور را از نزدش حصول و بعداً او را به قتل رسانیدند.

شاه شجاع در تحکیم سلطنت خود از وزیر فتح خان و برادران او هراس داشت، بناءً کوشش نمود تا مناسبات خود را با وزیر فتح خان حسنه ساخته و خصومت و دشمنی را کنار گزارد. او وزیر فتح خان را به بسیار عزت به کابل دعوت نمود شاه شجاع با دختر دوست محمد خان برادرزاده وزیر فتح خان ازدواج نمود، اما با وجود آن هم بر یکدیگر اعتماد نداشتند، زیرا منشأ اصلی دشمنی ایشان را قتل سردار پاینده محمد خان پدر وزیر فتح خان، توسط شاه زمان تشکیل می داد وزیر فتح خان سعی می نمود تا شاه محمود را دوباره به پادشاهی برساند. در همین موقع شاه محمود از زندان بالاحصار کابل فرار نمود و در جنگی که بین قوای شاه شجاع و شاه محمود رخ داد، شاه شجاع شکست خورد و شاه محمود برای مرتبه دوم به سلطنت رسید.

سلطنت دوم شاه محمود ۱۸۰۹-۱۸۱۸ میلادی

شاه محمود به کمک وزیر فتح خان برای بار دوم به سلطنت رسید و یک تعداد مامورین عالی رتبه دولتی چون محمد اکرم خان امین الدوله، شیرمحمد خان مختارالدوله و میرعلم محکوم به اعدام گردیدند، زیرا ایشان در حکومت اول شاه محمود نزد شاه شجاع فرار نموده در دوران سلطنت شاه شجاع با او همکار بودند.

وزیر فتح خان با برادران خود بر امور دولتی مسلط گردیده و برای تحکیم قدرت بیشتر برادران خود را در پست های مهم دولتی گماشت. قدرت روز افزون وزیر فتح خان مایه نگرانی و موجب حسادت شهزاده کامران گردید. در چنین وضعیت شاه محمود مشغول خوشگذرانی بوده، از امور دولتی آگاهی نداشت. و ساحة اقتدار او صرف محدود به کابل و قندهار می گردید،

پشاور تحت نفوذ فعالیت شاه شجاع قرار داشت و کشمیر توسط عظامحمدخان اداره می شد که



وزیر فتح خان

از دولت مرکزی اطاعت نمی کرد. در هرات برادر سکه شاه محمود شهزاده فیروزالدین حکمرانی می نمود و شاه محمود از آغاز سلطنت دوم خود اکثراً در پایتخت رهایش داشت. موقعی که قوای افغانی در شرق مصروف جنگ بودند، ایرانی ها غورات را اشغال کردند فیروزالدین از مرکز کمک خواسته تا جلو پیشروی ایرانی ها را بگیرد، وزیر فتح خان با سی هزار عسکر از کابل حرکت نمود.

وزیر فتح خان، شهزاده فیروزالدین را با خانواده اش به قندهار فرستاد، دارایی و زیورات شهزاده فیروزالدین توسط افراد دوست محمدخان مورد دست برد قرار گرفت، وزیر فتح خان با ایرانیان به جنگ پرداخت که در نتیجه قوای ایرانی شکست خورده، عقب نشینی کردند. شاه محمود که از اهانت به خانواده شهزاده فیروزالدین مطلع گردید شهزاده کامران را برای سرزنش دوست محمدخان به هرات فرستاد. دوست محمدخان فرار نموده و کامران وزیر فتح خان را دستگیر و او را کور کرد. برادران وزیر فتح خان از کور شدن موصوف آگاه گردیدند و در سراسر افغانستان از کشمیر تا هرات به شورش دست زدند. دوست محمدخان از کشمیر برگشت و کابل را اشغال نمود. وزیر فتح خان نزد شاه محمود زندانی بود، شاه محمود کوشش نمود تا وزیر فتح خان را متقاعد سازد که برادرانش از جنگ دست بردارند اما بردران وزیر فتح خان جنگیدن را ترجیح دادند، چون خواست شاه محمود برآورده نشد فلذا وزیر

فتح‌خان را به قتل رسانید. در هرات حکومت جداگانه تشکیل شد. این حکومت تا سال ۱۸۴۲ میلادی دوام کرد و باز افغانستان برای بار دیگر میدان رقابت‌های برادران سدوزایی، بارکزیایی و سیاست استعماری انگلیس قرار گرفت.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه جداگانه تقسیم شوند. گروه اول راجع به چگونه‌گی به قدرت رسیدن شاه‌شجاع و گروه دوم در مورد حوادث مهم سلطنت دوم شاه‌محمود باهم مباحثه نموده و نتایج آن را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات:



۱. نقش وزیر فتح‌خان را در اعاده سلطنت شاه‌محمود بیان نمایید.
۲. شاه‌محمود در دور دوم چگونه به قدرت رسید؟
۳. شاه‌شجاع در دور اول سلطنت خویش متوصل به کدام اقدامات گردید؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان در مورد نفوذ استعمار بعد از خلع زمان شاه در افغانستان از بزرگان و شخصیت‌های فرهنگی معلومات حاصل و آن را در صنف ارائه نمایند.

تجدید رقابت‌ها و اختلافات

چرا رقابت‌ها و اختلافات بین دودمان‌های سدوزایی و بارکزایی بوجود آمد کدام نتایج را در قبال داشت راجع به این موضوع در این درس معلومات ارائه می‌گردد.

محمدزایی‌ها عشیره از بارکزایی‌های درانی قندهار می‌باشند. محمد بن عمر از تبار دارو و بارک بودند فلهمذا بارکزایی‌ها و محمدزایی‌ها مربوط یک تبار هستند. حاجی جمال بن حاجی یوسف بن یارو بن محمد عضو جرگه مزار شیر سرخ و مشاور دربار احمدشاه‌بابا بود.

سردار پاینده محمدخان بارکزایی در دوره سلطنت زمان‌شاه در یک توطئه سیاسی برضد شاه‌زمان به قتل رسید و وزیر فتح‌خان برای انتقام پدر در سقوط دولت شاه‌زمان سهم فعال داشت. شاه‌محمود به کمک او به سلطنت رسید ولی او نخست توسط شاه‌محمود کور و بعداً به قتل رسید. پس از آن که شاه‌محمود و شهزاده کامران به هرات متواری گردیدند، مدت کوتاهی در آنجا سلطنت نمودند.

وزیر فتح‌خان در حدود بیست برادر داشت که هر کدام آن‌ها برای بدست آوردن قدرت

در تلاش بودند، خصوصاً سردار محمدعظیم خان و سردار دوست محمدخان.

رقابت، اختلافات و خودخواهی‌های برادران وزیر فتح‌خان بعد از سقوط دولت مرکزی، باعث جنگ و جدال بین آن‌ها گردید. ایشان نتوانستند دولت مرکزی و وحدت ملی افغانستان را حفظ نمایند، که جنگ‌های مکرر ایشان سرتاسر افغانستان را برای مدت بیست سال به بی‌نظمی و نابه‌سامانی کشاند و برای مردم افغانستان بیچاره‌گی و بدبختی را به ارمغان آورد و باعث انهدام دولت مرکزی و تزلزل فرهنگ و اقتصاد ملی گردید.

سردار دوست محمدخان همین که کابل را تصرف کرد، برادر خود امیر محمدخان را به حیث والی غزنی مقرر نمود، ولی بعد از ورود سردار محمدعظیم خان والی کشمیر، به کابل مخالفت بین آن‌ها آغاز و تشدید گردید، هر کدام به نوبه خود می‌خواستند که یکی از شهزاده‌های سدوزایی را به سلطنت برسانند و خود به حیث وزیر، قدرت اجرایی را در اختیار داشته باشند، چنان‌چه سردار محمدعظیم خان «ایوب شاه» و سردار دوست محمدخان «سلطان علی شاه» را به سلطنت رساندند، آن‌ها صرف به نام پادشاه بودند، صلاحیت و قدرت در نزد دو برادر بود، همزمان در شهر کابل دو پادشاه و دو وزیر در اریکه قدرت قرار داشتند.

در سال ۱۸۱۹ میلادی سردار محمدعظیم خان سلطان علی شاه را از سلطنت خلع و دوست محمدخان را از وزارت عزل نمود.

کابل به سردار محمدعظیم خان، غزنی به امیر دوست محمدخان، پشاور به سردار یارمحمدخان، کشمیر به سردار نواب عبدالجبارخان، دیره‌جات (دیره اسماعیل و دیره غازی) به نواب محمد زمان خان داده شد.

ولایات شمالی و مرکزی مانند بدخشان، تخار، بلخ، میمنه، جوزجان تحت اداره حکام محلی و ملوک الطوائفی قرار داشت، ولایت هرات توسط شاه محمود اداره می‌گردید. به این صورت افغانستان به شکل ملکیت موروثی بین برادران وزیر فتح‌خان ترکه و تقسیم گردیده بود.

دشمن خارجی افغان‌ها «سک‌های پنجاب» چون از فتوحات و سفرهای افغانستان خاطره تلخ داشتند از اوضاع ابتر افغانستان و اختلافات داخلی برادران وزیر فتح‌خان استفاده نمودند

و رنجیت سنگ نظر به قراردادی که با انگلیس‌ها امضا نموده بود، نمی‌توانست از دریای ستلج عبور نموده و به مناطق دیگر دسترسی پیدا نماید، فلذا متوجه مناطق شرقی افغانستان گردید و نخست ملتان، کشمیر و بعداً پشاور را تا اتک تصرف نمود.

سردار محمدعظیم خان و امیر دوست محمدخان جهت استرداد مناطق از دست رفته افغانستان به سند شتافتند، اما امیر دوست محمدخان دفعه‌ای به کابل عودت نمود و پس از موافقت سران قومی مخالفت خود را با سردار محمدعظیم آشکار نمود و از کابل به صوب غزنی عزیمت نمود، در حالی که مخالفت شان ادامه داشت. سردار محمدعظیم خان بدون کدام جنگ به کابل مراجعت نمود، درین موقع رنجیت سنگ چند منطقه دیگر را نیز اشغال نمود و سردار محمدعظیم خان دوباره در مقابل رنجیت سنگ قوای خود را انتقال داد، اما بدون کدام دست آوردی خواست دوباره به کابل برگردد، سردار محمدعظیم خان در طول راه مریض شده و وفات نمود در زیارت (عاشقان و عارفان) دفن گردید. سردار دوست محمدخان به مخالفت سردار حبیب الله پسر محمدعظیم خان مواجه شد.

در حالی که پیشروی سک‌ها ادامه داشت امیر دوست محمدخان مقدمه تشکیل یک حکومت را فراهم نمود. همزمان شاه‌شجاع به تحریک انگلیس‌ها برای اشغال قندهار آماده‌گی گرفت. نخست امیر دوست محمدخان به جلال آباد سفر کرد و آن شهر را فتح نمود و بعداً قوای خود را به قندهار انتقال داد و در جنگ سختی که بین قوای امیر دوست محمدخان و جنرال‌های انگلیسی و شاه‌شجاع رخ داد قوای دشمن شکست خورده و قندهار به تصرف امیر دوست محمدخان درآمد، شاه‌شجاع و همراهانش پا به فرار گذاشتند، شاه‌شجاع به کوهستانات ختک متواری گردید.

سردار دوست محمدخان موقعی که در قندهار بود، قوای او برای سرکوبی رنجیت سنگ اقدام نمود، اما سرداران قندهاری او را کمک نمودند، وی ناامید گردیده به کابل برگشت. او از اشغال دره خیبر مطلع شد، سردار محمد اکبر خان پسر خود را با قوای قلیلی به آنجا فرستاد، وزیر محمد اکبر خان صرف دفاع نموده و نخواست تعرض نماید زیرا منتظر

قوای کمکی از کابل بود. قوای جدید ورود از رنجیت سنگ تخلیه پشاور را خواستار گردید، اما رهبر سک‌ها به آن اعتنا نکرد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد علل اختلافات ذات‌البینی سدوزایی‌ها و بارکزایی‌ها و گروه دوم در مورد وضع سیاسی ولایات شمالی معلومات حاصل نموده و آن‌را در صنف ارائه بدارند.

سؤالات:



۱. وزیر فتح‌خان مربوط کدام خانواده بود؟
۲. علت تشدید رقابت‌ها بین سدوزایی‌ها و بارکزایی‌ها را چی تشکیل می‌داد؟
۳. قدرت‌های منطقه و به‌خصوص انگلیس‌ها در تجدید اختلافات میان برادران وزیر فتح‌خان چه نقشی را بازی کردند.

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان در صورت دسترسی به منابع راجع به عوامل اساسی رقابت بین سردار دوست محمدخان و سردار عظیم خان معلومات حاصل نموده و آن‌را در صنف ارائه نمایند.

انتقال قدرت و مداخلات (۱۸۱۸-۱۸۳۴ میلادی)



امیر دوست محمدخان

انتقال قدرت از سدوزایی‌ها و بارکزیی‌ها چگونه صورت گرفت؟ انگلیس‌ها چه عکس‌العمل نشان دادند عواقب آن برای مردم افغانستان و انگلیس‌ها چه بود؟ جواب این پرسش‌ها را در این درس خواهیم یافت.

سلطنت سدوزائیان با به قدرت رسیدن احمدشاه بابا در (۱۷۴۷م) شروع و با ختم سلطنت ایوب شاه سدوزایی به پایان می‌رسد. عوامل داخلی و خارجی در سقوط این سلطنت نقش داشت که به طور اجمال از آن یادآوری می‌گردد:

توطئه‌ها و مداخلات مستقیم انگلیس‌ها و ایرانی‌ها در امور داخلی افغانستان، تعدد پسران و نواسه‌های تیمورشاه که به خاطر پیروز شدن بر رقیبان خویش، خود را به دامان انگلیس‌ها و ایرانی‌ها می‌انداختند- و هم‌چنان به قتل رسیدن سرداران بارکزیایی چون سردار پاینده محمدخان و سردار وزیر فتح‌خان از جمله عوامل سقوط سدوزایی‌ها و انتقال قدرت به بارکزیایی‌ها محسوب می‌شود.

قبل از این که سردار دوست محمدخان به سلطنت برسد، برای استرداد سرزمین‌های افغانی

از سک‌ها تحت فشار عامه مردم قرار داشت بناءً چاره دیگر ندید جز این که از علمای دین و بزرگان قومی، فتوای جهاد را اخذ نماید. علما به نام برده مشوره دادند که خود را امیرالمؤمنین اعلان نماید تا صلاحیت اعلان جهاد شرعی برایش حاصل گردد. در سال ۱۸۳۵ میلادی دوست محمدخان با یک تعداد معتمدین خویش به مسجد عیدگاه رفت (در آن زمان مسجد عیدگاه نزدیک بگرامی موقعیت داشت) در این وقت میر حاجی فرزند میر واعظ عالم و مبارز مشهور کابل که در رأس علمای دینی قرار داشت، طی مراسم ساده او را به حیث امیرالمؤمنین تعیین نمود و اولین خطبه به نام او خوانده شد.

امیر دوست محمدخان حکم جهاد را صادر کرد و مردم رضایت خود را ابراز نمودند، قوای که مرکب از پنجاه هزار پیاده و ده هزار سواره متشکل بود در سال ۱۸۳۵م داخل حوزه پشاور گردیده در موضع (شیخان) آن طرف دره خیر مستقر گردید. سردار سلطان محمدخان طلایی برادر امیر رهبری ده هزار مبارز باجوری را به عهده داشت که افراد مذکور جزء همین اردو بودند. حکومت پنجاب با دیدن این سوقیات خوف زده شد و خواست از طریق مصالحه پیش آید. انگلیس ها هیئتی را به رهبری (هارلان) به دربار امیر فرستادند، هارلان وظیفه داشت تا در بین قوای افغانی تفرقه ایجاد نماید، از این رو برای سلطان محمدخان حکومت پشاور را وعده داد. سلطان محمدخان نیروی ده هزار نفری خود را از قوای افغانی جدا ساخت. امیر دوست محمدخان با مشاهده این وضع بدون درنگ عازم کابل گردید، این تصمیم امیر همه را حیران ساخت.

در فصل گذشته ذکر گردید که پلان حمله احتمالی ناپلیون بناپارت از طریق افغانستان برای انگلیس ها تشویش خلق نموده بود و روسیه نیز به فکر چنین کاری بود، فلذا انگلیس ها به خاطر جلوگیری از حمله احتمالی فرانسه و روسیه به هند از راه افغانستان، به افغانستان

دلچسپی نشان دادند. انگلیس‌ها از امیر خواستند تا برای ناپلیون اجازه ندهند، از طریق افغانستان به هند داخل گردد امیر دوست محمدخان با استرداد پشاور شرط انگلیس‌ها را پذیرفت، اما انگلیس‌ها ورود هیئت روسی را به کابل بهانه گرفته روابط خود را با امیر قطع نمودند. بر مبنای آن موافقت نامه به نام معاهده مثلث بین رنجیت سنگ، شاه‌شجاع و نماینده انگلیس مکناتن در ۱۸۳۸م در لاهور به امضاء رسید که مواد آن قرار ذیل است:

۱- شاه‌شجاع از جمیع حقوق افغانستان بر ولایت افغانی در غرب رود خانه اندوس (سیند)

مانند پشاور و دیره‌جات به نفع دولت سِک صرف نظر نماید.

۲- امیر پنجاب و عده می‌دهد که در مقابل آن با قشون خود به شاه‌شجاع کمک کند تا دوباره تاج و تخت افغانستان را صاحب گردد.

۳- دولت برتانیا به حیث دوست و خیر خواه طرفین تعهد می‌کند که با جانبین در تأمین مقاصد شان مساعدت و کمک نماید.

نظر به مواد معاهده فوق‌الذکر و اعلامیه سمله، عساکر انگلیس از دریای سند عبور کرده و به همراهی شاه‌شجاع به دره بولان نزدیک گردیدند، قندهار اشغال گردید، شاه‌شجاع رسماً منحیث پادشاه افغانستان اعلان شد. هم‌چنان شاه‌شجاع در قندهار تعهد نمود که عساکر انگلیسی می‌تواند در افغانستان به صورت دایمی بماند. قشون دیگر انگلیس به جلال آباد نزدیک شد. با وجود اوضاع خراب، امیر دوست محمدخان، سردار وزیر محمد اکبر خان و سردار غلام حیدر خان والی غزنی را امر کرد تا با تمام قوا در مقابل دشمن مقاومت نمایند، مگر آن‌ها مقاومت نتوانستند، انگلیس‌ها غزنی را اشغال نموده و به کابل نزدیک شدند. امیر دوست محمدخان به بخارا پناه برد. در چنین اوضاعی، گرچه شاه‌شجاع ظاهراً پادشاه بود، اما تمام اختیارات بدست مکناتن و انگلیس‌ها قرار داشت.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد اوضاع اجتماعی و سیاسی بین سال‌های ۱۸۱۸ و ۱۸۳۴م و گروه دوم در مورد عوامل تعرض انگلیس بر افغانستان معلومات حاصل و آن‌را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات:

۱. امیر دوست محمدخان چگونه به قدرت رسید؟
۲. خط مشی امیر دوست محمدخان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۳. به امیر دوست محمدخان چرا لقب امیرالمؤمنین داده شد؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در صورت دسترسی به منابع و مآخذ راجع به پالیسی رنجیت سنگ در قبال افغانستان معلومات حاصل و آن‌را در صنف ارائه نمایند.

شاهشجاع و قیام ملی



می‌دانید که شاهشجاع
بار دوم به حمایت کدام
نیروها در افغانستان به قدرت
رسید؟ عکس العمل مردم، قیام
ملی، تلفات انگلیس و شکست
آن‌ها در افغانستان، مطالبی
است که درین درس به آن
آشنا می‌شوید.

از همان روزی که شاهشجاع به سلطنت رسید مردم از ضعف او آگاه شدند و از بین بردن او و انگلیس‌ها را یکی از وجایب ملی و دینی خود دانستند، برای تحقق این هدف در بین مردم حس آزادی‌خواهی و روحیه جهاد علیه متجاوزین و حفظ ننگ و ناموس تقویه گردید. مردم نخست نام شاهشجاع را از خطبه حذف و از انگلیس‌ها تنفر شدید خود را ابراز نمودند. خزاین انگلیس که از قندهار انتقال داده می‌شد، در عرض راه توسط غازیان به غنیمت گرفته شد. راه کابل و قندهار مسدود گردید و در سمت مشرقی توسط یکی از منسوبین خانواده سید جمال‌الدین افغان قیام صورت گرفت. این اوضاع انگلیس‌ها را مضطرب و پریشان ساخت مخصوصاً وقتی که شنیدند روس‌ها امیر دوست محمدخان را با اسلحه کافی به کابل فرستاده و تعداد زیاد از طرفداران امیر به سوی او شتافته‌اند. در سمت قندهار و جنوبی شورش‌ها ی ضد انگلیس آغاز گردید. سراسر افغانستان را ناراضی‌های عمومی فرا

گرفت و دیگر ممکن نبود که مردم فریب شاه‌شجاع را بخورند.

امیر دوست محمدخان از بخارا خارج گردیده برای تصرف کابل آماده‌گی جنگ گرفت و از تاشقرغان به کوهستان آمد. اهالی کوهستان به رهبری میرمسجدی‌خان انگلیس‌ها را مورد حمله قرار داده بودند. مگر در اثر خیانت یک تعداد خائنین و جواسیس حملات مذکور خنثی



وزیر اکبر خان

شد. بنا بر این امیر دوست محمدخان مجبور شد به کابل آمده و خود را تسلیم انگلیس‌ها کرد. مکناتن اصرار می‌ورزید تا به‌حیث وزیر شاه‌شجاع ایفای وظیفه نماید اما امیر دوست محمدخان پیشنهاد مذکور را رد نموده و ترجیح داد تا از افغانستان خارج گردد. انگلیس‌ها او را با فامیلش به کلکته فرستادند.

با تبعید امیر دوست محمدخان انگلیس‌ها تصور نمودند که سرکردهٔ مخالفین را از بین بردند، ولی هنوز زمزمهٔ جهاد به‌خاطر اخراج انگلیس و برانداختن سلطنت شاه‌شجاع خاموش نشده بود که اتحاد مردم و قیام ملی به ثمر رسید.

این قیام ملی از کابل شروع گردید بعد از عقد معاهده سران قومی مانند نایب امین‌الله‌خان‌لوگری، عبدالله‌خان‌اچکزی و دیگر مجاهدین علم جهاد افراشته شد. مجاهدین نخست (برنس) را در منزلش به قتل رسانیدند و بعداً تمام خزاین و ذخایر اسلحهٔ انگلیس‌ها ضبط گردید. سایر اقوام مانند مردم کوهستان، لوگر و وردک با مجاهدین کابل پیوستند و قوای انگلیس متقبل تلفات زیاد گردید، یک قسمت قوای انگلیس در شیرپور محاصره شد، در همین موقع وزیر محمداکبر خان از حبس بخارا رها شده و خود را به کابل رسانید. و با آمدن او روحیهٔ مجاهدین قویتر گردید، دراین وقت مکناتن نیرنگ را به کار برده و برای تخلیهٔ کابل پیشنهاد معاهده را نمود هدف مکناتن این بود مجاهدین را تا وقتی مصروف نگهدارد

تا قوای کمکی انگلیس از هند برسد، مکناتن در مجلسی که با وزیر محمد اکبر خان داشت می‌خواست، وزیر محمد اکبر خان را از بین ببرد، وزیر محمد اکبر خان با درک حساسیت موضوع، مکناتن را هدف گلوله تفنگچه قرار داد که خودش برای وزیر موصوف اهدا کرده بود. بدین ترتیب نماینده سیاسی و وزیر مختار انگلیس (ولیم مکناتن) از بین برده شد. بعد ازین، وحشت عجیبی در بین قوای انگلیس رونما گردید، خورا که و آذوقه شان تمام شد و سپاه آن‌ها که در حدود شانزده هزار و پنجصد نفر می‌رسید به فاقه‌گی دچار گردیدند، شدت سرمای زمستان انگلیس‌ها را مجبور ساخت تا شرایط تخلیه کابل را قبول نمایند.

شرایط تخلیه کابل

شرایط تخلیه کابل شامل تخلیه تمام مناطق افغانستان، از طرف انگلیس‌ها و تسلیم نمودن اسلحه به استثنای شش عراده توپ بود که دست به اسلحه نزنند، ولی با وجود عقد معاهده مذکور باز هم انگلیس‌ها کوشش نمودند تا با قشون خود در جلال آباد رابطه برقرار نمایند، بنا بر آن در طول راه جلال آباد مورد حمله مجاهدین قرار گرفته و تلفات و خسارات شدیدی انسانی و مالی را متقبل شدند. از شانزده هزار پنجصد نفر آن‌ها فقط یک نفر به نام داکتر (برایدن) توانست نیم‌جان به پشاور برسد این واقعه در حلقات سیاسی لندن انعکاس حیرت‌انگیزی نمود (لارد اکلند) وایسرای هندوستان تبدیل و عوض او (لارد لیتن برون) تعیین گردید.

انگلیس‌ها برای جبران شکست و اعاده حیثیت خود دو دسته قشون خویش را به جانب افغانستان سوق کردند. بیست هزار عسکر تحت قیادت جنرال (پالک) به طرف افغانستان حرکت کرد و انگلیس‌ها با شاه‌شجاع روابط خود را برقرار نمودند. چون شاه‌شجاع خود را در بین مجاهدین محصور می‌دید. مجبوراً علیه انگلیس‌ها امر جهاد صادر نمود ولی اطلاعات روزمره داخل افغانستان را در اختیار انگلیس‌ها قرار می‌داد. قبل از رسیدن جنرال

(پالک) مردم شاه‌شجاع را به قتل رساندند و فتح جنگ (پسر شاه‌شجاع) به امارت رسید و او هم با مخالفت برادران امیر دوست محمدخان روبه‌رو شده، نزد انگلیس‌ها پناه برد. بعد از فتح جنگ برادرش شهزاده شاهپور به سلطنت رسید.

دسته دومی قوای انگلیس تحت قیادت جنرال نات به قندهار رسید و همزمان امیر دوست محمدخان از کلکته هندوستان داخل کابل گردیده و زمام امور را بدست گرفت. انگلیس‌ها دولت امیر دوست محمدخان را فوری به رسمیت شناختند و معاهده سه جانبه (مثلث) که بین انگلیس‌ها، شاه‌شجاع و رنجیت سنگ عقد گردیده بود خود بخود لغو گردید. با وجود آن‌هم انگلیس‌ها در امور افغانستان تشبث نموده، وحدت سیاسی افغانستان یعنی الحاق پشاور، قندهار و هرات با کابل را مغایر سیاست استعماری خود می‌دانستند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به عوامل تعرض اول انگلیس بر افغانستان و گروه دوم راجع به معاهده لاهور معلومات حاصل و آن‌را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات:

۱. بعد از شکست از جمله شانزده پنصد نفر اردوی انگلیس چند نفر آن‌ها توانستند به پشاور زنده برسند؟
۲. تعرض اول انگلیس بر افغانستان در کدام سال صورت گرفت؟
۳. بعضی از سران مبارزین ملی جنگ اول افغان و انگلیس را نام ببرید؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به پیامدهای تعرض اول انگلیس بر افغانستان معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند؟

پادشاهی دوم امیر دوست محمدخان

امیر دوست محمدخان بار دوم چگونه به کشور برگشت، دست به کدام اقدامات زد و چگونه معاهدات را با انگلیس‌ها عقد نمود؟ در متن این درس پاسخ سوالات بالا را خواهیم یافت.

امیر دوست محمدخان در سال ۱۸۴۲م برای دفعه دوم به سلطنت رسید. نخست به اصلاح اوضاع داخلی پرداخت زیرا در اثر موجودیت ملوک‌الطوایفی اوضاع متلاشی گردیده بود. امیر دوست محمدخان برای استحکام وحدت سیاسی و ثبات دولت مرکزی کوشش زیاد نمود و بعضی مناطقی را که از دولت مرکزی جدا گردیده بود مانند بامیان، مزارشریف و هم هزاره‌جات با دولت مرکزی الحاق نمود.

بغاوت‌های مردم تگاب، نجراب و خوگیانی فروکش کرد. وزیر محمد اکبرخان فرزند امیر دوست محمدخان به حیث مرد وطن دوست و فداکار، در راه تأمین وحدت ملی افغانستان متقبل زحمات زیاد گردید تا این که به عمر بیست و نه ساله گی بر اثر تابلیت‌های زهرآلود یک طبیب هندی شهید و در روضه منسوب حضرت علی (رض) در مزار شریف به خاک سپرده شد. امیر دوست محمدخان برای استرداد پشاور، مساعی زیاد به خرج داد. اما به جایی

نرسید، او آرزو نداشت روابط خود را با انگلیس‌ها خراب بسازد، اما در داخل تمام مناطق را تحت اداره حکومت مرکزی در آورد. گرچه در سرحدات احمدشاه کبیر تغییرات رونما گردیده بود ولی حکومت مرکزی بعد از یک دوره ضعف دوباره قوی و مستحکم گردید. امیر دوست محمدخان در دور دوم سلطنت خود معاهدات را عقد کرد که ذیلاً از آن تذکر به عمل می‌آید.

معاهدات جمروود

انگلیس‌ها از عقد معاهدات جمروود دو امتیاز را از امیر دوست محمدخان مطالبه می‌نمودند: اولی به رسمیت شناختن مناطقی که قبلاً تحت حکمروایی سک‌ها بود که بعداً مناطق مذکور توسط انگلیس‌ها تصرف گردید. دوم این که روس‌ها به کمک ایرانیان می‌خواستند بر ولایت هرات تسلط داشته باشند، انگلیس‌ها به خاطر پیشروی روس‌ها منافع خود را به خطر می‌دیدند خواهان دفع آن خطر بودند.

- **معاهده اول:** نظر به هدایت لارده‌لزی گورنر جنرال هند، سرجان لارنس والی پنجاب موظف به عقد این معاهده گردید شخص امیر دوست محمدخان در مذاکرات مذکور اشتراک ننمود و به عوض خویش ولیعهد خود سردار غلام حیدرخان را در سال ۱۸۵۵ م به جمروود که در نزدیکی پشاور موقعیت دارد فرستاد. بعد از مذاکرات مختصر معاهده سه فقره‌یی به تاریخ ۳۰ مارچ ۱۸۵۵ م بین جانبین عقد گردید.

۱- فی‌مابین کمپنی هند شرقی و امیر دوست محمدخان حاکم کابل آن سرزمین که در کنترل امیر و ورثه او باشد صلح و دوستی دایمی خواهد بود.

۲- کمپنی هند شرقی تعهد می‌کند تا احترام قلمرو امیر را که در حال حاضر در تصرف دارد رعایت بکند.

۳- امیر دوست محمدخان حاکم کابل، و مناطق دیگر افغانستان که در تصرف او می‌باشد از طرف خود و باز مانده‌گان و متعلقین خود تعهد می‌نماید، مناطق هند شرقی را احترام نموده و هرگز در آن مداخله نکند. با دوستان کمپنی هند شرقی دوست باشد و

بادشمنان آن دشمن.

معاهده دوم: زمانی که انگلیس‌ها از تجزیه ولایت هرات صرف نظر نمودند، در صدد مذاکرات با امیر دوست محمدخان گردیدند، امیر مذاکرات را در هند قبول ننمود و مذاکرات مذکور در جمروود بین امیر و سر جان لارنس صورت گرفت، منتج به معاهده شد که توسط محمد اعظم خان امضا گردید. معاهده مذکور حاوی مطالب ذیل است.

۱ - حکومت ایران خلاف تعهدات خود هرات را اشغال نمود و جنگ انگلیس‌ها بر علیه ایرانیان دوام خواهد داشت. برای این که امیر بتواند از ولایات دیگر دفاع کند، تاختم جنگ ایران و انگلیس، انگلیس‌ها ماهانه مبلغ صد هزار روپیه (ده هزار پوند) به امیر خواهند پرداخت.

۲- انگلیس امیر دوست محمدخان را بر علاوه اردوی کنونی با یک سپاه منظم سیزده هزار نفری سواره و یک سپاه پیاده هجده هزار نفری تجهیز خواهد نمود.

۳- اخذ پول معینه و حمل آن به افغانستان در اختیار امیر دوست محمدخان است.

۴- نماینده گان انگلیسی در ولایات ثلاثه افغانستان (کابل، قندهار و بلخ) غرض نظارت بر مصرف و تهیه، گزارش جنگی مقیم خواهد شد. این‌ها در امور داخلی حق مداخله را ندارند و امنیت و حفاظت‌شان به عهده امیر دوست محمدخان است.

۵- یک نفر نماینده کابل در پشاور مقیم خواهد شد.

۶- بعد از ختم جنگ با ایران، پول ذکر شده در ماده اول قطع خواهد شد.

۷- بعد از قطع پول افسران انگلیسی افغانستان را ترک خواهند نمود، اما اگر مقتضی باشد یک نفر نماینده مسلمان در کابل مقیم خواهد شد.

۸- امیر افسران انگلیسی را در خروج و دخول افغانستان با محافظین کافی حفاظت خواهد نمود.

۹- آغاز پرداخت پول از ماه جنوری خواهد بود.

۱۰- سه صد هزار روپیه پرداختی در قندهار و دوصد هزار روپیه در کابل مربوط به این

قرار داد نبوده، بلکه پیشکش کمپنی هند شرقی است. ششصد هزار روپیه پرداخته شده دیگر در کابل برای مقصد جداگانه و مربوط به قرار داد دیگر است.

۱۱- این عهدنامه ناقض عهد نامه قبلی نخواهد بود. امیر دوست محمدخان در حالت صلح و جنگ پیشنهاد ایران و متفقین ایران را به اطلاع انگلیس ها خواهد رسانید.

۱۲- بر علاوه چهار هزار تفنگ داده شده به تعداد چهار هزار تفنگ دیگر نیز از طرف حکومت انگلیس در منطقه (تل) به مامورین امیر دوست محمدخان داده خواهد شد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به نقش شخصیت ملی و مبارز وزیرمحمد اکبرخان در استحکام نظام امیر دوست محمدخان، و گروه دوم در مورد سیاست داخلی امیر دوست محمدخان در دور دوم سلطنت وی باهم مباحثه نمایند.

سؤالات:



- ۱- مفاد معاهده اول جمروود را تذکر دهید.
- ۲- معاهده دوم جمروود بین کدام شخصیت ها عقد شد؟ سه ماده از مفاد این معاهده را تذکر دهید.
- ۳- علت عقد معاهدات جمروود را توضیح نمایید.

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان از شخصیت های فرهنگی و وبزرگان راجع به خدمات امیر دوست محمدخان معلومات حاصل نموده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

سلطنت اول امیر شیرعلی خان (۱۸۶۳-۱۸۶۶ میلادی)



امیر شیرعلی خان

امیر شیرعلی خان چگونه به قدرت رسید، با کدام مخالفت‌ها روبه‌رو شد، و چرا اداره او سقوط نمود با مطالب و مفاهیم فوق درین درس آشنا می‌شوید.

مردم افغانستان در دوره تسلط برادران وزیر فتح‌خان تقریباً نیم قرن در زد و خورد و بی‌نظمی‌ها به‌سر بردند زیرا سیاست استعماری انگلیس درین بی‌نظمی‌ها دخیل بود. قبل از سلطنت امیر شیرعلی خان یک‌تعداد معاهدات بالای امیر دوست محمدخان تحمیل گردید که نظر به معاهدات مذکور راه‌های ترانزیت و مواصلات به روی مردم افغانستان مسدود گردید و افغانستان، در محاصره اقتصادی و سیاسی قرار گرفت.

امیر شیرعلی خان در زنده‌گی پدر ولیعهد تعیین گردیده بود، او بعد از مرگ پدر در (۱۲ جون ۱۸۶۳م) در ولایت هرات به عمر ۴۱ ساله گی سلطنت خود را اعلان نمود. برادران او ظاهراً به او بیعت نمودند، اما در باطن در صدد مخالفت برآمدند.

امیر شیرعلی خان شهزاده محمد یعقوب را برای تنظیم امور ولایت هرات گذاشته و خودش با محمد اعظم خان رهسپار کابل گردید، اما در قسمت سبزواری محمد اعظم خان از امیر جدا

شده و از طریق مناطق مرکزی نزد سردار محمد حسین خان برادر سکه اش که حاکم هزاره جات بود رفت و خواست به کمک مردم هزاره به کابل حمله نماید، اما مردم هزاره جات طرفداری خود را از امیر شیر علی خان اعلان نمودند. بعداً محمد اعظم خان از برادران دیگر خود کمک خواست و ترتیبات یک حمله را گرفت، اما در مقابل قوای امیر شیر علی خان تاب مقاومت نیاورده به دولت انگلیس پناه برد. در جنگ دیگری محمد افضل خان و عبدالرحمن خان در منطقه باجگاه در دره هندوکش در مقابل قوای امیر شیر علی خان شکست خوردند سردار محمد افضل خان تسلیم و سردار عبدالرحمن خان به بخارا فرار نمود.

امیر در سال ۱۸۶۵م برای تصفیة قندهار با یک تعداد قوای زیاد حرکت نمود و با سردار محمد امین خان به مقابله پرداخت و در جنگی که بین طرفین رخ داد، سردار محمد علی خان پسر امیر و محمد امین خان برادر امیر با هشت هزار عسکر به قتل رسیدند. این واقعه امیر را متأثر ساخته و بالای روان او تأثیر منفی به جا گذاشت. کنترل اعصاب خود را از دست داده و در قندهار انزوا اختیار نمود، بالاخره این انزوا زمینه سقوط سلطنت او را فراهم ساخت.

سلطنت امیر محمد افضل خان (۱۸۶۶-۱۸۶۷ میلادی)



امیر محمد افضل خان

انزوای امیر شیر علی باعث شد تا سردار محمد اعظم خان و سردار عبدالرحمن خان کابل را تصرف نمایند و بعد از تصرف کابل سردار محمد افضل خان به سلطنت رسید و به مجردیکه انگلیس‌ها در هند از پادشاهی امیر محمد افضل خان اطلاع یافتند فوراً سلطنت او را برسمیت شناخته به تعقیب آن انگلیس‌ها نماینده سیاسی خود را به کابل فرستادند.

در حالی که پادشاه رسمی افغانستان هنوز حضور داشت و مردم از او جانبداری می نمودند، قوای

امیر شیرعلی خان در برخورد با قوای محمد اعظم خان و عبدالرحمن خان شکست خورد و امیر شیرعلی خان در هرات نزد پسر خود سردار محمد یعقوب خان اقامت گزید. بعد از این واقعه فیض محمد خان حاکم اسبق آقچه به امیر شیرعلی خان پیام فرستاد و پیشنهاد کمک نمود. امیر شیرعلی خان از طریق میمنه و مزار شریف به او پیوست. در سال ۱۸۶۷م عبدالرحمن خان جلو قوای امیر شیرعلی خان را در بازارک پنجشیر گرفت و سردار فیض محمد خان در جنگ کشته شد و امیر شیرعلی خان دوباره به هرات بازگشت. درین موقع امیر محمد افضل خان نسبت مریضی که عاید حالش گردید، فوت نمود و جسد او در قلعه حشمت خان در نزدیکی شهدای صالحین دفن گردید. دوره سلطنت او خیلی کوتاه بوده، کدام کار مهم و قابل تذکر در زمان او صورت نگرفت.

سلطنت امیر محمد اعظم خان (۱۸۶۷-۱۸۶۸ میلادی)



محمد اعظم خان

بعد از وفات امیر محمد افضل خان، سردار محمد اعظم خان به موافقه سردار عبدالرحمن خان به سلطنت رسید. امیر محمد اعظم خان شخص متجدد بود می خواست یک سلسله اصلاحات را در افغانستان روی کار آورد ولی موقع آن برایش میسر نگردید. امیر شیرعلی خان از هرات به قندهار رسید و مردم قندهار که از ظلم پسران محمد اعظم به ستوه آمده بودند، امیر شیرعلی خان را در قندهار استقبال نمودند، درین موقع عبدالرحمن خان جهت مطیع ساختن ولایات شمالی مصروف بود. امیر شیرعلی خان

به قصد گرفتن کابل حرکت کرد قبل از این که به کابل برسد، مردم کابل علیه محمد اعظم احتجاج و از امیر شیرعلی جانب داری نمودند. امیر محمد اعظم خان با مشاهده اوضاع که

به نفع امیر شیرعلی خان بود، روحیه اش ضعیف گردیده و نزد سردار عبدالرحمن خان به تخار فرار نمود. در سال ۱۸۶۸م امیر محمداعظم خان و عبدالرحمن خان قوای ترتیب نموده در مقام شش گاو غزنی با قوای امیر شیرعلی خان روبه رو گردیدند، اما شکست خوردند و هردوی آنها فرار کردند، انگلیس ها ایشان را جهت رهایش به هندوستان دعوت نمودند، اما آنها به قصد تهران از طریق سیستان روان گردیدند ولی امیر محمداعظم خان در طول راه مریض گردیده وفات نمود و در بسطام دفن شد و عبدالرحمن خان به بخارا پناهنده گردید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به شخصیت امیر شیرعلی خان و گروه دوم در مورد اختلافات خانواده گی امیر معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

سؤالات:



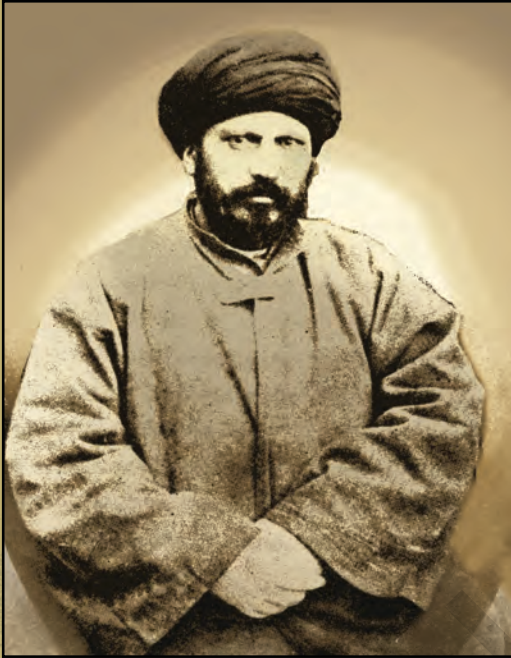
۱. امیر شیرعلی خان چگونه به قدرت رسید؟
۲. مشکلات داخلی امیر شیرعلی خان را در دور اول سلطنت آن فهرست نمایید.
۳. محمدافضل خان چگونه به قدرت رسید؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان راجع به عوامل شکست امیر شیرعلی خان در دور اول سلطنت او مطالبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

اصلاحات و ریفورم (۱۸۶۸-۱۸۷۹ میلادی)



سید جمال الدین افغان

عرصه‌های اصلاحات، نتایج اصلاحات و عوامل تعرض دوم انگلیس بر افغانستان مطالبی است که در متن ذیل راجع به آن معلومات ارائه گردیده است.

امیر شیرعلی خان در اواخر سال (۱۸۶۸ میلادی) بعد از شکست سردار محمد اعظم خان و سردار عبدالرحمن خان در شش گاو غزنی، مجدداً وارد کابل گردید و برای مرتبه دوم به سلطنت رسید. وی نخست امنیت دولت مرکزی را تأمین نمود.

امیر شیرعلی شخص روشنفکر و متجدد بود، موصوف بنیانگذار تمدن جدید در افغانستان می‌باشد. معرفی تمدن جدید در افغانستان همزمان با انقلاب صنعتی اروپا آغاز می‌گردد. امیر شیرعلی خان با استفاده از رهنمایی‌های فیلسوف و دانشمند معروف افغانستان سید جمال الدین افغان اصلاحات را روی کار آورد.

امیر شیرعلی خان روابط سیاسی خود را با روسیه و ایران بر اساس دوستی بنا نمود و عطا محمد خان سدوزایی را جهت به رسمیت شناختن افغانستان به هند برتانوی فرستاد، بعداً خودش از هند باز دید به عمل آورد، تکنالوجی و تمدن در هند برتانوی او را تشویق نمود

تا به اصلاحات آتی دست بزنند.

الف- بخش اداری: حکومت یا قوهٔ اجراییه تشکیل گردید که در رأس سید نور محمدشاه فوشنجی به حیث صدراعظم، سپهسالار حسین علی وزیر دفاع، ارسلان خان وزیر خارجه، عصمت الله خان وزیر داخله، حبیب الله وردک وزیر مالیه و محمدحسین خان به حیث وزیر خزاین تعیین گردیدند و کابینه تحت ریاست صدراعظم دایر می شد و روی امور دولتی بحث و تصمیم اتخاذ می گردید.

ب- بخش نظامی: امیرشیرعلی خان به منظور حفظ استقلال و تمامیت ارضی یک اردوی منظم یکصد هزار نفری تشکیل نمود افراد اردوی مذکور بعد از تعلیمات نظامی با سلاح همان عصر مجهز بوده و یونیفورم به تن می نمودند. اردو در هشت مرکز نظامی جابه جا گردیده بود. و در بخش نظامی صنایع اسلحه سازی رشد نموده، توپ، تفنگ، کرچ و باروت تولید می گردید هم چنان اصلاحات نظامی و قوماندها به زبان پشتو ساخته و در نظام عسکری رایج شدند.

ج- بخش اقتصادی: در بخش زراعت و مالداری توجه زیاد صورت گرفت قبلاً مالیات خیلی سنگین بود که دهاقین و مالکین توان پرداخت آن را نداشتند و مجبور بودند در سه ماه اول سال، آن را طور پیشکی قبل از گرفتن حاصلات پرداخت نمایند. اصلاحات به میان آمد. صنعتگران و پیشه‌وران توسط دولت تشویق می شدند تا کیفیت و کمیت تولیدات ارتقا نمایند.

د- بخش فرهنگ: تعلیم و تربیهٔ عنعنوی که قبلاً در مساجد و منازل صورت می گرفت با تأسیس مکاتب به تعلیم و تربیهٔ عصری مبدل گردید. مکاتب نظامی و ملکی اعمار شد و یک مطبعه در بالاحصار تأسیس گردید.

برای نخستین بار جریدهٔ (شمس النهار) در ۱۶ صفحه، در ماه دو مرتبه نشر می گردید و یک تعداد رسانه‌های معلوماتی و اصول‌نامه‌ها نیز به چاپ می رسید، تکت پوستی به چاپ

آغاز نمود و جهت خدمات پستی در هرجاه پوسته خانه‌ها ایجاد گردید.

اصلاحات زمان امیر شیرعلی خان بر قدرت اقتصادی و استحکام امور دولتی تأثیر زیاد به جا گذاشت و در زنده گی مردم تحولات قابل ملاحظه رونما شد.

در گذشته تذکر یافت که امیر شیرعلی خان نماینده گان دایمی انگلیس را در ولایات نظر به دلایلی قبول ننمود و در روابط سیاسی خویش با انگلیس محتاط بود ولی دوستی افغانستان و روسیه برای انگلیس بهانه خوب بود تا به افغانستان تجاوز نماید. گذشته از آن تعیین شهزاده عبدالله جان به حیث ولیعهد، شهزاده محمد یعقوب خان را وادار ساخت تا در مقابل پدر بغاوت نماید زیرا وی در استحکام سلطنت امیر شیرعلی خان رول مهم داشت. موضوع مهم دیگر این که قضاوت انگلیس‌ها در موضوع سیستان (تقسیم آب هلمند) و تعیین سرحدات شمالی افغانستان مورد قبول امیر نبود، فلذا روابط امیر با انگلیس‌ها تیره گردید. باوجود کشیده گی‌های فوق انگلیس‌ها خواستند با امیر مذاکره نمایند اما موصوف نماینده انگلیس را نه پذیرفت، مگر در اواخر سلطنت خویش، امیر حاضر گردید تا با انگلیس‌ها باب مذاکره را باز نماید، لیکن فوت و عزاداری ولیعهد عبدالله جان مذاکرات را به تعویق انداخت، انگلیس‌ها تعلل در مذاکرات را ناشی از نزدیکی دوستی امیر با روس‌ها تصور نمودند در همین موقع روس‌ها (خیوه و مروه) را تصرف نمودند. هم‌چنان انگلیس‌ها به بلوچستان حمله برده آنرا اشغال کردند. امیر شیرعلی خان مجبور گردید به مزارشریف سفر نماید، تا از روس‌ها کمک بگیرد مگر در آن‌جا مریض شده به عمر پنجاه و هشت ساله گی وفات و در همان‌جا دفن گردید.

تجاوز دوم انگلیس بر افغانستان

(نوامبر ۱۸۷۸ تا آگست ۱۸۸۰ میلادی)

مذاکرات طولانی انگلیس با نماینده افغانستان سید نور محمد شاه (صدر اعظم) در هند به کدام نتیجه نرسید، زیرا انگلیس‌ها بر اقامت دایمی نماینده‌های خویش در افغانستان،

اصرار می‌ورزیدند که قبلاً توسط امیر شیرعلی خان رد گردیده بود و صدراعظم افغانستان پیشنهاد مذکور را نیز نه‌پذیرفت. بعد از آن قوای انگلیس بالای جلال آباد و قندهار حمله و آن را تصرف نمود و امیر ناچار به مزار شریف سفر نمود تا از روس‌ها استمداد جوید و سردار محمد یعقوب خان که نسبت بغاوت علیه پدر در زندان به‌سر می‌برد از سوی امیر فرمان‌رهایی او صادر شد تا از امور کشور واریسی نماید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به شخصیت فرهنگی امیر شیرعلی خان و گروه دوم در مورد نقش محمد یعقوب خان در اعاده سلطنت امیر شیرعلی خان معلومات حاصل و آن‌را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات:



۱. برنامه اصلاحی سید جمال الدین افغان که پیشکش امیر شیرعلی خان گردید حاوی کدام مطالب بود؟
۲. جریده شمس النهار چه وقت به فعالیت آغاز نمود؟
۳. نشانه از تمدن جدید را که در زمان امیر شیرعلی خان به افغانستان راه یافت ذکر نمایید.

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان راجع به عوامل تعرض دوم انگلیس بر افغانستان مطالبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

سلطنت امیر محمد یعقوب خان (از ماه مارچ تا اکتوبر ۱۸۷۹م)



امیر محمد یعقوب خان

یعقوب خان چگونه به قدرت رسید، معاهده گندمک کدام پیامدهای ناگوار را در قبال داشت؟ درین مبحث راجع به مطالب مذکور توضیحات داده شده است.

شهزاده محمد یعقوب خان در زمان پادشاهی پدر، مرد نیک نام بود و در اعاده سلطنت دوم پدر و استرداد قندهار رول مهم داشت، مردم افغانستان از زندانی شدن او متأثر شده و از تعیین شهزاده عبدالله جان به حیث ولیعهد خوش نبودند، زیرا شهزاده یعقوب خان را دوست داشتند. سردار محمد یعقوب خان بعد از رهایی زندان به مریضی روحی و عصبی مبتلا گردیده بود.

انگلیس ها برای اشغال افغانستان عملاً دست به کار شده بودند و مردم به یک رهبر ویا پادشاه نیاز داشتند تا به دور او جمع شده، جلو حملات انگلیس را بگیرند. بناءً امیر محمد یعقوب خان در ماه مارچ ۱۸۷۹ به سلطنت رسید. از همان ابتدای سلطنت وزیران نامدارش چون حبیب الله خان صدراعظم، مرزا محمد خان وزیر خارجه و داوود شاه خان

سپهسالار توسط یک عده اجیران انگلیس تحت نظارت قرار داشتند.

ولی محمد (لاتی) در کابل علیه امیر فعالیت می نمود و می خواست افغانستان را به انگلیس تسلیم نموده و به حمایه انگلیس به سلطنت برسد و سردار شیرعلی حاکم قندهار و سردار محمدحسین حاکم جلال آباد برای این که در قدرت باقی بمانند با انگلیس ها همکاری داشتند.

انگلیس ها از جنگیدن با افغان ها هراس داشته، می خواستند با امیر باب مذاکرات را باز نمایند، لذا سردار یحی خان خسر امیر که در وقت حبس امیر به کشمیر فرار نموده بود با منشی بختیار هندی غرض مذاکره به کابل آمدند. انگلیس ها به دو مطلب علاقه مند بودند، یکی در اختیار داشتن راه های سه گانه (کرم، بولان و خیبر) دیگر این که سیاست خارجی افغانستان را تحت نفوذ خویش داشته باشند.

منشی بختیار هندی نماینده انگلیس و یک تعداد سرداران نزدیک امیر، امیر را وادار ساختند تا جهت امضای قرارداد با انگلیس ها به گندمک سفر نماید.

در سال ۱۸۷۹ میلادی معاهده ننگین (گندمک) با (لیو کیوناری) نماینده انگلیس و امیر محمد یعقوب خان عقد و امضا گردید که به موجب این معاهده (کرم، لندی کوتل تا دره خیبر، سیالکوت و بعضی نقاط دیگر جزء هند برتانوی شد و بدین اساس نماینده گان انگلیس در شهرهای عمده افغانستان مستقر گردیدند و کیوناری با سپاه محافظ خود داخل بالا حصار کابل شد.

مردم کابل یک بار دیگر دست اجانب را در امور کشور مشاهده نمودند. قیام و ایستاده گی علیه تجاوز انگلیس را فریضه دینی و ملی خود دانسته و به صورت دسته جمعی به منزل کیوناری حمله بردند و او را به قتل رساندند. بار ثانی پلان و نقشه استعماری (سیاست

پیشروی (Forward Policy) انگلیس در افغانستان به ناکامی انجامید.



محمد جان خان وردک

رهبران مبارزین و مجاهدین چون محمد جان خان وردک، ملادین محمد مشک عالم، صاحب جان تره کی، سردار محمد ایوب خان و محمد عثمان خان صافی در مناطق مختلف کشور علیه انگلیس ها به حملات دست زدند، یکی از مشهورترین این جنگ ها، جنگ میوند در قندهار می باشد که با رشادت سردار محمد ایوب خان غازی، پسر امیر شیر علی خان به

تاریخ ۲۷ جولای ۱۸۷۹ میلادی صورت گرفت. انگلیس ها در میدان میوند شکست سخت خوردند و تلفات سنگین را متحمل گردیدند که در تاریخ مایه افتخار افغان ها و موجب شرمساری انگلیس ها گردیده است. قابل تذکر است که در طول تاریخ افغانستان دختران و زنان افغان در امور اجتماعی دوش بدوش مردان



فاتح میوند غازی سردار محمد ایوب خان

سهم گرفته اند، چنانچه حماسه مشهور ملالی دختر جوانی که در جنگ میوند اشتراک نموده بود و موقعی که علم بردار در میدان نبرد به شهادت رسید، علم ملی را بدست گرفته، نگذاشت که روحیه غازیان ضعیف گردد و این دو بیتی را به صدای بلند در میدان جنگ سرود که باعث تقویه روحیه غازیان گردید و جنگ شدت گرفت و مجاهدین پیروز شدند.

خال به دیار له وینو کښېږدم چې شنکي باغ کې گل گلاب وشرموینه

که په میوند کې شهید نه شوې خداپرو لالیه بې ننگۍ ته دې ساتینه

مردم کابل قوای انگلیس را در قرارگاه شیرپور محاصره نمودند تا این که سردار عبدالرحمن خان از بخارا به چاریکار رسید، انگلیس ها در حالت دشوار قرار داشتند. سردار عبدالرحمن خان اعلان سلطنت نمود انگلیس ها ناچار سلطنت امیر عبدالرحمن خان را به رسمیت شناختند و جنرال انگلیس (رابرتس) کابل را برای امیر عبدالرحمن خان تخلیه نمود و برای بار دیگر دولت مرکزی مقتدر در افغانستان تشکیل گردید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد چگونه گی به قدرت رسیدن امیر شیرعلی و گروه دوم در باره تعرض دوم انگلیس بر افغانستان باهم مباحثه نمایند.

سؤالات:

۱. امیر شیرعلی خان بار دوم چگونه به قدرت رسید؟
۲. ریفورم و اصلاحات عمده امیر شیرعلی خان را در بار دوم سلطنت وی تذکر دهید.
۳. برای نخستین بار کدام جریده چه وقت به نشر رسید؟
۴. سردار محمد یعقوب خان کدام معاهده را با انگلیس ها عقد نمود؟
۵. رهبران مبارزین ملی در جنگ دوم انگلیس و افغان کی ها بودند نام بگیرید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از بزرگان، اولیا، شخصیت های فرهنگی و منابع دست داشته راجع به مواد معاهده گندمک معلومات حاصل و آن را در صنف ارائه نمایند.

تحکیم قدرت مرکزی (۱۸۸۰-۱۹۰۱م)



امیر عبدالرحمن خان

رویکار آمدن سردار عبدالرحمن خان، از بین بردن ملوک الطوائفی، مشرف شدن مردم نورستان به دین اسلام، اشغال پنجده، قیام میوند، تلفات و خروج انگلیس‌ها بار دوم از افغانستان مطالبی است که درین درس به آن‌ها آشنا می‌شوید.

سردار عبدالرحمن خان فرزند امیر محمد افضل خان و نواسه امیر دوست محمد خان بود، نام‌برده در سال (۱۸۳۰ میلادی) تولد و به عمر پنجاه ساله گی در سال (۱۸۸۰ میلادی) به سلطنت رسید.

سردار عبدالرحمن خان در سال (۱۸۶۸م) در محل شش‌گاو بین کابل و غزنی توسط قوای امیر شیرعلی خان شکست خورده و به بخارا پناهنده گردید. در سال ۱۸۷۹م موقعی که انگلیس‌ها مرتبه دوم به افغانستان تجاوز کردند. سردار عبدالرحمن خان از تجاوز انگلیس‌ها اطلاع یافت و داخل افغانستان گردید، در قطن و بدخشان با مردم مذاکره نموده و مردم را به جهاد علیه انگلیس‌ها تحریک و تشویق نمود قوت‌های مردمی را تشکیل داد و وارد چاریکار شد. در آن‌جا اعلان سلطنت نمود. انگلیس‌ها چون از لیاقت حربی و سیاست امیر عبدالرحمن خان آگاهی داشتند، موقعی که امیر عبدالرحمن خان به قدرت رسید برای ایشان تشویش و هراس پیدا

شد، لذا بودن خود را در افغانستان ممکن نمی‌دانستند و شکست ایشان در افغانستان، مخصوصاً در میوند، مورال آن‌ها را ضعیف ساخته بود. در همین موقع قوای جنرال رابرتس در قرارگاه شیرپور در محاصره قرار داشت. برای این که واقعه جنگ اول برای آن‌ها تکرار نشود کوشش می‌نمودند تا قبل از فرا رسیدن زمستان قوای خود را از افغانستان خارج نمایند، بنا برین حکومت امیر عبدالرحمن خان را به رسمیت شناختند و کابل را به امیر تسلیم نموده به اخراج قوای خویش از افغانستان آغاز کردند.

موقعی که امیر عبدالرحمن خان در (۱۸۸۰م) زمام امور را بدست گرفت، با شرایط بسیار دشوار روبه‌رو بود زیرا به اثر تجاوز انگلیس مردم افغانستان صدمات زیاد را متحمل گردیده بودند به‌طور مثال در افغانستان دستگاه نظم اداری و حکومت مرکزی فرو ریخته و تشکیلات نظامی و ملکی به کلی از بین رفته بود. در شهرهای عمده افغانستان مراکز صنعت و پیشه‌وری، زراعت و مالداری و سیستم آبیاری به کلی از بین رفته و صدمه دیده بود، فرهنگ و اقتصاد ملی نابوده شده و در سراسر افغانستان سیستم ملوک‌الطوایفی استقرار پیدا کرده بود، مالیات سنگین و کمرشکن ذریعه ملاکین و خوانین بالای مردم وضع شده بود که مردم توان پرداخت آن‌را نداشتند.

امیر عبدالرحمن خان برای این که بر همه مشکلات فایق آید دو پروگرام را روی دست داشت یکی تشکیل دولت مرکزی سراسری و دیگر اصلاحات در بخش امور نظامی و اداری. امیر عبدالرحمن خان در تطبیق اصلاحات خود آن قدر جدی بود که هر نوع مانع را برای تطبیق اصلاحات خویش از سر راه بر می‌داشت.

امیر عبدالرحمن خان برای ساختن تشکیل دولت جدید خود، تشکیلات کابینه عهد امیر شیرعلی خان را نپذیرفت، زیرا بالای هیچ کس اعتماد نداشت. دوایر مستقلى در دولت تشکیل نمود و خودش در رأس صدارت، وزارت دفاع، وزارت داخله، وزارت خارجه و سایر وزارت خانه‌های دیگر قرار داشت. مامورین دولتی در اجرای وظایف خود مسئولیت‌های سنگین داشتند تا وظایف خود را به درستی انجام بدهند در غیر آن مورد بازخواست جدی قرار

می گرفتند.

امیر عبدالرحمن خان در سال ۱۸۸۵-۱۸۸۶م در بخش نظامی، اصلاحات را روی دست گرفت و تعداد اردو را تا نود و شش هزار نفر ارتقا داد که شامل سپاه پیاده و سواره می گردید و در پهلوی اردو سپاه دیگری از پسران خوانین تشکیل نمود که به نام گارد شاهی یا (بای بچه ها) یاد می شد، بر اساس امر امیر عبدالرحمن خان جهت تحکیم نظام یک تعداد دفاتر از قبیل دفاتر مالی، پوسته، رهداری (پاسپورت) کوتوالی (امنیه و پولیس)، محصول مالیات، معاش، صکوک و ده ها دفتر و اداره فرعی دیگر ایجاد شد. بر علاوه فعالیت های ذکر شده حوادث مهم دوران امیر عبدالرحمن خان را در سه بخش زیر می توان خلاصه نمود:

خاموش کردن شورش های داخلی

در درس قبلی ذکر گردید موقعی که امیر عبدالرحمن خان به سلطنت رسید افغانستان مورد تجاوز انگلیس قرار داشت و حکومت مرکزی موجود نبود و در اکثر مناطق افغانستان سیستم ملوک الطوائفی روی کار آمده بود زیرا مردم در شرایطی زنده گی می نمودند که قانون و عدالت در جامعه وجود نداشت و مردم با مشکلات زیادی مواجه بودند. یکی از اهداف عمده امیر عبدالرحمن خان تحکیم و احیای حکومت مرکزی بود تا دولت قانونی را تشکیل و حکومت های ملوک الطوائفی را از بین ببرد زیرا ادامه چنین وضع عواقب خطرناک با خود داشت حتی امکان تجزیه افغانستان می رفت ازینرو امیر عبدالرحمن خان برای از بین بردن ملوک الطوائفی و خطر تجزیه اقدام جدی نمود. چون حکمرایان محلی منافع خود را در خطر می دیدند، حکومت نو تأسیس در سراسر افغانستان با یک تعداد شورش ها و مخالفت ها روبه رو گردید مانند قیام مردم بلخ، هزاره جات، منگل در پکتیا، بلوچ ها در چخانسور، قوم کروخیل، پنجشیر، نجراب، جدران، جمشیدی ها در فیروزکوه و مردم میمنه. همه این شورش ها در مناطق مذکور با استعمال قوه سرکوب گردید و تمام ولایات تحت کنترل اداره مرکزی قرار گرفتند.

نورستان

نورستان در شمال شرق افغانستان منطقه صعب‌العبور است که یکی از منزوی ترین دامنه‌های هندوکش می‌باشد که نام قدیم آن (بلور یا بولر) بوده و در قدیم به نام کافرستان یاد می‌گردید، قبل از معاهده دیورند که در درس بعدی راجع به آن معلومات داده خواهد داد شد. (چترال) و (گلگیت) با نورستان یکجا بوده و منطقه وسیع را تشکیل می‌داد. اسکندر یونانی، امیر تیمور گورگانی و ظهیرالدین محمد بابر خواستند به این سرزمین راه پیدا نمایند، اما نسبت سردی هوا، دره‌های صعب‌العبور و کوه‌های بلند پر از برف نتوانستند بدانجا سفر نمایند. مردم این منطقه بت پرست بودند، عنعنات و آیین نیاکان خود را حفظ نموده، دارای استقلال محلی بودند.

در سال ۱۸۹۱ میلادی امیر عبدالرحمن متوجه سرزمین مذکور گردید. به سپهسالار غلام حیدرخان چرخی که قوماندان و والی (ننگرهار و لغمان) بود، هدایت داد تا مقدمات یک سفر را به نورستان مهیا سازد. نخست غلام حیدرخان چرخی برای انضمام نورستان به کشیدن راه‌های مواصلاتی اقدام نمود و برای مردم نورستان ابلاغ نمود که دولت با اعمار راه‌های مواصلاتی مشکلات شان را جهت عبور و مرور از یک منطقه به منطقه دیگر برطرف می‌سازد. سپهسالار چرخی قبل از این که به سفر نورستان آغاز نماید عساکر خود را در منطقه بریکوت جابه‌جا نمود و با مردم نورستان به تماس شده و روابط حسنه با آنها برقرار ساخت، مردم نزد او به رفت و آمد پرداختند و یک تعداد مردم به دین اسلام مشرف گردیدند اما مردم (کافور) و بعضی مناطق دیگر اسلام را نه پذیرفتند، ولی تابعیت دولت را قبول نمودند.

در سال ۱۸۹۶م سپهسالار چرخی جاده تا اسمار و دهانه نورستان اعمار نمود و اعمار جاده دیگر از طریق نورستان الی بدخشان تکمیل گردید. او بعد از تکمیل جاده مذکور عساکر خود را به داخل نورستان سوق داد. با رسیدن عساکر دولتی مردم نورستان دو دسته گردیدند، دسته اولی از سپهسالار اطاعت نمودند و دسته دومی به دفاع برخاسته به کوه‌ها برآمدند. سخت‌ترین جنگ بین مدافعین نورستان و قوای دولتی در موضع (کلوم) رخ داد. تلفات عساکر دولتی درین جنگ به ۲۰۰ تن رسید و تقریباً ۲۳۰۹ نفر به اسارت گرفته شد که با عزت به کابل انتقال داده

شدند و برای ایشان خوراک، پوشاک و محل رهايشی در نظر گرفته شد. قوای دولت بسیاری مناطق نورستان را فتح نمود و امنیت در آنجا تأمین گردید.

بتخانه‌ها ویران و به عوض آن مساجد اعمار گردید و به تعداد نزده مجسمه چوبی و یک تعداد تیر و کمان به کابل آورده شد. معلمین علوم دینی از لغمان، لوگر، پروان و کاپیسا به نورستان اعزام گردیدند تا مردم نورستان تعلیمات اسلامی را فرا گیرند. تمام سفر بری و فتح نورستان هشت ماه را در بر گرفت، زیرا در اول تصور می‌شد که الحاق نورستان مدت زیاد را در بر خواهد گرفت، اما به اثر درایت و لیاقت سپهسالار غلام حیدرخان، نورستان به مرکز ملحق و مردم آن به دین مقدس اسلام مشرف گردیدند و نام آن از کافرستان به نورستان تبدیل گردید.

اشغال پنجاه

امپراتوری روسیه در شمال، هند برتانوی در شرق و جنوب، ایران در غرب افغانستان موقعیت داشت و امیر عبدالرحمن خان همیشه توسط هند برتانوی و روسیه تزاری مورد تهدید قرار می‌گرفت.

سردار محمدایوب خان و سردار محمد اسحق خان دو رقیب امیر بودند که اولی توسط انگلیس‌ها و دومی توسط روس‌ها حمایت می‌شدند. گرچه دولت ایران برای امیر وسیله فشار نبود اما این مروج شده بود که سرداران ناراضی به ایران پناه ببرند اما امیر در مورد مناسبات با روسیه از احتیاط کار می‌گرفت و کوشش می‌نمود تا با روس تصادم نکند. دولت افغانستان در میان هند برتانوی و روسیه تزاری حیثیت (بفر Buffer) یا حایل را داشت بعد از اشغال مناطق آسیای مرکزی، روسها بهانه جوی را پیشه نموده و می‌خواستند به سرزمین افغانستان پیشروی نمایند. نخستین حرکت روس‌ها انتقال شش هزار روسی تبار به منطقه (مرو) بود. در مارچ ۱۸۸۵م اوضاع آنقدر وخیم شد که ملکه انگلیس با تزار روس تماس گرفت و از تزار خواست تا از جنگ بین عساکر افغانی و روس جلوگیری نماید و احزاب مخالف در حکومت انگلیس بر حکومت انتقاد نموده که چرا جلو پیشروی روس را نمی‌گیرد. در همین

موقع روس‌ها به عساکر افغانی اخطار دادند تا در منطقه (کشک) سنگرهای خود را ترک نمایند. انگلیس‌ها در قبال حمله روس بی تفاوتی اختیار کرده و روس‌ها به پنجاه حمله نمودند. جنرال غوث الدین خان مردانه وار جنگید تا این که خودش با قوای محدود خویش به قتل رسید و پنجاه را روس‌ها اشغال نمودند.

امیر عبدالرحمن خان بعد از بیست و یک سال پادشاهی به عمر ۷۱ ساله گی در اول اکتوبر ۱۹۰۱م در اثر مریضی نقرس چشم از جهان پوشید و در بوستان سرای کابل (پارک زرنگار کنونی) به خاک سپرده شد. در زمان سلطنت او متأسفانه در بخش‌های تعلیم و تربیه، فرهنگ، هنر و صنعت کدام کار مهم صورت نگرفت. به اثر تلاش امیر عبدالرحمن خان دولت مرکزی دوباره احیا و ملوک الطوائفی که در اثر بی‌اتفاقی شهزاده گان و دسیسه‌های استعماری انگلیس به میان آمده بود محو گردید. قابل تذکر است که به موجب امضای معاهده دیورند در شرق و جنوب یک بخش سرزمین افغانستان از پیکر آن جدا گردید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد چگونگی به قدرت رسیدن امیر عبدالرحمن خان و گروه دوم در رابطه با الحاق نورستان با هم مباحثه نمایند.

سوالات:



۱. پنجاه چگونه توسط روس‌ها اشغال گردید.
۲. پالیسی بفر Buffer توسط کدام کشورها در افغانستان عملی گردید.
۳. امیر عبدالرحمن خان در کدام سال به سلطنت رسید.
۴. شخصیت امیر عبدالرحمن خان را مختصراً توضیح نمایید.

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان در مورد اصلاحات و تحکیم اداره امیر عبدالرحمن خان مطالبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

عقد معاهدات

مجبوریت‌های امیر عبدالرحمن‌خان، عقد معاهده دیورند و پیامدهای شوم آن مطالبی است که در این مبحث پیرامون آن معلومات ارائه شده است.

معاهده دیورند: انگلیس‌ها قبل از این که معاهده دیورند را مطرح نمایند در ماورای سرحدات شرقی و جنوبی افغانستان اوضاع را مغشوش ساخته، در بین اقوام و قبایل پول و اسلحه توزیع می‌نمودند و مردم را به جنگ انداخته بعداً به بهانه میانجیگری و فرو نشاندن تشنج و خشونت، خود را مصلح و خیرخواه معرفی می‌نمودند و انواع دسایس و تبلیغات را جهت بی‌اعتبار ساختن امیر عبدالرحمن‌خان و دولت افغانستان به کار می‌بردند. در ۱۸۹۳ میلادی یک هیئت شش نفری تحت قیادت (مارتیر دیورند) سکرتر امور خارجه برتانیا که مشتمل بود بر (الیس، داکترفن، سمت، مکمهان، داندل و کلارک) از طریق خیبر داخل افغانستان گردیدند. در حالی که سپاه انگلیس در امتداد سرحدات شرقی و جنوبی افغانستان جابه‌جا گردیده بود. هیئت مذکور در باغ حشمت‌خان با امیر عبدالرحمن‌خان ملاقات مختصر نمود و در شروع مذاکرات بدون مقدمه و بسیار جدی به امیر عبدالرحمن‌خان گفتند که امیر مجبور است عهدنامه ترتیب شده را امضا نماید، در غیر آن روابط بین دولتن قطع و جنگ شروع خواهد شد. امیر در شرایط بسیار دشوار قرار گرفت و لغزش امیر این بود که راجع به مذاکرات و متن آن به مردم افغانستان معلومات نداد. و طبق معمول بدون اخذ رای و نظریات مردم، معاهده مذکور را امضاء نمود.

متن معاهده دیورند

- ۱- سرحد شرقی و جنوبی افغانستان از واخان شروع شده و تا سرحد ایران ادامه پیدا می‌نماید که در نقشه ترتیب شده نشان داده شده و ضمیمه عهدنامه مذکور می‌باشد.
- ۲- دولت هند برتانوی به سرزمین‌های که مربوط افغانستان است هیچ وقت مداخله نمی‌نماید، و دولت افغانستان به سرزمین‌های مربوطه هندوستان نیز مداخله ننماید.
- ۳- مناطق (اسمار و وادی بالایی آن تا منطقه چنگک) مربوط افغانستان بوده. و دولت افغانستان هیچ وقت در مناطق (سوات، باجور، چترال و وادی ارنوی) مداخله نمی‌کند. و منطقه (مکل برمل) مربوط افغانستان بوده و حکومت افغانستان بالای مناطق (وزیری و داور) ادعا نمی‌تواند.
- ۴- خط سرحدی مذکور توسط هیأت برتانوی و افغانی مطابق نقشه علامه‌گذاری خواهد

گردید.

۵- در منطقه چمن چهاونی (قرارگاه نظامی) جدید انگلیس مستقر می‌شود و سهم آبی که در (سرکی ننگی) که قبلاً افغانستان خریداری کرده بود از آن‌ها صرف نظر نموده به دولت برتانیا تسلیم گردد. در این منطقه سرحد، خط حد فاصل به حسب زیر کشیده خواهد شد، از سر سلسله کوه خواجه عمران نزدیک (شاه کوتل) که ملکیت انگریز می‌باشد قسمی امتداد دارد که (مرغه چمن) و چشمه (شیراوبه Shiroba) مستقیماً بین (قلعه چمن نو) و تھانه افغانی مشهور به نام (لشکروند) می‌گذرد بعداً خط مذکور مستقیماً میان (ستیشن ریل) و کوچه میان بلاک رفته، باز به طرف جنوب گشته شامل سلسله کوه خواجه عمران می‌شود و تھانه (گواشه Gowasha) را در ملکیت انگریز می‌گذارد و راه که به طرف (شوراوک) به جنوب و غرب (گواشه) می‌رود متعلق به افغانستان بوده، بر تانیه تا به نیم راهی مذکور مداخله نخواهد کرد.

۶- شرایط این عهدنامه بین برتانیه و افغانستان قابل قبول بوده هرگاه در آینده بالای کدام فقره اختلاف جزئی بروز نماید. از طریق مذاکره دوستانه حل و فصل خواهد شد.

۷- چونکه دولت هند برتانوی از نیت نیک جناب امیر صاحب نسبت به دولت هند برتانوی اطمینان کامل دارد، لذا آرزومند است تا افغانستان را در حالت خودمختاری و استقلال ببیند. و هرگاه افغانستان به خریدن اسلحه اقدام نماید دولت برتانیه کدام اعتراض ندارد و هم نسبت امضای این قرارداد که سالانه به دولت افغانستان دوازده لک روپیه پرداخته می‌شد بعد از عقد قرارداد مذکور شش لک اضافه می‌گردد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و راجع به مفاد معاهده دیورند بین خویش مباحثه نمایند. نتیجه مباحثه توسط نماینده گان گروه در صنف ارائه گردد.

سوالات:



۱. معاهده دیورند بین کدام شخصیت‌ها عقد گردید؟

۲. معاهده دیورند در کدام سال عقد گردید؟



فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از اولیا و بزرگان، شخصیت‌های فرهنگی و منابع راجع به پیامدهای معاهده دیورند معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

سلطنت امیر حبیب الله خان (۱۹۰۱ الی ۱۹۱۹ میلادی)



امیر حبیب الله خان

چگونه گی به قدرت رسیدن
امیر حبیب الله خان، کارکردهای مهم
حکومت موصوف، علل و عوامل
قتل وی مطالبی است که در متن
ذیل به آن‌ها پاسخ داده شده است.

سردار حبیب الله خان پسر بزرگ امیر عبدالرحمن خان بود. موقعی که امیر عبدالرحمن خان توسط امیر شیرعلی خان در منطقه شش گاو (شش قلعه) میان کابل و غزنی در جنگ شکست خورد، پناهنده بخارا گردید و سردار حبیب الله خان در سال (۱۸۷۲ م) در ثمرقند دیده به دنیا کشود. وی به عمر ۲۸ یا ۲۹ ساله گی در سال (۱۹۰۱ م) بعد از وفات پدر زمام امور را بدست گرفت.

امیر حبیب الله خان طبیعتاً شخص آرام، هوشیار، متجدد و ترقی خواه بود. گرچه به عیش و عشرت و دربار مجلل تمایل داشت. امیر حبیب الله خان در دوران زمامداری به چندین چهره ظاهر گردید. در ابتدا در یکی از نطق‌های خود به مردم اظهار نمود که افغانستان جامعه اسلامی است و باید ارزش‌های اسلامی در آن رعایت گردد، چنانچه

در منطقه خرابات شهر کابل رقصیدن رقاصه‌ها را ممنوع قرار داده و این عمل را مغایر شریعت دانست بدین ترتیب در قوانین جزایی مجرمین تغییرات بوجود آورد، به‌طور مثال قطع اعضای بدن مجرمین در ارتکاب جرم منع قرار داده شد و به عوض آن برای مجرمین، حبس‌های متفاوت تعیین گردید. کور ساختن مجرمین را منع قرار داده و خرید و فروش غلام و کنیز منع شد، اما راجع به آزادی ایشان عمل ننمود. و هم‌چنان ازدواج با بیش از چهار زن را ممنوع قرار داد که خلاف شریعت است.

امیر حبیب‌الله خان شخصیت فرهنگ دوست بوده و تأکید می‌نمود که جامعه بدون فراگرفتن تعلیم و تربیه ترقی و پیشرفت کرده نمی‌تواند. اقدامات مهم موصوف گذاشتن تهداب معارف و معرفی فرهنگ جدید بود. در سال (۱۹۰۳ م) اولین مکتب به‌نام لیسه حبیبیه تأسیس گردید که درین مکتب بر علاوه مضامین دینی، تاریخ، جغرافیه، ریاضی، کیمیا، فزیک، هندسه، مثلثات، حکمت و حفظ‌الصحه تدریس می‌شد و چندین مکاتب ابتدایی در بعضی نقاط شهر کابل نیز ایجاد گردید.

در بخش نظامی هم مکتبی به نام حریه ایجاد شد که بر علاوه مضامین علمی در آن ارکان حرب تدریس می‌گردید، پروسه تدریس مضامین مذکور توسط معلمین افغانی، ترکی و هندی پیش برده می‌شد.

در بخش مطبوعات یک مطبعه در شهر کابل تأسیس شد که ماشین‌های آن توسط قوه بخار فعالیت می‌نمود. در مطبعه مذکور یک‌تعداد لوايح دولتی و جرايد به چاپ می‌رسید. دو جریده به‌نام‌های (سراج‌الخبار) و (سراج‌الاطفال) برای اولین مرتبه تأسیس و به نشرات آغاز نمود که مدیر مسئول آن محترم محمود طرزی بود و تحت نظر ایشان جرايد مذکور چاپ و نشر می‌شد، که در بیداری و حس استقلال خواهی مردم رول باری داشت از

همین سبب محمود طرزی به نام پدر مطبوعات افغانستان لقب یافته است.

جاده کابل غزنی، کابل جلال آباد و لغمان احداث، چندین عراده موتر برای اولین بار جهت انتقالات از یک کمپنی به نام (مدلر) از بمبئی توسط دولت خریداری گردید و هم چندین نفر برای فرا گرفتن ترمیم موتر به هندوستان اعزام شدند.

در بخش نساجی یا تکه بافی یک فابریکه پشمینه بافی تأسیس شد که با قوه بخار فعالیت می کرد، این فابریکه سالانه برای پنجاه هزار عسکر یونیفورم نظامی تهیه می نمود و متباقی تولیدات آن به بازار عرضه می گردید. یک فابریکه کوچک تولید برق آبی در جبل السراج ساخته شد که ابتداء مقدار تولید آن کم بود، صرف ارگ را تنویر می نمود بعداً به تعداد توربین های آن افزوده شد که شهر کابل را با برق تنویر می کرد. در بخش زراعت هم یک تعداد بندها و انهار احداث گردید.

واقعات مهم دوران سلطنت حبیب الله خان بغاوت قبایل (خدران، منگل و احمدزی) و هم قیام مردم قندهار بود که این شورش ها توسط دولت با تدبیر عالی خاموش گردید. حادثه دیگر مقارن حکومت امیر حبیب الله خان وقوع جنگ جهانی اول بود، درین وقت هیأتی از حکومت آلمان وارد افغانستان گردید. لزوم دوستی دو مملکت را خاطر نشان ساخت، با این هیأت عده از نماینده گان دولت عثمانی و اتریش نیز شرکت داشتند تا بدین وسیله افغانستان را با دول (محور) یعنی کشورهایی که با آلمان همدست بودند، الحاق نمایند و انگلیس ها از ورود هیئت آلمانی هراس داشتند که مبادا افغانستان با دول محور ملحق گردد، بنا براین با روس ها معاهده نمودند که به موجب معاهده مذکور افغانستان بی طرفی خود را در جنگ جهانی اول اعلان نمود.

امیر در سال های اخیر حکمروایی خویش مورد تنفر مردم، روشنفکران و

مشروطه‌خواهان قرار گرفته بود که به این ترتیب زمینه‌های سقوط حکومت وی مهیا گردید.

در اواخر سال ۱۹۱۸م امیر با تمام درباریان خود برای تفریح از جلال آباد برای صید ماهی به (کله گوش) لغمان رفتند و در آنجا در شام بیستم ماه فیروزی توسط شخص نامعلوم با فیر تفنگچه به قتل رسید و جسد امیر به جلال آباد انتقال و در همانجا به خاک سپرده شد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد چگونگی به قدرت رسیدن امیر حبیب الله خان و گروه دوم در رابطه به شخصیت موصوف باهم مباحثه نموده، نتیجه مباحثه را در صنف ارائه نمایند.

سوالات:



۱. امیر حبیب الله خان در کدام سال به سلطنت رسید؟
۲. اولین جریده در کدام سال به نشرات آغاز و چه نام داشت؟
۳. اولین فابریکه برق آبی در کجا و به چه ظرفیت شروع به فعالیت نمود؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان در مورد ریفورم و اصلاحات امیر حبیب الله خان از بزرگان و اولیا معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

جنبش‌های مشروطیت

جنبش‌های مشروطیت چگونه عرض اندام نمود، اهداف و مقاصد آن حاوی کدام مطالب بود و با چه سرنوشت مواجه گردید؟ در این درس شاگردان به این مطالب آشنا می‌شوند.

در شروع سلطنت امیر حبیب‌الله خان برای نخستین بار معارف مروج و نشر فرهنگ جدید آغاز گردید. یک تعداد مکاتب محدود تشکیل و در بخش نشر فرهنگ جدید دو روزنامه منتشر شد و در مطبعه چاپ کتب آغاز گردید.

امیر حبیب‌الله خان بعد از امضای معاهده ۱۹۰۵ میلادی با انگلیس خود را خاطر جمع احساس می‌نمود، اما به موجب این قرار داد انگلیس و روس در شروع جنگ جهانی اول هراس داشتند که مبادا افغانستان با قوای (محور) یا ممالک که با دولت آلمان متحد بودند، ملحق گردد فلذا انگلیس‌ها افغانستان را تحت‌الحمایه خود قرار دادند که بدین ترتیب استقلال افغانستان سلب گردید.

وضع اداری در شروع سلطنت امیر حبیب‌الله خان نسبتاً خوب بوده و مردم تصور می‌کردند که به زودی بهبود بیشتر خواهد یافت، اما بعداً صلاحیت‌های اداری و زمام امور افغانستان به دست چند نفر محدود قرار گرفت، مراجع اداری به فساد ملوث شد و فساد اداری به اوج خود

رسید و امیر در عیش و عشرت دربار فرو رفته از اوضاع مملکت بی خبر بود. روند کند رشد و انکشاف جامعه، سلب شدن استقلال، افزایش فساد اداری، بی عدالتی و وضع مالیات کمر شکن بر مشکلات مردم افزود.

روشنفکران وضع بحرانی مملکت را دیده رنج می بردند و برای حل این مشکل در صدد آن برآمدند تا مردم افغانستان را چطور نجات دهند بالاخره تصمیم گرفتند تا مطلق العنانی دولت را به مشروطیت تعویض نمایند.

روشنفکران به دور اصلاح طلبان دربار جمع شده و خواهان اصلاحات یا ریفورم در داخل دولت شدند. روشنفکران دربار عبارت بودند از محمد ولی خان بدخشانی، میرزمان خان، میر یار بیگ خان دروازی، پادشاه میرخان لوگری، نظام الدین خان ار غندیوال و لعل محمدخان کابلی. بعداً یک دسته جوانان دیگر مانند جوهر شاه خان، لعل محمدخان، پادشاه میر خان، نظام الدین خان و میر زمان خان با حلقه سیاسی دیموکرات های خارج دربار یکجا شدند، کتب و جراید خارجی در اختیار ایشان قرار می گرفت و به مسایل سیاسی، اجتماعی و اوضاع داخلی و خارجی علاقه می گرفتند.

لیسه حبیبیه به مرکز روشنفکران تبدیل گردیده بود. در بین روشنفکران (رادیکا ل ها) یا افراطیون نیز وجود داشت که حتی خواهان کودتا هم بودند. دسته دیگر روشنفکران خارج حلقه دربار و در لیسه حبیبیه فعالیت می نمودند. روشنفکران دربار، روشنفکران مستقل و جدا از لیسه حبیبیه، با معلمین و کارمندان لیسه مذکور ائتلاف نمودند و یک حزب سیاسی به نام (جمعیت سری ملی) را ایجاد کردند که مرام نامه حزب مذکور تبدیل مطلق العنانی به حکومت مشروطه، حصول استقلال، معارف متوازن و نشر تمدن و فرهنگ جدید در افغانستان بود.

حزب مذکور به گروه های ده نفری تحت رهبری یکی از مؤسسين تقسیم گردید و برای این که فعالیت های حزب افشا نگردد، اعضای حزب یکدیگر خود را نمی شناختند. جلسات حزبی خیلی محرمانه شبانه به نام مهمانی توسط رؤسای گروه ها دایر می گردید و در جلسات راجع به امور حزب فیصله ها صورت می گرفت و جلسات عمومی در فاصله های طولانی دایر شده و تصمیم جدید اتخاذ می گردید.

رئیس یکی از حلقه‌های عمده حزب تاج محمدخان بلوچ پغمانی، جوهر شاه‌خان غوربندی و میرسید قاسم خان لغمانی، و اعضای مسلمانان هندی حزب که همه معلمین لیسه حبیبیه بودند در یکی از جلسات حزب فیصله نمودند تا نخست امیر حبیب الله خان بدون این که از موجودیت حزب آگاه گردد تشویق شود تا خودش در پیاده نمودن پروسه نشر فرهنگ و تأسیس معارف سرتاسری راضی و همکاری نماید. یک کاپی مرام نامه حزب نزد محمد پغمانی موجود بود که با اسناد دیگر در منزل خود نگهداری می‌نمود. برادرش محمد شریف که از مخالفین افکار سیاسی بوده و از طرف داران دولت محسوب می‌گردید، همراهی تاج محمدخان در یک منزل رهایش داشت او مصوبه مذکور را از بین اسناد تاج محمدخان بدست آورد و آن را به شخص امیر حبیب الله خان تقدیم کرد.

در زمستان (۱۹۰۹م) هنگامی که امیر مصروف تفریح در جلال آباد بود، محمد عظیم خان کارمند فابریکه حربی و ملا منهاج الدین معلم خصوصی شهزاده کبیر خان، فهرستی از تمام اعضای حزب ترتیب نمودند و ملا منهاج الدین فهرست را با راپور تهیه شده به امیر حبیب الله خان تقدیم کرد و در راپور چنین تذکر داده شده بود که هدف (حزب سری ملی) کشتن امیر و تأسیس حکومت مشروطه می‌باشد و در کابل چنین شایعه بود که افشاگری توسط هندی‌های داخل حزب صورت گرفته بود. مردم چنین استدلال می‌نمودند که اعضای هندی حزب می‌خواستند نخست جنبش استقلال و مشروطه خواهی را خفه نمایند و ثانیاً کشور افغانستان را به نفع انگلیس‌ها عقب انداخته و امیر را از تأسیس معارف و نشر فرهنگ جدید دل سرد سازند و به حکم امیر چهل نفر از اعضای حزب اعدام و تعدادی هم زندانی شدند. بعد از مدتی یک تعداد زندانیان آزاد شده، اما روشنفکران مشروطه خواه به کلی سرکوب نگردیده دوباره گروه‌های کوچکتر تشکیل نمودند که مخفیانه فعالیت می‌نمودند.

در سال (۱۹۱۸م) بعد از سرکوب شدن مشروطه‌خواهان (عبدالرحمن لودی) محرر سراج‌الخبار و عضو جنبش مشروطیت که شخص (رادیکال) یا افراطی بود در شب جشن سالگرد امیر حبیب الله خان با تفنگچه‌یی در بام دوکان متصل کوچه قاضی (شوربازار) در انتظار موتر حامل امیر نشست (آن وقت شاه معمولاً در شب‌های جشن و چراغان کابل

بازارهای ارگ و چوک شور بازار را عبور می کرد) همین که موتر امیر مقابل دوکان مذکور رسید عبدالرحمن بالای موتر امیر فیر نمود، مرمی به موتر اصابت کرد، اما موتر به سرعت گذشت و امیر نجات یافت و فردای آن شب عبدالرحمن لودی توسط قوای امنیتی گرفتار و در ارگ شاهی زندانی گردید. امیر مسئولیت اعدام او و همکارانش را به گردن نگرفت که بعداً در سال (۱۹۱۹م) عبدالرحمن لودی با سایر روشنفکران دیگر از زندان آزاد شده، منحیث مامورین دوره امانیه در وظایف دولتی تقرر حاصل نمودند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان در صنف به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد زمینه های ایجاد مشروطیت و گروه دوم در مورد اهداف این جنبش باهم مباحثه نموده، نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات:

جنبش مشروطیت را کی ها رهبری می نمودند؟
اعضای برجسته این جنبش را کدام شخصیت ها تشکیل می داد؟
امیر حبیب الله خان چگونه از مرام این جنبش آگاهی حاصل نمود؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در صورت دسترسی به منابع و مآخذ راجع به عواقب ناگوار سرکوبی جنبش مشروطیت معلومات حاصل نموده و آن را در صنف ارائه نمایند.

بررسی فصل اول

افغانستان برای مدت طولانی به اثر مداخلات خارجی‌ها تجزیه و تقسیم گردیده بود، اما در سال ۱۷۴۷م دولت مرکزی توسط احمد شاه بابا مؤسس افغانستان، تأسیس شد. زراعت و مالداری که منابع اقتصاد افغانستان را تشکیل می‌داد به کلی صدمه دیده بود، بعد از تحکیم دولت مرکزی دوباره بهبود یافت، تولید صنایع مروجه که احتیاجات روزمره مردم را مرفوع می‌ساخت دوباره احیاء شد. تجارت سر از نو رونق گرفت و وضع اقتصادی بهتر شد. تعلیم و تربیه عنعنوی در مدارس و مساجد صورت می‌گرفت و یک تعداد مدارس در سراسر افغانستان تأسیس گردید.

از سال ۱۸۳۹ تا ۱۸۴۲ میلادی افغانستان مورد تجاوز انگلیس قرار گرفت و بعد از شکست انگلیس در افغانستان در اثر بی‌اتفاقی برادران وزیر فتح‌خان تا شروع سلطنت امیر شیرعلی خان بی‌نظمی و ملوک‌الطوایفی در کشور حکمفرما بود، اما در دوران سلطنت امیر شیرعلی خان دولت مرکزی تشکیل و قوه اجرائیه که مشتمل بر صدراعظم و اعضای کابینه و ادارات دولتی بود تأسیس شده و نظام اداری در افغانستان بوجود آمد.

در بخش زراعت، مالداری، صنایع، اصلاحات بوجود آمد. معارف عنعنوی به معارف عصری تعویض گردید. اردو تشکیل شد و وضع اقتصاد بهبود یافت. در عهد سلطنت دوم امیر شیرعلی خان، انگلیس‌ها برای بار ثانی بر افغانستان تجاوز نمودند و شیرازه اداره و اصلاحات فرو ریخت، ملوک‌الطوایفی مجدداً روی کار آمد، بی‌نظمی حاکم و اقتصاد به رکود مواجه شد.

در ۱۸۸۰ امیر عبدالرحمن خان به سلطنت رسید، وی نخست اردوی یکصد هزار نفری تشکیل نموده و دولت مرکزی قوی بنیان گذاشت که تمام افغانستان را تحت اداره دولت مرکزی و واحد قرار داد، انگلیس‌ها علیه امیر و دولت افغانستان دسایس زیادی را به کار بردند تا بالاخره معاهده دیورند را بالای امیر تحمیل و امضاء نمودند که به موجب آن بعضی قسمت‌های افغانستان از پیکر آن جدا گردید.

در دوران سلطنت امیر حبیب الله خان تا اندازه‌ی بی‌به معارف و نشر فرهنگ جدید توجه به عمل آمد، اقتصاد بهبود یافت، راه‌های مواصلاتی احداث، بند و انهار اعمار گردید برای انتقالات یک تعداد وسایط ترانسپورتی از یک کمپنی انگلیسی خریداری گردید خط تلیفون بین کابل، جلال آباد و لغمان به کار افتاد. فابریکه نساجی با قوه بخار به کار افتاده، بند برق جبل السراج برای تنویر شهر کابل اعمار گردید. یک مطبعه ساخته شد که چاپ کتب و جراید در آن صورت می‌گرفت. قشر روشنفکران در دربار و مکتب حبیبیه عرض اندام کردند که مرام آن‌ها تأمین دموکراسی و ایجاد نظام مشروطیت بود.

فصل دوم

از استرداد استقلال تا پایان نظام جمهوری

۱۹۱۹-۱۹۷۸ میلادی

اهداف فصل دوم

- ۱- آشنایی و معرفت با مفاهیم قیام‌های ملی در مقابل تجاوز و استعمار به‌خاطر استرداد استقلال
- ۲- آشنایی با ماهیت نظامنامه و اصولنامه‌ها
- ۳- آشنایی با نقش امان‌الله‌خان در استرداد استقلال کشور
- ۴- آشنایی با اثرات سوء جنگ جهانی دوم بر افغانستان
- ۵- آشنایی با پلان‌های عمرانی عصر صدارت سردار محمد داوود خان
- ۶- آشنایی با قانون اساسی دهه دموکراسی و دستاوردهای آن
- ۷- آشنایی با عوامل تغییر رژیم از سلطنت به جمهوریت
- ۸- توانمندی شاگردان برای تحلیل ماهیت سیاست‌های استعمار
- ۹- توانمندی شاگردان برای نشان دادن نقاط استقرار انگلیس‌ها روی نقشه در جنگ‌های افغان و انگلیس
- ۱۰- توانایی استفاده از نقشه‌های تاریخی و اطلس‌ها
- ۱۱- توانایی درک عوامل تغییرات سیاسی.

پادشاهی امیر امان‌الله خان و نقش او در استرداد استقلال کشور (فبروری ۱۹۱۹ - جنوری ۱۹۲۹ م)



امیر امان‌الله خان

شخصیت امان‌الله خان، چگونه گی به قدرت رسیدن وی، نقش موصوف در استرداد استقلال و عقد معاهدات دولت امانیه با انگلیس‌ها که موجب برسمیت شناختن استقلال افغانستان گردید مطالبی اند که در این درس با آن‌ها آشنایی حاصل می‌نماید.

امیر حبیب‌الله خان در ۲۱ فبروری ۱۹۱۹ در شکارگاه کله گوش لغمان به قتل رسید و روز دوم کشته شدن وی، نصرالله خان برادر امیر، در جلال آباد و امان‌الله خان پسرش در کابل اعلان سلطنت کردند، بدینوسیله هم زمان در کشور دو حکومت بوجود آمد، چون علاقه و طرفداری مردم و درباریان از امان‌الله خان زیاد بود، موقف وی را نسبت به نصرالله خان مستحکمتر ساخت بناءً نصرالله خان از ادعای سلطنت دست کشید و امان‌الله خان سلطنت خود را طی اعلامیه‌های مفصل چاپی با اهداف و برنامه‌های خویش در رابطه به استقلال کشور به مردم افغانستان اعلان کرد، برخی از نقاط اعلامیه پادشاهی امان‌الله خان به شرح ذیل است:

«ای ملت معظم افغانستان! من هنگام شهادت پدر و کالت سلطنت را در کابل داشتم و اکنون به اصالت آن بار سنگین امانت را متوکلاً و معتصماً بالله به عهده گرفتم. وقتی که ملت بزرگ من تاج شاهی را بر سرم نهاد، من عهد بستم که بایستی دولت افغانستان مانند سایر قدرت‌های مستقل جهان، در داخل و خارج کشور آزاد و مستقل باشد، ملت افغانستان در داخل کشور آزادی کامل داشته و از هرگونه تجاوز و ظلم محفوظ و مردم فقط باید مطیع قانون باشند و بس. کار اجباری و بیگار در تمام رشته‌ها ممنوع و ملغاست. حکومت ما در افغانستان اصلاحات

خواهد نمود که ملت و مملکت ما بتوانند در بین ملل متمدن جهان جای مناسب و مقام خود را حاصل نمایند. من در اجراءات امور کشور مشورت را به حکم و شاورهم فی الامر رهبر قرار خواهم داد. «ای ملت عزیز و ای قوم باتمیز در حفظ دین و دولت و ملت خود بیدار و در نگهبانی وطن خویش هوشیار باشید. من از خداوند (ج) برای شما و اهل اسلام و کلیه بنی نوع انسان خیر و سعادت می خواهم...».

قبل از این که امان‌الله‌خان به قدرت برسد در قدم نخست با تعداد زیاد مردم بارسوخ و منور کشور روابط را تأمین نموده بود. و دوم این که امان‌الله‌خان خودش نیز با اصلاحات و تغییرات علاقه‌مند بود و نوآوری می‌خواست. سوم پیش از این که به حاکمیت برسد، نام‌برده در زمان حاکمیت پدر امکانات لازم اجتماعی و سیاسی را در اختیار داشت.

امیر امان‌الله‌خان در سیاست خارجی خواهان استقلال کشور از بیگانه‌گان و حفظ تمامیت ارضی بود. او در اجتماع بزرگ مردم کابل و قشون ساکن در پایتخت که در میدان مرادخانی حاضر بودند، سوار بر اسب بدون محافظین و سپاه در بین جمعیت داخل شد. در حالی که شمشیر برهنه در کمر آویخته بود، نطق مشهور تاریخی خود را ایراد نمود. در این نطق در مورد مسایل گوناگون بحث به عمل آمد، شاه از جمله استقلال افغانستان و آزادی فردی در داخل کشور، مساوات، برادری و برابری، آزادی ملت و تأمین عدالت و صداقت دولت جدید را مطرح ساخت. در اثنای ایراد بیانیه صدای شادی و تهنیت از جمعیت حاضر در میدان برخاست و به این صورت دولت جدیدی به میان آمد که در ظرف ده روز از طرف مردم کشور مورد حمایت قرار گرفت.

اعلام مشی امیر امان‌الله‌خان طبقات و اقشار مختلف چون دهقانان، مالداران، تجاران، پیشه‌وران و روشنفکران را به حمایت دولت جدید برانگیخت، زیرا مواد مشی مذکور به خواسته‌های مردم ملت مطابقت می‌کرد.

به سلسله اصلاحات جدید معاش هر فرد عسکر که در ماه ۱۲ روپیه بود به ۲۰ روپیه افزایش یافت، دولت کمال توجه خود را در آرامش و رفع مایحتاج سپاه که حافظ استقلال کشور بود، مبذول داشت. همین بود که اردوی شصت هزار نفری افغانستان در سرا سر کشور به پشتیبانی از دولت جدید برخاست.

امان‌الله‌خان برای حصول استقلال، جهاد را اعلان نمود طبقات مختلف کشور برای تحقق این

هدف متحد گردیده و بالاخره در سیزده اپریل ۱۹۱۹م افغانستان به رهبری شاه امان‌الله خان اعلان استقلال کرد.

شاه امان‌الله از استقلال افغانستان به دولت انگلیس اطلاع داد، چون دولت برتانیا حاضر نبود از نفوذ استعماری خویش صرف‌نظر کند و استقلال افغانستان را به رسمیت بشناسد، در جواب نامه فقط تسلیت نامه ای مبنی بر فوت پدرش فرستاد و از استقلال هیچ تذکری به‌عمل نیاورد.



قصر دارالامان

امان‌الله‌خان به‌خاطر این که موضوع به رسمیت شناختن استقلال افغانستان را به کرسی بنشاند عساکر افغانی را در نقاط مختلف مرز هند برتانوی اعزام و متمرکز ساخت و برای کسب استقلال سیاسی افغانستان جنگ سوم افغان و انگلیس صورت گرفت. سوقيات نیروهای افغانی در جبهات سه گانه کشور (خیبر، پکتیا و قندهار) علیه تجاوز گران انگلیسی آغاز گردید.

الف- مذاکره صلح راولپندی ۱۸ اگست ۱۹۱۹ میلادی

انگلیس‌ها بعد از جنگ با افغانستان ترجیح دادند که با دولت افغانستان کنار بیایند و مسایل را در پشت میز مذاکره حل کنند، لذا بعد از مبادله یک تعداد مکاتیب بین حکومتات یک هیئت صلح به ریاست علی احمد خان وزیر داخله عازم راولپندی شد و با سر گرانٹ Sir Grant رئیس هیأت برتانیا در کنفرانس اشتراک نمود و بعد از چندین جلسه بالاخره معاهده صلح راولپندی بین دولتین به امضاء رسید. مگر مفاد این قرار داد به نفع انگلیس و به ضرر افغانستان تمام شد.

ب- مذاکره مونسوری ۱۹۲۰ میلادی

چون کنفرانس صلح راولپندی به ضرر افغانستان به امضاء رسیده بود، دولت افغانستان از حکومت برتانیا امضای یک معاهده کامل به اساس حقوق مساوی را مطالبه نمود. بالاخره به تاریخ ۹ مارچ ۱۹۲۰م دولت انگلیس از امیر دعوت کرد تا هیأت افغانی را به مونسوری اعزام دارد. هیأت افغانی به ریاست محمود طرزی وزیر خارجه افغانستان و نماینده برتانیا جلسات شان را در مونسوری آغاز کردند. مذاکرات مذکور تقریباً سه ماه دوام نمود، اما نتیجه نداد

و هیأت افغانی بعد از مذاکرات خسته کن و طولانی بدون آن که کدام قراردادی امضا کرده باشد به کابل عودت نمود. ولی انگلیس ها بعدها دیدند که افغانستان با ممالک دیگر روابط دیپلماتیک را آغاز کرده است بناءً در پی آن شدند تا هیأت به افغانستان فرستاده و مذاکره را مجدداً از سر گیرند.

ج- معاهده کابل ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ میلادی

هیأت برتانوی به سرکرده گی سرهنری دابس وارد کابل شد و مذاکرات خویش را با وزیر خارجه افغانستان محمود طرزی آغاز کرد مذاکرات تقریباً یازده ماه طول کشید، چون تقاضا و خواسته های هردو جانب در تقابل قرار داشت نزدیک بود که مذاکرات طولانی یازده ماهه قطع شود. سرانجام معاهده کابل در ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ به امضار رسید و دولت انگلیس استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت و دولتین به تبادلۀ سفرا بین کابل و لندن موافقت کردند. ایجاد دولت مستقل افغانستان در عرصۀ سیاست خارجی ضربه مرگ باری بر مواضع استعماری انگلیس در شرق میانه و شرق نزدیک وارد کرد و در روند مبارزۀ تاریخی ضد استعماری در آسیا تأثیرات عمیق وارد نمود.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به اعلامیه های شاه امان الله خان و گروه دوم در مورد چگونگی و حصول استقلال کشور با هم گفتگو نمایند.

سؤالات:

۱. امیر حبیب الله خان به کدام تاریخ و در کجا به قتل رسید؟
۲. کدام عوامل باعث شد تا نصرالله خان از ادعای سلطنت دست بکشد و زمینه برای به قدرت رسیدن شاه امان الله خان مساعد گردد؟
۳. در رابطه به اعلامیه های شاه امان الله خان مختصراً معلومات دهید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به شخصیت شاه امان الله خان از معلمین و استادان خویش معلومات را بدست آورده و آنرا در صنف به دیگر همصنفان قرائت نمایند.

استرداد استقلال کشور و جبهات سه گانه نبرد

در این درس با چگونگی استرداد استقلال افغانستان و اهمیت جبهات سه گانه نبرد که به شکست انگلیس ها و متار که منجر شد آشنا می شوید.

قبل از این که در باره جبهات استرداد استقلال در مقابل انگلیس یادآوری کنیم، تذکر یک مطلب ضروری است و آن این که ما تنها استرداد استقلال را منحصر همین جبهات سه گانه مقید نسازیم. حقیقت روشن این است که در استرداد استقلال هر منطقه در مقابل انگلیس به یک سنگر حفظ استقلال و دفاع تبدیل شده بود، مگر شکست قطعی به همت و فداکاری آن عده افغان ها به عمل آمد که تحت رهبری دولت امانی در جبهات مذکور می جنگیدند.

دولت امانی از آغاز زمامداری خود به حکمرانان انگلیسی در هند خاطر نشان ساخت که دولت جدید افغانستان تداوم ارتباطات را تحت معاهدات قبلی نمیخواهد، اعلیحضرت امان الله خان در سوم مارچ مکتوبی را به نائب الحکومه انگلیسی در هند لارد چلسفورد فرستاد. در نامه ذکر شده بود که در معاهده ۱۹۰۵م تجدید نظر صورت گرفته و استقلال افغانستان توسط انگلیس ها به رسمیت شناخته شود. دولت امانی بدون این که به جواب مکتوب مذکور

منتظر بماند، با یک‌کده کشورها و از جمله با اتحاد شوروی نو تأسیس، و توسط شوروی با دول اروپایی ارتباطات خویش را تأمین نمود. همزمان به آن آماده‌گی جنگ استقلال را علیه انگلیس آغاز کرد. در این اثنا شورای دفاع از کشور تشکیل گردید و برای حملات قاطعانه در جنوب، جنوب غرب و شرق افغانستان آماده‌گی روی دست گرفته شد.

جبهه شرق: تلاش‌ها برای استرداد استقلال کشور از ابتدا زمامداری دولت امانی آغاز گردیده بود، مگر در ماه اپریل کوشش‌های منظم قوت‌های افغانی قویتر و سریعتر شد. نخستین حرکت قوای افغانی در سنگر شرقی با رسیدن سپه‌سالار صالح‌محمدخان و قوت‌های منظم آن به جلال آباد شروع شد. همزمان قوت‌های مردمی و جوانان داو طلب به این صفوف پیوستند. در سنگر شرقی در سوم ماه می جنگ با یک حمله ناگهانی قوت‌های افغانی آغاز گردید. این حمله آن‌قدر نیرومند و سریع بود که فضای ترس را در میان لشکرهای انگلیسی ایجاد کرد و انگلیس‌ها به عقب نشینی مجبور شدند. قوای افغانی در طی یک هفته جنگ قوای انگلیسی را از کنار ننگرهار تا پیشاور طوری عقب زد که توان بازگشت در آن‌ها باقی نماند. در دهلی و لندن سیاسیون و نظامیان انگلیس حملات ناگهانی، و فتوحات پی در پی افغان‌ها را سرآغاز شکست بزرگ برای منافع انگلیس‌ها در آسیا تلقی کردند، لذا حملات متقابل را آغاز نمودند آن‌ها از تمام امکانات زمینی و هوایی خود استفاده کردند و به وسیله بمباردمان سنگین مورا ل قوای شکست خورده خود را بلند کردند و به این ترتیب جلو پیشروی قوای افغانی را گرفته و آن‌ها را تا سرحد تورخم به عقب نشینی مجبور ساختند، انگلیس‌ها از یک طرف راه‌های لوژستیکی را مسدود ساخته و از طرف دیگر شهرهای جلال آباد و کابل را به گونه بمباردمان کردند که تعدادی زیادی از اطفال و سالخورده گان که در شهرها باقی مانده بودند به شهادت رسیدند. این بمباردمان آن‌قدر شدید و سنگین بود که یک‌کده از مامورین بلندرتبه دولت امانی درخواست نمودند تا پایتخت را از کابل به یک جای مصئون انتقال داده شود. مگر اعلیحضرت امان‌الله خان این پیشنهاد را نپذیرفت و رهبری جنگ را تا مرحله پیروزی از کابل به عهده گرفت.

جبهه جنوب: سوقیات جبهه جنوب کشور تحت رهبری سپهسالار محمد نادرخان پیشبرده می‌شد، به اساس فیصله دولت امانی سپهسالار محمدنادر خان با قوای منظم در بیست و چهارم ماه اپریل به گردیز رسید. در گردیز جوانان داوطلب از اقوام مختلف به دور نادر خان جمع شدند. سپهسالار محمدنادر خان برای تنظیم و ترتیب قوای خود برای دو هفته در گردیز باقی ماند. در چهاردم ماه می در تمام پکتیا نقاره استقلال به صدا در آمد و قوای افغانی به سنگرهای انگلیس حمله کردند. انگلیس‌ها به شکست مواجه شده مراکز نظامی خود را یکی پی دیگر از دست می‌دادند. قوت‌های افغانی قلعه تل، وانه و تمامی مراکز نظامی انگلیسی را تصرف کردند. مگر در اثر حمله قاطعی که در ۲۶ ماه می بوقوع پیوست، دشمن توان و امید خود را از دست داد، بنا بر آن انگلیس‌ها در سوم ماه جون از دولت امانی خواهان متارکه و آتش‌بس شدند.

جبهه جنوب غرب: در جنوب و غرب کشور سوقیات تحت رهبری اعتمادالدوله سردار عبدالقدوس خان پیش برده می‌شد و برای جنگ استقلال مردم مناطق مختلف حوزه جنوب غرب در حالت آماده باش و منتظر امر مرکز بودند. اعتمادالدوله برای تنظیم امور جنگ با انگلیس‌ها از کابل به قندهار حرکت نمود. در زمان ترک کابل تعدادی محدودی با او همراه بودند مگر تا میدان وردک و غزنی تعداد لشکر مردمی اعتمادالدوله به هزاران نفر رسید. با ورود به قندهار، جوانان داوطلب با ایشان یکجا شدند و تعداد لشکر به ده‌ها هزار تن رسید. در قندهار هنوز ترتیب و تنظیم قوت‌ها تکمیل نبود که عساکر انگلیسی بر محافظین افغانی در سپین بولدک و پشین حمله ناگهانی نموده و در یک جنگ نابرابر محافظین افغانی به شهادت رسیدند. با شنیدن این خبر مردم قندهار به شمول جوانان داوطلب احساساتی شده و به سردار عبدالقدوس خان این موقع را ندادند تا قوت‌های خود را ترتیب و تنظیم کند بناءً بدون تأخیر در ۲۶ ماه می به مراکز نظامی دشمن هجوم بردند، مگر عساکر انگلیسی قبل از آن که در مقابل شمشیر افغانان مقاومت کنند، پیش از این مراکز خود را تخلیه کرده بودند. قوت‌های افغانی متواتر سنگرهای مستحکم انگلیس‌ها را تصرف کردند و تا شهر کویته

تمام منطقه را از موجودیت دشمن پاک سازی نمودند. وقتی که افغان‌های فاتح به شهر کویته رسیدند، انگلیس‌ها از دولت امانی درخواست متارکه و آتش‌بس نمودند و در سوم ماه جون آتش‌بس در بین دولتین برقرار شد و همزمان با آن روند دیپلماتیک پذیرفتن استقلال افغانستان آغاز گردید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به ضرورت ایجاد محاذ سه گانه و گروه دوم در مورد پالیسی انگلیس در قبال افغانستان معلومات حاصل نموده و آن را در صنف ارایه نمایند.

سؤالات:



۱. نقش نادرخان را در پیشرفت محاذ پکتیا چگونه ارزیابی می کنید؟
۲. صالح محمدخان در کدام جبهه توظیف گردیده بود و چه دستاورد داشت؟
۳. قلعه تل چگونه فتح شد؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان از روی منابع و مآخذ راجع به پیامدها و عواقب نبردهای جبهات سه گانه معلومات حاصل و در صنف ارایه نمایند.

اصلاحات (۱۹۲۱ - ۱۹۲۸ م)



محمود طرزی

اصلاحات و کارکردهای عمده
دولت امیرامان‌الله خان مطالبی است که
در این درس به آن آشنایی شوید.

حصول استقلال سیاسی افغانستان در سال ۱۹۱۹ میلادی مصادف به ۱۲۹۸ هـ ش، منعیث واقعه بزرگ تاریخی بر اوضاع سیاسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور تأثیر عمیق کرد، افغانستان وارد یک مرحله جدید گردید. از آنجایی که شاه امان‌الله خان از محبوبیت زیاد در بین اکثریت مردم برخوردار بود با پشتیبانی و حمایت آن‌ها به آوردن یک سلسله اصلاحات اقدام نمود. این اصلاحات و تحولات شامل دو مرحله بود:

مرحله نخست که از سال ۱۹۱۹ الی ۱۹۲۴ دوام کرد. در این مرحله مردم افغانستان که خواهان پیشرفت بودند از اصلاحات جدید استقبال نمودند.

مرحله دوم اصلاحات که از ۱۹۲۴ الی ختم نظام امانی را در بر می گرفت بنا بر یک سلسله عوامل داخلی و خارجی جنبه عملی پیدا نکرد. شاه امان‌الله خان می خواست به زودترین فرصت برنامه‌های عمرانی و انکشافی مبنی بر داشتن شهرها، قصرها و عمارات، و تفریح گاه‌ها، فابریکات و مردم آراسته با تمدن و فرهنگ جدید داشته باشد، نام‌برده در پرتو همین اهداف در راه رسیدن به آن بدون در نظر داشت واقعیت‌ها و وضعیت فرهنگی جامعه از عجله و شتابزده‌گی کار گرفت که عواقب ناگوار را در قبال داشت.

یکی از تحولات بسیار مهم مرحله اول اصلاحات، تصویب نخستین قانون اساسی افغانستان در سال ۱۹۲۳م در لویه جرگه (۸۸۲) نفری در جلال آباد بود که بعداً این قانون در لویه جرگه پغمان در سرطان سال ۱۹۲۴ تأیید و توشیح گردید.

قانون اساسی که نخستین قدم در برنامه اصلاحات امان‌الله‌خان شمرده می‌شد، نظام شاهی مشروطه را تثبیت نمود. مهمترین اصلاحات در زمینه اقتصادی بود چون در نتیجه جنگ در برابر انگلیس‌ها به خاطر استقلال کشور در ۱۹۱۹م خزینه دولتی کشور کاملاً تخلیه گردیده بود. ضرور بود که ذخایر پولی، که بدون آن عملی کردن هیچ یک از تحولات در کشور ممکن نبود، بوجود آید. روی همین منظور شاه امان‌الله‌خان ریفورم و برنامه‌های اصلاحات اداری و مالی را آغاز کرد.

امور مالی و اقتصادی

شاه امان‌الله‌خان در مرحله نخست تطبیق اصلاحات به موانع روبه‌رو نگردید، موصوف فشار تحمیل مالیات را بر ملت تخفیف بخشید. مالیات اراضی را از جنس به نقد عوض نمود و تمام افراد مالیه دهنده مستقیماً و بدون وساطت خان و ملک با دفاتر مالی دولت در ارتباط شدند، برای مالیه مواشی قانونی به نام «محصول مواشی» وضع شد.

برای تنظیم امور مالی ادارات، در کابل مکتبی به نام «اصول دفتر داری» ساخته شد که فارغان آن به صفت مامورین مالیه کشور گماشته می‌شدند و به این ترتیب امور حسابی کهنه دولت به سیستم عصری تبدیل شد. مکتب حکام در مرکز تأسیس شده و فارغان آن به حکومت‌های محلی مقرر می‌شدند.

تجارت نیز وسعت یافت، تعدد تعرفه‌های گمرکی داخلی لغو شد، و در نتیجه این ریفورم انکشاف سرمایه داری تسریع گردید، محاکم شرعی و معاملات تجارتي بوجود آمد و شرکت‌ها و کمپنی‌های تجارتي در کابل تأسیس گردید.

دولت امانیه در صدد ساختن فابریکه‌ها و تمدید خط آهن در افغانستان شد و با دو شرکت جرمنی و فرانسوی قراردادها صورت گرفت که طبق آن در ده سال خط آهن از جنوب به شمال افغانستان امتداد می‌یافت.

تمدید لین تیلگراف و تلیفون از مرکز به ولایات کشور زیر دست گرفته شد، استیشن‌های در پغمان و جلال آباد و قندهار زیر کار قرار گرفت، کارخانه‌های ترمیم موتر و پرزه سازی، صابون، عطریات، نختابی، پارچه بافی، پنبه، روغن کشی و نجاری در قندهار، هرات و مزار

شریف تأسیس شد. پوسته هوایی داخلی بین کابل و مزارشریف، و پوسته خارجی بین اتحاد شوروی و افغانستان، ایران و ترکیه ایجاد گردید. بند غازی و بند سراج غزنی تکمیل شد، برای استخراج معادن لاجورد بدخشان، نفت هرات، زغال سنگ، گوگرد، سرب، ابرک، تباشیر و غیره پروگرام‌ها روی دست گرفته شد هم‌چنان پلان تأسیس فابریکه ذوب آهن تحت بررسی قرار گرفت.

در نتیجه این ریفورم عایدات دولت نسبت به سابق بیشتر از دو چند بالا رفت و سالانه از ۸۰ به ۱۸۰ میلیون روپیه افزایش یافت. هم‌چنان سیستم واحد اوزان متریک بوجود آمد و واحد پول از روپیه به افغانی عوض شد.

اداره

دولت از همه بیشتر متوجه تحکیم ثبات و وحدت ملی افغانستان گردید. و این وحدت ملی بر محور برادری، تساوی حقوق مردم افغانستان استوار بود. مطابق ماده هشت قانون اساسی همه افرادیکه در افغانستان زنده گی می‌کنند صرف نظر از مسایل دینی و مذهبی تبعه کشور گفته میشوند نظام سیاسی و دولت از آزادی شخصی افراد حمایت می‌کند. هیچ کس بدون امر شرعی و مجوز قانونی توقیف و مجازات نمی‌شود. تبعیض از نظر نژاد، مذهب و قبیله از بین رفته و به تمام ملت حق مساوی داده شد.

دستگاه دولت به سه قوای (قوه اجرائیه، مقننه و قضائیه) تقسیم گردید. دولت امانیه جهت دفاع از حریم کشور قوای هوایی را تشکیل داد که مشتمل بر ۱۱ طیاره می‌گردید و ۶۵ نفر شاگرد برای تحصیل درین رشته به روسیه، فرانسه و ایتالیا اعزام گردیدند. یک عده دیگر برای تحصیل در رشته‌های نظامی به اتحاد شوروی و ترکیه فرستاده شدند. فابریکه حربی کابل تقویه گردید و مهمات جنگی وارد شده مانند توپ‌های دافع هوا و موترهای زره پوش داخل قوای نظامی شد.

در کابل اداره رادیو ساخته شد و شهر با برق تنویر گردید. از نظر صحتی در کابل و ولایات شفاخانه‌های ملکی و نظامی ایجاد شد و در مرکز شفاخانه مستورات و در پغمان سناتوریم ساخته شد. ماشین‌های اکسیری به کابل وارد شد و جای برای رهائش بیماران روانی و دارالایتام تأسیس گردید.

معارف و امور فرهنگی

طبق ماده ۶۸ قانون اساسی، معارف رایگان و اجباری گردیده تعداد زیاد مکاتب در مرکز و ولایات کشور بنیاد گذاشته شد. در پایتخت بر علاوه مکتب حبیبیه، لیسه امانیه تأسیس

گرفته. اولی به کمک فرانسوی‌ها و دومی به همکاری آلمانی‌ها بوجود آمدند.

هم‌چنان در مرکز و ولایات کشور اضافه تر از ۳۲۲ باب مکتب و یک باب دارالمعلمین در هرات ساخته شد، تعداد متعلمین ابتدایی تا سال ۱۹۲۷م به ۵۱ هزار نفر رسید. در دوره ثانوی و مسلکی سه هزار متعلم تحصیل می‌کردند. و صدها نفر محصل به کشورهای اتحاد شوروی، جرمنی، فرانسه، ایتالیا و ترکیه برای تحصیل فرستاده شدند.

هم‌چنان یک کتابخانه ملی تأسیس شد که امروز به نام کتابخانه عامه معروف است. در کنار این کارها یک سینما در شهر کابل و یک تیاتر در پغمان ایجاد شد و سیزده جریده و مجله به مصرف دولت در کابل و ولایات منتشر می‌شد. مانند جریده ارشادالنسوان، جریده اتحاد مشرقی، روزنامه افغان، مجله معارف، جریده امان افغان، جریده بیداری، روزنامه حقیقت و غیره... مطبوعات داخلی آزاد شد و برای نشر جریده و روزنامه‌های شخصی زمینه مساعد شد که میتوان به گونه مثال از جریده انیس، نسیم سحر و نوروز نام برد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به اصلاحات مالی و اقتصادی شاه امان‌الله‌خان و گروه دوم راجع به اصلاحات اداری نام‌برده بین هم گفتگو نمایند.

سؤالات:



۱. اصلاحات امان‌الله‌خان شامل چند مرحله بود؟ هر مرحله آن‌را با تذکر تاریخ آن بیان دارید.
۲. شاه امان‌الله به کدام هدف اصلاحات را آغاز کرد؟
۳. نخستین قانون اساسی افغانستان در کدام سال و در کجا به تصویب رسید؟
۴. از نظر تشکل اداره، دولت امانی بر کدام قوا استوار بود؟
۵. در اصلاحات فرهنگی امان‌الله‌خان کدام کارها در عرصه معارف صورت گرفت، آن‌را مختصراً شرح دهید؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان راجع به اصلاحات فرهنگی زمان شاه امان‌الله‌خان معلومات حاصل و آن‌را در صنف ارائه نمایند.

سفر اروپایی شاه امان‌الله خان غازی (۱۹۲۷م - ۱۳۰۶ هـ ش)



ضرورت سفر شاه امان‌الله خان، دست آوردهای سفر، عکس العمل‌ها در رابطه به سفر، سؤ استفاده نیروهای فرصت طلب از غیبت طولانی شاه مفاهیمی است که در این متن پیرامون آن معلومات ارائه شده است.

شاه امان‌الله غازی در سال (۱۳۰۵ هـ ش) در مجلس عالی وزراء و شورای دولت کمبود سامان آلات و وسایل پیشرفت، ترقی و عصری کردن افغانستان را مورد غور و بحث قرار داد که باید بزرگترین و بهترین سامان آلات برای پیشرفت معارف، مطبوعات، عمران، مخابرات جدید، صنعت و زراعت افغانستان از ممالک اروپایی خریداری و مهیا گردد و برای این کار اشخاص مسلکی و کار فهم انتخاب و در فرصت مناسب به جانب اروپا اعزام گردند.

مجلس وزرا تصویب نمود که برای برآورده ساختن این همه مقاصد علمی و فنی خود شخص شاه غازی ریاست هیأت را عهده دار شود زیرا که نام‌برده بزرگترین و منورترین مرد معارف خواه بود. و هم از طرف دیگر چون از سال (۱۳۰۱ هـ ش) به بعد دعوت نامه‌های رسمی از طرف چندین کشور موصلت و خواهش شده بود که پادشاه افغانستان از کشورهای شان دیدن نماید همین بود که شاه امان‌الله خان همراه با ملکه ثریا و اعضای عالی رتبه دولت عازم اروپا گردیدند و در اوایل برج دسامبر سال ۱۹۲۷م مطابق ماه قوس (۱۳۰۶ هـ ش) بعد از مراسم وداعیه از کابل به جانب قندهار حرکت نمود و بعد از پذیرایی گرم مردم در قندهار به طرف چمن و بعداً از راه کویت به شهر کراچی موصلت نمودند. در جریان اقامت در کراچی از

میدان هوایی و فابریکه ترمیم طیاره، دیدن به عمل آورد. طبق پروگرام رسمی عازم بندر بمبئی گردیدند. چون شخص شاه با زبان های ترکی و فرانسوی آشنایی داشت تعداد ترجمان ها نیز با ایشان همراه بودند و هم چنان سفراء و نماینده گان افغانی در خارج کشور مطابق پروگرام وظایف معین داشتند که از این لحاظ به کدام مشکل مواجه نگردند.

شاه امان الله خان بعد از رسیدن به بمبئی از طرف مسلمانان، افغان های مقیم هند و هندوها که به دو طرف جاده ها صف بسته بودند با صدا های بلند، (غازی پادشاه زنده باد) استقبال شد و مردم آن قدر جذبات از خود نشان دادند که انگلیس ها را سخت پریشان ساختند به خاطریکه شاه امان الله خان در جهان اسلام از محبوبیت خاص برخوردار بود. شاه غازی در تمام گفتار های خود از آزادی مردم هند و سایر ملل محروم از استقلال صحبت می نمودند. شاه امان الله خان در جریان اقامت شان در هند به مردم آن کشور چنین خطاب نمود: «آزادی بخشیده نمی شود، بلکه به نیرو و ضرب شمشیر بدست آورده می شود».

شاه امان الله خان بعد از دیدار با زعماء و انجمن های هند، به عدن و از آن جا به مصر سفر نمود. که از طرف فواد اول پادشاه مصر و مردم آن کشور استقبال گردید. بعد از دیدن و مشاهده آبادات تاریخی آن کشور به اسکندریه رفت و از طریق بحیره مدیترانه عازم ایتالیا شد، در روم پذیرایی خوبی از امان الله خان صورت گرفت و با ویکتور امانیول پادشاه، ملکه و ولیعهد ایتالیا ملاقات کاری نمود. پادشاه ایتالیا در نطق خود کارهای خسته گی ناپذیر شاه امان الله خان را توصیف و تمجید کرد و خواستار روابط دوستانه با افغانستان شد و شاه امان الله بعد از ایتالیا جانب فرانسه را در پیش گرفت که از طرف رئیس جمهور فرانسه استقبال گرم شد و در آن جا پیرامون موضوعات مورد علاقه از قبیل خریداری طیارات، تفنگ، مهمات و پذیرفتن طلاب افغانی جهت فراگرفتن تحصیلات در فرانسه، اعزام معلمین لایق به مکتب استقلال و ادامه همکاری در قسمت حفريات باستان شناسی و سایر ضرورت های علمی و تخنیکي توافق صورت گرفت و هم از دولت فرانسه تقاضا گردید تا یک موزیم در کابل به سلیقه فرانسوی اعمار و تأسیس گردد. از بزرگترین افتخاراتی که شاه امان الله خان در سفر فرانسه حاصل کرد این بود که شاروال پاریس در مورد چنین اظهار نمود: «تحفه قابل شان شما را نداریم که تقدیم کنیم لهذا شهر پاریس را در خدمت تان تقدیم می کنم» و دیگر این که چپرکت خوابگاه ناپلیون را جهت استراحت شاه امان الله خان گذاشتند.

شاه امان الله خان از آن جا به بروکسل، بلژیک و سویس سفر نمودند متعاقباً عازم آلمان شدند و در آن جا از طرف رئیس جمهور آلمان (فون هنون بورگ) و اراکین دولت پذیرایی گردید. و

هم‌چنان در کشور آلمان از دهمین سالگرد استقلال افغانستان تجلیل به عمل آمد و یک فروند طیاره از طرف کشور آلمان به شاه امان‌الله‌خان هدیه داده شد.

شاه امان‌الله‌خان بعد از سفر آلمان به انگلستان رفت و در آن‌جا از طرف پادشاه انگلیس (جارج پنجم) و ملکه آن کشور استقبال و پذیرایی گردید و امان‌الله‌خان در لندن قوای هوایی انگلیس را مشاهده نمود همچنین از پوهنتون آکسفورد و بعضی محلات دیگر نیز دیدن نمودند که از طرف پوهنتون مذکور دکتورای افتخاری حقوق برای شاه اعطاء گردید. این اولین شخصیت افغانی بود که به اخذ دکتورای افتخاری حقوق نایل آمد.

شاه امان‌الله‌خان به تعقیب سفر انگلستان به روسیه شوروی سفر نمود و انگلس‌ها با این سفر شاه مخالف بودند که نباید امان‌الله‌خان با روسیه مناسبات دوستی داشته باشد شاه امان‌الله‌خان در روسیه از طرف رئیس‌جمهور (کالنین) و دیگر اعضای عالی رتبه دولتی مورد استقبال گرم قرار گرفت و این اولین قهرمان افغان بود که در روسیه شوروی به گرمی استقبال شد. در نتیجه این سفر یک سلسله معاهدات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی عقد گردید.

شاه جوان در پایان سفر روسیه به طرف ترکیه حرکت کرد، در ترکیه از طرف مصطفی کمال (اتاترک) رئیس‌جمهور ترکیه و عصمت انونو صدراعظم و دیگر اراکین دولتی استقبال گردید. در این سفر هردو کشور خواهان استحکام دوستی، تحکیم روابط سیاسی، تجارتی و فرهنگی گردیدند.

شاه امان‌الله‌خان بعد از دیدار یازده کشور آسیایی و اروپایی اراده سفر به کشور ایران نمود، که بعد از مواصلت به تهران از طرف رضاه شاه پهلوی پذیرایی گرم شد. شاه و ملت ایران به کارنامه‌هایی که شاه امان‌الله‌خان که در مدت ۹ سال زمام داری انجام داده بود به دیده قدر می‌دیدند و هم‌چنان در ایران معاهدات بین هردو کشور به امضا رسید. مشکلات سرحدی که بین ایران و ترکیه موجود بود به اثر سعی و کوشش او رفع گردید شاه بعد از سفر ایران دوباره به افغانستان عودت نمود.

دیدار شاه امان‌الله از دو کشور اسلامی (ترکیه و ایران) و کشورهای اروپایی برای افغانستان اهمیت زیاد داشت. در نتیجه موقف افغانستان مستحکم و اعتبار آن در عرصه بین‌المللی بلند رفت. تماس‌های نام‌برده با رهبران دول اروپایی و آسیایی نشان دهنده آن بود که افغانستان به عنوان یک کشور مستقل می‌تواند با تمام کشورهای جهان رابطه دوستانه را بر اساس برابری و احترام متقابل برقرار سازد.

دیدار شاه امان‌الله‌خان از اتحاد شوروی، عقد قراردادها با ترکیه و ایران نشان داد که تلاش‌های انگلیس به منظور تأمین نفوذ مجدد آن‌ها در افغانستان نقش بر آب گردید. او در این

سفر موفق شد توجه محافل برخی از کشورهای اروپایی را به امکانات وسیع همکاری اقتصادی به افغانستان جلب کند.

ملکه ثریا خانم امیرامان‌الله‌خان که یکی از زنان نامور افغانستان می‌باشد در این سفر اروپایی شاه جوان را همراهی نمود. ملکه ثریا سومین دختر محمود طرزی، زن فاضل، عالم، سخنور، دانش پرور و مردم دوست بود. این زن سخنور در سال ۱۲۹۳ شمسی با شهزاده امان‌الله‌خان ازدواج نمود. ملکه ثریا یکی از مشوقین امیر امان‌الله در انتشار فرهنگ و تمدن جدید، تأمین حقوق و آزادی نسوان و اعتلا و ترقی کشور بوده است، چنان‌چه یکی از خبرنگاران و نماینده مجله (هوهلو) فرانسوی در جریان اقامت امیرامان‌الله‌خان و هیئت همراه او در فرانسه که با ملکه ثریا ملاقات و مصاحبه نموده بود چنین می‌نگارد:

«من با خیلی از ملکه‌ها و زنان درجه اول ملاقات و مصاحبه کرده‌ام، کمتر زنی را به متانت، ذهانت و معلومات ملکه افغانستان دیده‌ام. از این ملاقات مرا یقین حاصل شد. محیط افغانستان که چنین ملکه می‌پروراند، مستعد و قابل همه گونه ترقی و همدوشی با ممالک متری دنیا می‌باشد».

سفر شاه امان‌الله‌خان مدت شش ماه طول کشید. این سفر از یک طرف پیامد های خوب برای افغانستان داشت از جانب دیگر از اثر غیابت طولانی شاه امنیت کشور، اداره مملکت گسسته و زمینه خوب تطبیق پلان های مخالفین مساعد گردید. به همین علت بود که عواقب ناگوار و خسارات هنگفتی برای افغانستان به بار آورد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به علل سفر شاه امان‌الله‌خان به اروپا و گروه دوم راجع به دست آوردها و نتایج آن سفر بین هم گفتگو نمایند.

سوالات:



۱. سفر اروپایی امان‌الله‌خان چند ماه طول کشید و به کدام کشورها سفر نمود.
۲. راجع به استقبال شاه امان‌الله‌خان در هند مختصراً معلومات دهید.
۳. علل دسایس علیه شاه امان‌الله‌خان چی بود.

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان از روی منابع و مآخذ راجع به پیامد های سفر شاه امان‌الله‌خان به اروپا مطالبی تهیه و در صنف قرائت نمایند.

عکس العمل در برابر اصلاحات



چرا اصلاحات شاه امان‌الله خان به عکس العمل مواجه گردید، عوامل داخلی و خارجی تا کدام حد در آن نقش داشت؟ در این درس پاسخ این سوال‌های را درمی‌یابیم.

استرداد استقلال کشور که در نتیجه قربانی‌های مردم افغانستان تحت رهنمایی غازی امان‌الله خان حاصل گردید، پیروزی بزرگی علیه استعمارگران انگلیسی بود. افغان‌ها توانستند دولت جوان و مستقل افغانستان را تشکیل دهند، کشور ما که از یوغ استعمار آزاد گردیده بود ضرورت به اصلاحات و تحول در همه عرصه‌ها (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره) داشت از این‌رو شاه امان‌الله خان زمانی که امور مملکت را بدست آورد، دست به اصلاحات زد تا بتواند کشور را در قطار ممالک پیشرفته جهان قرار دهد. اصلاحات و ریفورم آغاز گردید و مورد قبول اکثریت افغان‌ها قرار گرفت، ولی عده‌ای از مردم نظر به تحریک انگلیس‌ها در قبال اصلاحات عکس العمل‌های منفی نشان دادند. چون انگلیس‌ها می‌خواستند با ایجاد اغتشاشات داخلی دولت جوان افغانستان را ضعیف ساخته و از بین ببرند.

انگلیس‌ها از سیاست (تفرقه انداز و حکومت کن) کار گرفت و در بعضی مناطق دستگاه‌های جاسوسی آن به کار افتاد. قانون جزا با مخالفت مردم منگل مواجه شد. تصویب قانون جدید عکس العمل‌های حلقه‌های مذهبی را در پی داشت. تعداد از روحانیون در سمت پکتیا به مخالفت مباردورت ورزیدند. در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی مصادف به ۱۹۲۹ میلادی امان‌الله خان کوشش نمود تا از راه گفتگو و مفاهمه موضوع را حل نماید و هیئت‌ها و ملا امامان مساجد را به پکتیا اعزام نمود تا روحانیون را قانع سازد، ولی آن‌ها نه پذیرفتند همین بود که مخالفت به رهبری ملا عبدالله در پکتیا آغاز شد و تا لوگر سرایت کرد. دولت در مقابل آن‌ها مقاومت کرده و مخالفین را خاموش ساخت.

شاه امان‌الله خان برای معرفی افغانستان و جلب کمک‌های خارجی سفر طولانی به آسیا و اروپا نمود که از اثر غیابت طولانی نام‌برده دشمن خارجی استفاده نموده و زمینه خوب برای تطبیق پلان‌های شوم شان مساعد گردید.

زمانی که شاه امان‌الله خان از سفر اروپا برگشت علاقه اش به اصلاحات و ترقیات بیشتر شد و به پروسه اصلاحات و ریفورم دچار شتابزده گی بیشتر شد.

امان‌الله خان از یک طرف کشورهای متمدن و مرقی جهان را دیده بود، می‌خواست افغانستان نیز به چنان انکشاف و ترقی نایل آید و از احتیاج کشورهای دیگر فارغ گردد و از جانب دیگر تعداد از حلقات معین یکجا با دشمن بزرگ خارجی (انگلیس) علیه تطبیق این تحولات قرار گرفت.

برخلاف دولت مستقل امانی طرح توطئه بزرگی ریخته شد، دسته‌های پراکنده مخالفین تمرکز یافت و عملیات نظامی آغاز گردید، مخالفین دولت در دو جبهه (شرق و شمال) مصروف فعالیت گردیدند. طرح این پلان طوری بود که اغتشاش نخست از جبهه شرق آغاز شود تا دولت

مجبور به سوقیات سپاه گردیده و پایتخت از عساکر تخلیه شود و بعداً از جبهه شمال شهر کابل شورشیان (کوهدامن و کوهستان) بر پایتخت بی دفاع بریزند و به سرعت دولت را سقوط دهند، باید گفت که البته تعدادی از مامورین عالی رتبه دولت شاه امان الله نیز با شورشیان کمک کردند.

در روز هائی که در شرق، مردم شینوار بغاوت کردند و شورش در آن منطقه بر پا شد، در شمال راه کابل توسط حبیب الله کلکانی که مشهور به بچه سقاو بود مسدود گردید. حبیب الله (بچه سقاو) روابط خویش را با علی احمد خان والی کابل که از طرف دولت آن وقت به خاطر حل معضلات به کوهدامن مامور شده بود، داخل مذاکره شد هیت اعزامی عوض این که به سود دولت کار نماید برعکس به خاطر نفع شخصی خویش با گروه کلکانی در خفا روابط قایم ساخت. هم چنان اشخاص دیگر فرصت طلب نیز با حبیب الله کلکانی همکاری نمودند.

حبیب الله کلکانی با همکاری عده از مامورین عالی رتبه دولتی که در خفا به خاطر منافع شخصی خود بر ضد دولت قرار گرفته بودند، در اخیر دسامبر سال ۱۹۲۸ بر کابل حمله نمود. چون شاه امان الله نخواست خونریزی زیاد صورت بگیرد در اوایل جنوری ۱۹۲۹ میلادی از پادشاهی استعفا داد و به قندهار رفت از آن جا به کشور ایتالیا سفر نموده و تا پایان عمر در همان جا مسکن گزین شد.

برادر امان الله خان سردار عنایت الله خان مدت سه روز اقتدار را در دست گرفت و بعداً حبیب الله (بچه سقاو) ارگ را محاصره نموده و سردار عنایت الله به قندهار عقب نشینی کرد. به این ترتیب حبیب الله کلکانی بر شهر کابل حاکم گردیده و با بدست آوردن قدرت اعلان پادشاهی کرد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به عوامل عکس العمل در برابر اصلاحات امان‌الله‌خان و گروه دوم راجع به تحریکات انگلیس بر ضد افغانستان بین هم گفتگو نمایند.

سؤالات:



۱. کدام عوامل باعث شد تا یک تعداد مردم از اصلاحات دولت امانی ناراض شدند؟
۲. اولین شورش ضد دولتی در کجا بوجود آمد، نتیجه آن چه شد مختصراً شرح دهید؟
۳. راجع به سقوط کابل توسط حبیب الله کلکانی هرچه میدانید بنویسید.

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان به کمک دانشمندان، معلمین و منابع دست داشته خود راجع به عوامل ضدیت یکعده مردم افغانستان علیه اصلاحات امانی مطلب تهیه و آنرا در صنف به دیگر همصنفان قرائت نمایند.

ختم بحران و تحکیم قدرت (۱۹۲۹م - ۱۳۰۸ هـ ش)



سردار محمد نادر شاه

سردار محمد نادر خان چگونه
به قدرت رسید، دست به کدام
اصلاحات زد، شورش‌ها را چگونه
خاموش ساخت؟ با این مفاهیم در
مبحث زیر آشنا می‌شوید.

حکمروایی ۹ ماهه حبیب الله کلکانی کابل را از هر حیث خساره مند ساخت. کشور ۹ ماه در هرج و مرج به سر برد، از این که مردم افغانستان از این حالت ناراض شده کاملاً برای تحول آماده بودند درین زمان محمد نادر خان که یکی از فاتحین جبهه جنوبی و سپاه سالار دوره امانی بود، به کمک و همکاری مردم در ۱۵ اکتوبر ۱۹۲۹م وارد کابل شد. و به قصر سلام خانه رفت، در آن جا یک تعداد زیاد از معززین کابل، سران و بزرگان قبایل حضور داشتند. محمد نادر خان در یک خطابه به آنها چنین گفت: «به فضل خداوند عزوجل من به آرمان خود رسیدم، آرزوی من نجات وطن بود و اینک امروز این آرمان من برآورده شد، من علاقه مند قدرت نیستم یک لویه جرگه را دایر میکنم تا آنها زعیم خود را انتخاب نمایند». در این هنگام حاضرین گفتند که به لویه جرگه ضرورت نیست

شما پادشاه ما هستید و هم‌چنان اعضای مجلس اظهار نمودند که «در مجلس فعلی اکثریت اعضای لویه جرگه سابقه حضور دارند. بعد از آن حضرت مجددی (نورالمشایخ) بر سر محمد نادرخان دستار را به شکل تاج و جوغه گذاشت و به این ترتیب محمدنادر خان پادشاه افغانستان شد.

محمدنادر شاه در کابل به سلطنت آغاز کرد، نام‌برده با چالش‌های جدی روبه‌رو بود. مخالفت طرف‌داران امان‌الله‌خان از یک‌طرف، دست‌اندازی انگلیس‌ها به کشور و بقایای حکومت حبیب‌الله کلکانی از طرف دیگر باعث شد تا دفاتر دولتی و ادارات حکومتی شهر کابل که در ۹ ماه حاکمیت (حبیب‌الله کلکانی) تخریب، اکثر نهادها چور و چپاول و یا هم‌قسماً نابود شده بود، توجه بیشتر پادشاه و اراکین دولت جدید را به خود جلب نمود تا مؤسسات دولتی و هم‌ارگ شاهی به اسرع وقت ترمیم گردد تا پادشاه با خانواده‌اش در آن‌جا مسکن‌گزین شود.

دوره سلطنت محمدنادرشاه با هردو دوره قبلی (شاه امان‌الله‌خان و حبیب‌الله کلکانی) فرق داشت. این دوره نه‌مانند دوره امان‌الله‌خان که خواهان سرعت زیاد در اصلاحات بود و نه‌مانند دوره حبیب‌الله کلکانی که دشمنی با مدنیت داشت. که مالیات و عایدات دولتی را به مردم و بیت‌المال را به سپاهیان خویش می‌بخشید.

محمدنادرشاه یک شخص هوشیار، با تدبیر و آگاه بود موصوف در رأس دولت قرار گرفت و برادرش سردار محمد هاشم خان که شخص بسیار با انضباط بود (به صفت صدراعظم) توظیف گردید. بقیه اراکین دولتی از جمله اشخاص صاحب تدبیر در چوکات حکومت صاحب صلاحیت بودند، اگرچه او حکومت و صدارت را به برادر خود محمدهاشم سپرد، ولی کلید کارهای اساسی را نزد خود نگهداشته بود.

در زمان سلطنت محمد نادرشاه برخی اصلاحات زیر بنایی به میان آمد، پوهنتون کابل تأسیس گردید، اساس بانک ملی گذاشته شد، انجمن ادبی بوجود آمد، سالنامه که از ابتکارات شخص شاه بود طبع شد و خود شاه کارهایی مطبوعه را از نزدیک نظارت و کنترل می نمود، به همین شکل کارهای زیادی بنیادی در آن زمان عملی گردید.

از نقطه نظر امنیت مشکلات زیادی در دوره نادرخان موجود بود، بعد از شکست حبیب الله کلکانی موضوع به این ساده گی خاتمه نیافت بلکه عکس العمل هایی وجود داشت، چنانچه در ماه جون سال ۱۹۳۰م آن عده از اقوام شمال که در حکم روائی حبیب الله کلکانی منافع شان تأمین بود، با قوت عظیم دست به شورش زدند که در ابتدا از طرف نادرخان به آنان توصیه گردیده تا از قیام دست بردارند ولی از طرف آنان قبول نشد، بعداً محمدنادر شاه مجبور به اقدام شده و امنیت را تأمین نمود.

در سال ۱۹۳۲م در خوست ملا لیونی بر ضد حکومت بغاوت نمود و نادرخان به سرعت جلو آن را گرفت. از طرف دیگر یک تعداد طرف داران دوره امانی نیز بر ضد حکومت جدید مشکلات خلق می کردند. نادرخان در راه تأمین قدرت دولتی شورش ها را خاموش و اشخاص مخالف خود را از صحنه بیرون ساخت.

محمدنادرشاه و صدراعظم محمد هاشم خان متوجه داشتن روابط نیک با علمای دین بوده و علماً از احترام خاص برخوردار بودند. نادرشاه شخص با فرهنگ بود به همین سبب خواست صدماتی را که به فرهنگ رسیده بود، جیره کند یکی از کارهای فرهنگی او نصب مدال به سینه محصلین و شاگردان بوده زیرا او شاگردان را به درس و تحصیل تشویق می نمود.

محمد نادرشاه در مدت ۴ سال سلطنت خود توانست، بحرانی را که در سراسر افغانستان بوجود آمده بود پایان داده و قدرت دولتی را تحکیم بخشید و مرکزیت واحد

را بوجود آورد.

محمد نادرشاه در ۸ نوامبر سال ۱۹۳۳م در حالی که مصروف توزیع مدال‌ها برای شاگردان در چمن قصر دلکشا بود، با ضرب تفنگچه یک تن متعلم به نام عبدالخالق به قتل رسید و به این ترتیب دوره چهار ساله موصوف به پایان رسید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به شخصیت نادرشاه و عوامل به قدرت رسیدن و گروه دوم راجع به کارنامه‌های نام‌برده بین هم بحث نمایند.

سوالات:



۱. زمانی که محمد نادرشاه اقتدار را به دست گرفت با کدام چالش‌ها روبه‌رو بود؟
۲. اقدامات مهم سلطنت محمد نادر شاه را توضیح نمایید.
۳. محمد نادرشاه بعد از چند سال سلطنت و به چه شکل به قتل رسید؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان راجع به سیاست و پالیسی محمد نادرشاه در امور دولت داری به همکاری استادان و منابع دست‌داشته مطلب تهیه نموده و آن‌را در صنف قرائت نمایند.

ترتیب و تدوین اصولنامه



سردار محمد هاشم خان

ضرورت اصولنامه، ترتیب و تدوین آن، بحران‌های اقتصادی و تدابیر رفع آن مطالبی است که در این درس راجع به آن معلومات داده می‌شود.

کشور بدون قانون در حالت خلا واقع بود، بناءً نادر شاه به فکر آوردن قانونیت در کشور گردید. وی می‌دانست تا زمانی که یک دولت بر بنیاد قانون متکی نباشد، آن دولت نه تنها بقای خود را نیافته بلکه موجودیت وطن را در مخاطره می‌اندازد. موصوف درک کرده بود که نظامنامه‌های دولت امانی با حساسیت‌های روبه‌رو بود و هم‌چنان پلان‌های منظم مطرح شده بود تا دولت محمد نادر شاه را از ریشه بر کند، دستان خارجی و اجیران داخلی کار می‌نمودند که بحران را به میان آورند. محمد نادرشاه زیرکانه با استفاده از فرصت همان قوانین را که در دوره امانی به‌نام نظامنامه یاد می‌شد با تفسیر اندک به‌نام اصولنامه نافذ ساخت. محمدنادر شاه توسط یک هیأت با صلاحیت، اصولنامه (قانون اساسی) را تدوین

کرد، این همان نظامنامه اساسی بود که حیثیت مادر قوانین را دارا بود.

در اصولنامه اساسی فصل حقوق شاه تعدیل و در آن به جای امان الله خان نام محمدنادر شاه آورده شد، به جای شورای دولتی شورای ملی و مجلس اعیان داخل اصولنامه گردید.

همچنان اصولنامه انتخابات شورای ملی را ترتیب، و این هردو به اجلاس لویه جرگه ۲۸ سنبله ۱۳۰۹ هـ ش تقدیم نموده که تصویب شد. بر اساس همین قانون انتخابات جلسه شورای ملی در ۱۴ سرطان سال ۱۳۱۰ در مقر سلامخانه از طرف پادشاه افتتاح گردید و کشور به یک مرحله قانونی داخل شد. این اصولنامه اساسی تا سال ۱۳۴۳ هـ ش نافذ بود و در مطابقت با آن تعدادی از لوایح و مقررها ترتیب و تحت تطبیق قرار گرفتند.

تطبیق قوانین بدست صدراعظم و وزیران بود، محمدهاشم خان که ۱۸ سال صدراعظم افغانستان بود اکثراً در تشکیل شورا نقش بازی می کرد.

عبدالاحدخان مایاروردک از سال ۱۹۳۲ م تا ۱۹۴۶ م که سال اخیر ماموریت سردار محمدهاشم خان بود به طور مسلسل رئیس شورای ملی بود، زیرا این شخص مورد اعتماد صدراعظم بود و نظر به درایت، شورا را نیز خوب اداره می کرد.

محمدنادر شاه از این که خواستار روابط نیک با علمای دین بود، خواست که موقف علمای دین را ارج گذاری نماید که به این ترتیب امر نمود در تدوین تمام اصولنامه ها مشوره علمای دینی گرفته شود تا قوانین مطابق شریعت اسلامی تدوین گردد. درین مورد از قبل با ایشان مشوره صورت می گرفت.

به خاطر پیشبرد امورات هرچه بهتر دینی مجلس (جمعیت العلماء) را تأسیس نمود از خزانه شاهی یک سلسله امتیازات برای علمای دین پرداخته می شد.

به تعقیب آن دارالعلوم عربی را در کابل تأسیس نمود که ملاهای مجرب و علمای دین

را به حیث مدرس آن مقرر می نمود و عبدالرحمن خان را به حیث رئیس آن توظیف ساخت.

چون که محمدنادر خان در یک وقت بسیار حساس زمام امور افغانستان را در دست گرفت. سال های ۱۹۲۹م و ۱۹۳۰م سال های بحران اقتصادی بود و شرکت های عظیم در تمام اروپا، آسیا و حتی امریکا با رکود مواجه شدند. یک فقر خطرناک دامن گیر جهان گردید. این وضع که مولود عواقب و پیامدهای جنگ جهانی اول بود در هر طرف تباهی را منتشر و افغانستان نیز به صورت غیر مستقیم در بین بحران دست و پنجه می زد، علاوه بر آن آفت دیگری (جنگ های داخلی) بود اقتصاد افغانستان ضعیف شده و خزانه کابل چور و چپاول گردیده بود.

محمدنادر شاه می خواست تا یک سیستم قانونی را در ساحه اقتصاد در پیش گیرد که به اساس آن برخی از مردمان آگاه و لایق را که دارای تجارب کافی و مسلکی بودند در دولت سهم سازند، شاهراه کابل مزار شریف، هرات و قندهار را تأسیس نمود، هم چنان برخی از شرکت های تجاری تأسیس و اجازه فعالیت یافتند.

سرمایه داران بر دولت اعتماد نمودند و به همین سبب پول های را کد شده را به کار انداختند که در این کار نقش عبدالمجید زابلی قابل تذکر است به همین سبب نام برده مدت زیادی در دوره پادشاهی محمد ظاهر شاه وزیر تجارت و اقتصاد بود چنانچه در صنعتی ساختن کشور نقش فعال و مهم داشت، موصوف فابریکه های زیادی را به کار انداخت و برای افغانستان خدمات شایانی را انجام داد.

در اثر توجه زیاد محمدنادر شاه و سردار محمد هاشم خان اکثریت تخریبات ترمیم و اقتصاد کشور رو به انکشاف نهاد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به تدوین اصولنامه و گروه دوم راجع به برنامه‌های اقتصادی محمدنادر شاه بین هم گفتگو نمایند.

سؤالات:

۱. اصولنامه زمان محمد نادر شاه را مختصراً توضیح نمائید.
۲. روابط محمدنادر شاه با علمای دین از چه قرار بود؟ آنرا شرح دهید.
۳. محمدنادر شاه در عرصه اقتصادی چه کارهایی را انجام داد آنرا مختصراً شرح دهید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در رابطه به اصولنامه و قوانین دوره محمدنادر شاه از بزرگان و دانشمندان مطلب تهیه نموده و آنرا در صنف قرائت نمایند.

سلطنت محمد ظاهر شاه



شهزاده محمد ظاهر چگونه
به اریکه قدرت رسید؟ سال‌های
بحران و جنگ دوم جهانی،
تاثیرات آن بالای افغانستان، نقش
محمد هاشم خان صدر اعظم در
رفع بحران موضوعاتی است که
در متن ذیل به آن آشنا می‌شوید.

بعد از آن که محمدنادر شاه به قتل رسید شورای فامیلی دایر و مطابق ماده (۵) اصول اساسی محمد ظاهر شاه فرزند محمدنادر شاه را که ۱۹ سال عمر داشت به پادشاهی برگزید، مطابق اصولنامه اساسی همه ملت به وی بیعت نمود، نام او در خطبه خوانده شده و سکه به نامش ضرب زده شد و محمد ظاهر شاه لقب المتوکل علی الله را نیز اختیار نمود که بیش از چهل سال ضمیمه نام او بود.

از این که محمد ظاهر شاه خورد سال بود و تجربه کاری را نداشت. فشار تمام کارها بر دوش کاکای بزرگ او سردار محمد هاشم خان قرار گرفت. زمانی که محمد ظاهر شاه پادشاه گردید او فوراً کاکای خود سردار محمد هاشم خان صدر اعظم سابقه را یکبار دیگر مامور تشکیل کابینه نمود و او هم کابینه خود را به پادشاه معرفی نموده و به کار آغاز کرد.

در اوایل سلطنت محمدظاهر شاه واقعه بزرگ تاریخی (جنگ دوم جهانی) بوقوع پیوست. جنگ دوم جهانی که در سال ۱۹۳۹ آغاز تا ۱۹۴۵ میلادی ادامه داشت، شعله‌های آن جنگ از اروپا بلند شده بسیار زود به آسیا و دیگر قسمت‌های جهان سرایت نمود. طرفین این جنگ (آلمان، ایتالیا، جاپان و کشورهای کوچک اروپای شرقی) به نام محور و (انگلستان، فرانسه، اتحاد شوروی، ایالات متحده آمریکا و یک تعداد کشورهای اروپایی) به نام متفقین یاد می‌گردند درگیر جنگ بودند.

کشورهایی که در جنگ جهانی دوم مستقیماً درگیر بودند، از نگاه مالی و جانی بسیار خساره مند شدند و نیز اثرات سوء آن تمام کشورهای دنیا را متأثر ساخت.

در دوران این جنگ روسیه شوروی در شمال، ایران در غرب و هند برتانوی در جنوب افغانستان خساره مند شدند. محمدظاهر شاه و سردار محمدهاشم خان صدراعظم وقت طی فرمان بی طرفی افغانستان را اعلان کردند. سردار محمدهاشم خان با تدبیر بزرگ نه تنها افغانستان را از شعله‌های جنگ جهانی نجات داده و وطن را از خسارات و زیان‌های احتمالی محفوظ ساخت بلکه با وجود مشکلات اقتصادی اسعار زیاد نیز ذخیره نموده که بعدها در پروژه‌های انکشافی از آن کار گرفته شد.

هنگامی که جنگ شدت یافت نیروهای محور از راه اروپای شرقی به خاک روسیه داخل شدند.

از این که یک تعداد انجیران آلمانی و ایتالوی در برخی از پروژه‌های افغانستان مصروف کار بودند. روسیه شوروی و هند برتانوی در مورد آنان اظهار تشویش و نگرانی می‌کردند و به افغانستان یادداشت‌های دادند تا آلمانی‌ها و ایتالیوی‌ها را از خاک خود خارج سازند، افغانستان با قبول برخی شرایط این پیشنهاد اظهار رضایت نموده و کارمندان مذکور را

باعزت از افغانستان خارج نمودند.

سردار محمد هاشم خان صدراعظم وقت، توانست تا اوضاع افغانستان را عادی نگهدارد. سنگینی جنگ بالای افغانستان نیز تأثیرات سوء داشت و بعضی مشکلات امنیتی را به میان آورد که با در نظر داشت شرایط آن زمان و تدبیر سردار محمد هاشم خان مرفوع گردید.

بی طرفی افغانستان باعث شد تا کشور مورد هجوم نیروهای متفقین قرار نگیرد، این کار به ذات خویش استحکام استقلال افغانستان تقویه امنیت در منطقه شرق میانه و شرق نزدیک گردید.

جنگ دوم جهانی در عرصه اقتصادی نیز بر افغانستان تأثیر منفی وارد کرد، حمله آلمان بر اتحاد شوروی و در نتیجه تجاوز جاپان در منطقه بحرالکاهل، تجارت افغانستان با کشورهای محور و یک تعداد کشورهای اروپایی و آسیایی که در ساحه جنگ واقع بودند قطع شد، تجارت بین افغانستان و اتحاد شوروی نیز به سطح پایین قرار گرفت و تنها با هندوستان (هند برتانوی) روابط تجارتي برقرار بود. در اثر کمبود مواد و اجناس وارداتی به کشور، قیمت مواد غذایی بالا رفت، نرخ اجناس بین سال (۱۹۳۹-۱۹۴۵م) چهار الی پنج چند بلند رفت.

حکومت برای جلوگیری از گران فروشی و تنظیم قیمت‌ها در زمینه محصولات غذایی و اجناس صنعتی تدابیر جدی را اتخاذ نمود.

فعالیت داخل صنف



شاگردان در رابطه به بی طرفی افغانستان در جنگ دوم جهانی و پیامدهای آن بین هم بحث نمایند.

سوالات:



۱. چگونه گی به قدرت رسیدن محمدظاهر شاه را بیان دارید؟
۲. نیروهای جنگی طرفین در جنگ دوم جهانی به چه ترتیب تقسیم بندی شده بودند؟
۳. سردار محمد هاشم خان شخصیت بزرگ و صدراعظم وقت برای رفاه افغانستان در زمان جنگ دوم جهانی چه اقدامات و کارهایی نمود؟
۴. بی طرفی افغانستان در جنگ دوم جهانی در عرصه سیاسی چه رول را بازی کرد؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان از بزرگان خویش در رابطه به شخصیت محمدظاهر شاه معلومات گرفته آنرا در صنف قرائت نمایند.

اولین پلان پنج ساله (۱۹۵۶م) (۱۳۳۵ هـ ش)



سردار محمد داود خان

ضرورت پلان پنج ساله اول،
نقش سردار محمد داود خان
صدراعظم در تکمیل و عملی
کردن پلان مذکور، دستاوردهای
پلان پنج ساله اول مفاهیمی
است که درین درس پیرامون
آن معلومات ارائه گردیده است.

در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ابتدا محمد هاشم خان مقام صدارت عظمی را عهده دار بود موصوف از آن مقام مستعفی شد، بعد از آن برادر دیگرش سپاه سالار شاه محمود خان به مقام صدارت توظیف گردید. نام برده بعد از هفت سال صدارت از اثر مریضی که عاید حالش شده بود استعفا کرد. به تعقیب آن از جانب پادشاه پسر کا کای او سردار محمد داود خان پسر سردار محمد عزیز خان به مقام صدارت تعیین گردید.

محمد داود خان می خواست که افغانستان از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور متکی به خود باشد، و مطابق یک پلان منظم اقتصادی مراحل رشد و انکشاف خویش را آغاز نماید. موصوف کابینه خویش را از اشخاص تحصیل کرده و دانشمند تشکیل کرده و در سیاست خارجی بی طرفی فعال و مثبت را اختیار نمود که پایه آن بر اساس منافع ملی و قضاوت آزاد مردم افغانستان استوار بود و این امر سبب شد که کشورهای جهان حاضر به دادن کمک های بلا قید و شرط به افغانستان گردند. یکی از کارهای برجسته در این دوره حفظ موازنه سیاست بین ابر قدرت ها (ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی) بود که به درستی صورت گرفت.

سردار محمد داود خان شخصیت مترقی و وطن دوست بود، این را خوب درک می کرد که یک کشور به چه ترتیب می تواند بر مشکلات فایق آید. او به خاطر رشد و انکشاف مؤسسات تولیدی و اقتصادی تلاش می ورزید، و به همین اساس بود که کارهای خویش را در چوکات

یک پلان منظم تنظیم نمود پلان پنج ساله اول را در سال (۱۹۵۶م) آغاز و به پایه اكمال رسانید. پلان دوم را در سال ۱۹۶۱م زیر کار گرفت.

در پلان اقتصادی اول بودجه انکشافی در امور زیربنایی به کار افتاد که ذریعه آن کار اعمار سرک‌ها و تولید برق بسیار پیش رفت. طی این مدت خطوط مواصلاتی بین کابل - قندهار و سپین بولدک - کابل - تورخم، کابل - قزل قلعه - تونل سالنگ، قندهار، هرات و کشک نخود اعمار گردیدند. ظرفیت بندهای برق نغلو به ۶۶ هزار، ماهیپر به ۱۰ هزار، درونته به ۱۱ هزار و برق مزار شریف به ۱۰ هزار کیلووات بلند برده شد.

استخراج نفت و گاز در شمال کشور آغاز یافت، زغال سنگ به اندازه کافی استخراج شده، تولیدات فابریکه کود کیمیاوی مزار شریف سالانه به صد هزار تن رسید فابریکه سمنت غوری و دستگاه‌های متعدد ترمیم موتر در نقاط مختلف کشور ایجاد شد، در ضمن آن فابریکه جنگلک کابل به یک کمپلکس تبدیل شد که بعدها ماشین‌های بزرگ را نه تنها ترمیم بلکه کارهای مونتاژ آن‌را نیز انجام می‌داد.

هم‌چنان به پروژه‌های انکشاف وادی ننگرهار و هلمند توجه بیشتر معطوف گردید تا سطح تولیدات آن‌ها بلند برده شود و به همین اساس بود که در ایام زمستان میوه جات و سبزیجات تولید شده به اکثر نقاط کشور عرضه می‌گردید.

پلان انکشاف اقتصادی دوم سردار محمد داود خان به نسبت کمبود وقت و یک سلسله مشکلات دیگر عملی نگردید بعداً محمد داود خان مستعفی شد. و به این ترتیب دوره صدارت وی به پایان رسید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروه اول راجع به شخصیت سردار محمد داود خان و سیاست خارجی، و گروه دوم راجع به پلان پنج ساله موصوف، بین هم گفتگو نمایند.

سوالات:



۱. سردار محمد داود خان چگونه مقام صدارت را به عهده گرفت؟
۲. سیاست خارجی محمد داود خان را مختصراً بیان دارید؟
۳. کار هائی که در اولین پلان پنج ساله در بخش زیربنایی صورت گرفت چه بود؟
۴. دومین پلان انکشافی سردار محمد داود خان چرا عملی نشد؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان با مطالعه منابع مربوط و بدست آوردن معلومات از بزرگان و شخصیت‌های فرهنگی در رابطه به شخصیت سردار محمد داود خان و پلان پنج ساله وی معلومات حاصل و آن‌را در صنف ارائه نمایند.

دهه دموکراسی (۱۳۴۳ - ۱۳۵۲ هـ ش)



داکتر محمد یوسف

آیا می‌دانید که تصویب قانون اساسی دهه دموکراسی چه پیامدهای را برای کشور در قبال داشت؟ در این درس به این موضوع آشنا می‌شوید.

ده سال اخیر سلطنت محمد ظاهر شاه را به نام دهه دموکراسی (قانون اساسی) یا شاهی مشروطه یاد میکنند. دوره دموکراسی در افغانستان بعد از استعفا سردار محمد داوود خان با انفاذ قانون اساسی سال ۱۳۴۳ هـ ش آغاز می‌گردد که برای ده سال ادامه پیدا کرد. قبل از این در دوره صدارت شاه محمود خان نیز در کشور زمینه‌های دموکراسی ایجاد گردیده بود.

در قانون اساسی جدید فیصله شد که اعضای خانواده شاهی در احزاب سیاسی اشتراک نمی‌ورزند و مسئولیت و وظایف زیر را بدوش نمی‌گیرند: ۱- مقام صدارت. ۲- عضویت در شورا. ۳- عضویت در ستره محکمه. که نظر به همین فیصله در دهه دموکراسی پنج صدر اعظم خارج از خاندان شاهی (داکتر محمد یوسف، محمد هاشم میوندوال،

نوراحمد اعتمادی، داکتر عبدالظاهر و محمد موسی شفیق) اجرای وظیفه نمودند. بعد از آن که سردار محمد داوود خان از مقام صدارت مستعفی گردید، محمد ظاهر شاه داکتر محمد یوسف را به مقام صدارت مامور ساخت، موصوف کابینه خود را در ۱۳ مارچ ۱۹۶۳م تشکیل داد.

داکتر محمد یوسف تحصیل کرده آلمان در رشته فزیک بود که به یک طبقه متوسط منسوب بود، وظیفه عمده و اساسی حکومت داکتر محمد یوسف تدوین قانون اساسی جدید و طی نمودن مراحل قانونی آن بود، بناءً اعلیحضرت محمد ظاهر شاه به این منظور لویه جرگه را دعوت نمود و قانون اساسی تدوین شده را توشیح کرد. این نهضت جدید دموکراسی که بر مبنای قانون اساسی جدید بوجود آمده بود با عکس العمل های گوناگون در جامعه افغانی روبه رو شد، بسیاری از افغان ها خصوصاً جوانان از آن استقبال گرم کردند، ولی در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور تظاهرات شدید رخ داد. در دهه دموکراسی قانون مطبوعات با فرمان تقنینی نافذ شد و بر اساس این قانون در حدود سی جریده در کابل منتشر شد که به طور مثال جراید و روز نامه مشهور آن قرار ذیل است:

جریده افغان، مساوات، روزگار، افغان ملت، ملت، کاروان، خلق، پرچم، شعله جاوید، گهیخ، ترجمان، مردم و غیره.

در دهه دموکراسی قانون احزاب سیاسی در شورای ملی تصویب گردید و برای توشیح حضور شاه فرستاده شد ولی شاه این قانون را معطل نمود و تا پایان پادشاهی آن را توشیح نکرد. با وجود این فعالین سیاسی آشکارا فعالیت های خود را آغاز نمودند و هر جریان

سیاسی برای خود یک ارگان نشراتی هم داشت که نظریات سیاسی خود را در آن نشر می‌کرد. گروه‌های سیاسی با تعقیب خطوط فکری چپ و راست (احزاب اسلامی) فعالیت می‌نمودند. برخی از احزاب و جریان‌های که درین دهه فعالیت داشتند عبارت بودند از:

۱- حزب دموکراتیک خلق که بعداً به دو گروه خلق و پرچم تقسیم شد.

۲- شعله جاوید.

۳- نهضت اسلامی یا جریان جوانان مسلمان.

۴- افغان ملت.

۵- مترقی دموکرات.

۶- ستم ملی.

۷- اتحاد ملی.

هم چنان جمعیت‌های خورد و بزرگی دیگر نیز وجود داشتند که مصروف فعالیت‌های سیاسی بودند. به صورت عموم در دهه دموکراسی فعالیت‌های سیاسی احزاب با استفاده از نام دموکراسی زیاد گردید. در عرصه فرهنگی و عمرانی نیز اقدامات صورت گرفت. در دهه قانون اساسی که کار پنج صدراعظم را در برداشت در ساحات ملکی و نظامی کارهای مهم صورت گرفته است. بنیاد برخی از این فعالیت‌ها در وقت صدارت سردار محمد داوود خان نهاده شده بود و در دهه دموکراسی به پایه اکمال رسید.

در دهه دموکراسی مطابق قانون اساسی تفکیک قوا بوجود آمد و دولت بر سه قوه (اجرائیه، مقننه و قضائیه) مثل گذشته تقسیم گردید و برای دوره‌های دوازدهم و سیزدهم شورای ملی در کشور انتخابات آزاد به راه افتاد، که مردم افغانستان نماینده گان خویش را به شورا فرستادند. درین دوره پنج حکومت از ولسی جرگه راه اعتماد گرفتند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به قانون احزاب دهه دموکراسی و گروه دوم راجع به تفکیک قواء در دهه دموکراسی بین هم بحث نمایند.

سؤالات:

- ۱- دهه دموکراسی در افغانستان چگونه به میان آمد؟
- ۲- کدام صدراعظم در دوره دموکراسی اجرای وظیفه نموده اند؟
- ۳- جراید و روزنامه‌های که در دهه دموکراسی به نشر رسیدند کدام‌ها بودند؟ آن‌را نام ببرید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به کارها و برنامه‌هایی که در دهه دموکراسی صورت گرفته مطالبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

عوامل تغییر رژیم از سلطنت به جمهوریت



رئیس جمهور محمد داود خان با اعضای کابینه

چرا رژیم از نظام شاهی مشروطه به جمهوریت عوض شد؟ کدام شخصیت‌ها در آوردن این تغییر نقش برجسته و کلیدی را ایفا نمودند در این درس به پرسش‌های مذکور پاسخ ارائه می‌گردد.

رژیم شاهی مشروطه در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هـ.ش. با یک کودتای نظامی سفید به رهبری محمد داودخان سقوط کرد و نظام جمهوری در افغانستان اعلان شد.

سردار محمد داود خان که از مقام صدارت بنابر یک سلسله ملحوظات کنار رفت، وی به منظور تأمین اهداف شخصی و ملی خویش آرزو داشت دوباره وارد عرصه سیاست گردد و نقش مؤثر خود را در حیات سیاسی و اداری کشور ایفا نماید.

انفاذ قانون اساسی ۱۳۴۳ هـ.ش در دوره صدارت داکتر محمد یوسف که اساسات نظام شاهی مشروطه را در افغانستان پیریزی نمود، هدف محمد ظاهر شاه را برآورده ساخت که محمد داود خان از مقام صدارت دور باشد و ورود دوباره او را به میدان سیاست برای همیشه مسدود سازد. مطابق مفاد قانون اساسی اعضای خانواده شاهی در احزاب سیاسی و پست‌های دولتی نمی‌توانست شمولیت داشته باشد که چنین محدودیت‌ها مستقیماً متوجه محمد داود خان بود.

از طرف دیگر حکومت‌های بعدی که یکی پی دیگری با ناکامی و ورشکستگی تعویض می‌شدند، اعتماد مردم را نسبت به رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور ضعیف می‌ساخت. ازینرو فضای ناامیدی و تنفر عامه در برابر طرز اداره نظام شاهی روز به روز گسترش

می‌یافت.

محمد داؤد خان تصمیم داشت تا به هر شکلی که امکان داشته باشد تغییر را در سیستم سیاسی کشور به وجود آورد تا از یک طرف خطر وقوع بحران را مرفوع نموده و از سوی دیگر خواست‌های مردم را مبنی بر انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان برآورده سازد. بناءً محمد داؤد یکبار دیگر دست به فعالیت‌های سیاسی زد. روابط خویش را با اشخاص، احزاب و گروه‌های مختلف کشور برقرار نمود.

سردار محمد داود خان پلان خود را طوری طرح ریزی نمود که دایره جلب و جذب طرف‌داران خود را گسترش بخشد و نقطه کلیدی قدرت سیاسی را که عبارت از اردو بود، حمایت ایشان را بدست آورد.

این در حالی بود که نظام سلطنتی تا اندازه محبوبیت خویش را در جامعه از دست داده و اکثریت مردم حاضر بودند تا وقوع یک تحول عمیق را در ساختار سیاسی جامعه قبول نموده، لیک گویند، محمد داؤد خان و طرف‌دارانش توانستند با استفاده از همین اوضاع، حلقه نفوذ خود را در بین افسران اردو قایم سازند و زمینه راه اندازی کودتای نظامی را آماده گردانند. در ایامی که محمد ظاهر شاه غرض معالجه چشم عازم اروپا گردیده بود، مقدمات یک کودتاه نظامی که از قبل آماده و مهیا شده بود. به تاریخ ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هـ ش تحت رهبری محمد داؤد خان و به همکاری افسران اردو با سرنگونی نظام شاهی و اولین نظام جمهوری به پیروزی رسید و باب جدید از تاریخ کشور آغاز شد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به عوامل تغییر رژیم از سلطنت به جمهوریت و گروه دوم فرق بین نظام شاهی و جمهوری را مطرح و بین هم گفتگو نمایند.

سؤالات:



۱. در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هـ ش کدام واقعه در افغانستان رخ داده است؟
۲. کدام عوامل باعث شد تا سردار محمد داود خان دست به کودتاه زد؟
۳. سردار محمد داود خان پلان کودتای خود را چگونه طرح ریزی نمود؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان راجع به عوامل کودتاه محمد داؤد خان که در سال ۱۳۵۲ هـ ش صورت گرفت به کمک دانشمندان و بزرگان مطلب تهیه و آن را در صنف ارائه نمایند.

کودتای ۲۶ سرطان (۱۳۵۲ هـ ش)

با عوامل کودتا در درس قبلی آشنایی حاصل نمودید درین درس با مجریان کودتا، سیاست دولت جدید، و پیامدهای کودتاہ معلومات حاصل می کنید.

بعد از آن که سردار محمد داوود خان از پست صدارت کنار رفت، ده سال را در انزوا سپری کرد. از این که وی به پیشرفت و ترقی کشور در دورۀ صدارت خویش مساعی زیاد به خرج داده بود، علاقه داشت تا افغانستان در قطار ممالک پیشرفته جهان قرار گیرد. همین بود که در (۱۷ جولای سال ۱۹۷۳ م) ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هـ ش) یک کودتای را به سر رسانید. به این ترتیب، نظام شاهی در افغانستان ملغا و جمهوریت اعلان گردید.

کودتای ۲۶ سرطان به دهۀ دموکراسی و قانون اساسی ۱۹۶۴ م خاتمه بخشید، گرچه پنج حکومت در سالهای اخیر نظام شاهی دعوای دموکراسی می نمودند ولی در حقیقت خصلت انارشی بر آنها غالب بود. کودتاه ۲۶ سرطان به این نابه سامانی ها خاتمه داد و به جای نظام سلطنتی نظام جمهوری استقرار یافت و سردار محمد داوود خان منحیث رهبر ملی ظاهر شد. نام برده از نگاه شخصیت بسیار پاک و از سجایای اخلاقی عالی برخوردار و شیفته آبادی وطن بود. بعد از انجام کودتاه محمد داؤد خان بیانیه تاریخی خویش را «خطاب به مردم» اعلام نمود که حاوی خط و مشی دولت جدید بود.

محمد داؤد خان مبنی بر مشی دولت جمهوری افغانستان را کشور علاقه مند به صلح، عضو کشورهای غیر منسلک و هم چنان حمایت از منشور سازمان ملل متحد اعلام نمود. موصوف تنها موضوع اختلاف با پاکستان را بر سر معضله پشتونستان یادآوری کرد و خواهان حل مسالمت آمیز آن گردید.

مشی دولت جدید از طرف مردم کشور در مرکز و ولایات استقبال شد محمد ظاهر شاه که در شهر ناپل ایتالیا مشغول تداوی و استراحت بود. از سرنگونی نظام شاهی در افغانستان مطلع گردید فوراً به روم آمد و بعد از مدتی استعفایش را از طریق سفارت افغانستان عنوانی مؤسس

جمهوریت به کابل فرستاد. با رسیدن استعفا نامه اعضای خانواده شاهی که در کودتاه زندانی شده بودند آزاد و به ایتالیا انتقال یافتند.

یک روز پس از پیروزی کودتا اولین جلسه کمیته مرکزی نظام جدید تشکیل گردید محمد داؤد خان به صفت رئیس دولت، صدراعظم، وزیر خارجه و وزیر دفاع تعیین شد و موصوف کابینه جدید را معرفی کرد. به اساس فرمان محمد داؤد خان قانون اساسی سال ۱۳۴۳ هـ ش ملغا و برای تصویب قانون اساسی جدید لویه جرگه را دعوت نمود که با داشتن ۳۴۹ تن اعضا به ریاست عزیز الله واصفی در ۱۴ مارچ سال ۱۹۷۷ م قانون اساسی جدید به تصویب رسید و از طرف محمد داؤد خان توشیح و نافذ شد.

در ساحة اجتماعی و اقتصادی نیز یک سلسله اقدامات عملی گردید از طریق ازدیاد مالیات مرفقی به اصلاحات اراضی زمین توجه صورت گرفت، قانون اراضی به تصویب رسید و مطابق آن زمین های اضافی مالکان به دهقانان کم زمین و بی زمین توزیع شد. قانون جزا و مدنی نافذ، سرود ملی ترتیب و در نشان بیرق نیز تغییرات بوجود آمد. از جمله کارهای بسیار مهم دولت جمهوری افغانستان طرح و تدوین پلان اقتصادی هفت ساله بود. این پلان در سال ۱۹۷۶ شروع و در سال ۱۹۸۳ که باید به پایه اکمال می رسید. در زمان جمهوریت کار ترمیم و مراقبت سرک ها در تمام کشور دوباره آغاز شد.

کار سروی خط آهن از هرات الی قندهار و سپس به سپین بولدک، سروی معادن مس عینک لوگر، و حاجی گکک نیز روی دست گرفته شد. محمد داؤد در زمان حاکمیت خویش حزب غورخنگ ملی را تأسیس نمود.

پلان ها و پروگرام های رئیس جمهور محمد داؤد خان بسیار زیاد و وسیع بود اما تمام آن تطبیق نگردید. تا این که به تاریخ هفت ثور ۱۳۵۷ هـ ش. توسط یک کودتای نظامی رژیم جمهوری محمد داوود سرنگون شد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به شخصیت رئیس جمهور محمد داؤد خان و گروه دوم راجع به پلان‌های اقتصادی وی بین هم صحبت نمایند.

سؤالات:

۱. محمد داؤد خان در کدام سال کودتا نمود؟
۲. کدام اشخاص در کودتای محمد داؤد خان نقش عمده داشتند؟
۳. به اساس مواد قانون اساسی ۱۳۴۳ هـ ش چه اقدامات صورت گرفت موضوع را مختصراً شرح دهید؟
۴. کدام پروژه‌ها در پلان اقتصادی هفت ساله داؤد خان به پایۀ اکمال رسید؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از بزرگان و دانشمندان در رابطه به چگونه گی دوره جمهوریت داؤد خان مطالبی تهیه و آنرا در صنف ارائه نمایند.

بررسی فصل دوم

وضع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عصر قرن بیستم محصول مستقیم افکار و نظریات دورهٔ رنسانس (از نیمهٔ دوم قرن ۱۵ تا اواخر قرن ۱۸م)، تأثیرات بنیادی انقلاب کبیر فرانسه ۱۸۷۹م افکار و نظریات گوناگون فلاسفه قرن ۱۹م به شمار می‌رود، عروج این همه سیستم‌ها و مکتب‌های سیاسی در این مرحلهٔ تاریخ چنان سر و صدای ببار آورد که بشریت نظیر آن‌را مشاهده نکرده بود. زیرا منافع اقتصادی، جهت‌های باهم مخالف به نقطهٔ اوج تضادهای خود رسید و سبب بروز بزرگترین حوادث ناهنجار در سطح جهان گردید.

در همین دوره آتش دو جنگ تباه‌کن جهانی مشتعل، دنیا به دو قطب متخاصم (شرق و غرب) مرزبندی شد. ایالات متحده آمریکا در مقیاس جهانی موقف برتانیای احرار را نمود. چین با داشتن خط مستقل سیاسی به‌حیث قدرت سوم تبارز نمود. سلاح‌های اتمی، بیولوژیکی و کیمیاوی وسیلهٔ جدید پیشبرد رقابت‌های بین‌المللی قرار گرفت. رقابت‌های اقتصادی به نقطهٔ اوج خود رسیدند جنگ سرد به شدت جریان یافت.

گرچه جهان قرن بیستم خیلی متشنج و بی‌ثبات بود ولی رقابت‌های پیهم نقش بزرگ خود را در راستای دگرگونی چهرهٔ زندگی بشر ایفا نمود و سبب پیشرفت‌ها گردید، اما این پیشرفت‌ها و دست‌اوردها جنبهٔ همگانی نداشت و برخی بزرگی از بشریت به خصوص در قاره‌های افریقا و آسیا از مزایای آن بی‌بهره ماندند. در جمله این جوامع یکی هم افغانستان بود که در نهایت قهقرا واقع شد و از نگاه وسایل و امکانات تمدن جدید نسبتاً بی‌بهره ماند.

عامل عمدهٔ عقب‌ماندگی افغانستان در آن بود که این کشور طی قرن بیستم به‌حیث نقطهٔ تقاطع استراتژیک قدرت‌های منطقه قرار گرفت و در نتیجهٔ رقابت‌های بین‌المللی نهایت آسیب و صدمه دید.

فصل سوم

کشورهای همجوار افغانستان

ACKU

اهداف فصل سوم

- ۱- آشنایی با تاریخ و رویدادهای معاصر پاکستان
- ۲- معرفت با رویدادها و تاریخ معاصر ایران
- ۳- معرفت با رویدادها و تاریخ معاصر چین
- ۴- معرفت با رویدادها و تاریخ معاصر تاجیکستان
- ۵- معرفت با رویدادها و تاریخ معاصر ازبکستان
- ۶- معرفت با رویدادها و تاریخ معاصر ترکمنستان
- ۷- استفاده از نقشه‌ها و اطلس‌ها

جمهوری اسلامی پاکستان



در تاریخ صنف نهم شما راجع به موقعیت، نفوس و ارزش های فرهنگی پاکستان آشنایی حاصل نمودید، در این درس راجع به تاریخ شبه قاره هند، ایجاد پاکستان و جدایی آن از هند، و ایجاد بنگله دیش معلومات ارائه می گردد. تاریخ پاکستان قبل از ایجاد آن قسماً در تاریخ افغانستان و یا شبه قاره هند مطالعه شده می تواند.

اسلام در اوایل سده هفتم میلادی به شبه قاره هند رسید. سپاهیان و مهاجران مسلمان که از غرب آمده بودند در حوزه رود سند و منطقه پنجاب که بخش اعظم پاکستان را تشکیل می دهد مسکن گزیدند. در چند قرن پیش شیوه استقرار مسلمانان در شبه قاره هند به رشد دو جامعه بزرگ مسلمان و هندو در کرانه های شرقی و غربی هند منجر شد.

وبا گرویدن مردم بومی هند به دین اسلام تعداد مسلمانان در هند افزایش قابل ملاحظه یافت. در زمان حاکمیت بریتانیا شمار مسلمانان در شبه قاره هند بسیار زیاد بود. باوجود آن هندوها حتی در جاهایی که تعداد شان نسبت به مسلمانان هم کمتر بود، در امور دولتی و داد و ستد غلبه داشتند. به همین جهت مسلمانان به زنده گی بهتر در کشوری که از آن خود شان باشند دل بستند. کشوری که در آن بتوانند رهبران خود را برگزینند و فرهنگ اسلامی شان را آزادانه ادامه و انکشاف دهند.

از رویداد های مهم تاریخی شبه قاره هند و پاکستان، یکی هم استقرار مسلمانان در این سرزمین بود، پس از عهد آشوکا یکپارچگی سیاسی دیر نپایید و هند در قرون وسطی به چندین سلطان نشین کوچک تقسیم شده بود.

وقتی که آیین بودارو به زوال نهاد، شاهان رقیب هندو با یکدیگر وارد جنگ شدند، و این برای مسلمانان که حاملان ارزش‌های اسلامی و دین جدید بودند فرصتی مناسب را پدید آورد.

در عهد مغولان بخش اعظم این شبه قاره زیر حاکمیت مسلمانان یکپارچه شد. اما بسیاری از امیران هندو همواره با سلطه مسلمانان مخالفت کردند و مبارزه با مسلمانان را ادامه دادند. سلسله‌های اسلامی غزنویان و غوریان در شبه قاره هند حکمروایی نمودند و باوجود مخالفت‌های شدید این دوره، جامعه اسلامی تازه در کنار جامعه قدیمی هندو جان می‌گرفت. سلاطین، جامعه مذکور را به سربازان و امی داشت که ضمن سر و سامان دادن به آن از هندوان همسر می‌گرفتند. بسیاری از هندوان طبقه پایین به‌خاطر جاذبه آیین جدید و مساوات اسلامی به دین اسلام گرویدند.



محمد علی جناح

در سال ۱۸۸۵م گروهی از هندوان کنگره ملی هند را به قصد تشکیل هسته یک پارلمان بومی پایه‌گذاری کردند تعدادی از مسلمانان به کنگره پیوستند ولی به زودی معلوم گشت که مسلمانان اقلیت ناچیزی خواهند بود که منافع آن‌ها نادیده گرفته خواهد شد. در سال ۱۹۰۶م مسلمانان از کنگره کناره‌گیری کردند و در پی دعوت مردم به انتخابات جداگانه که در آن مسلمانان نماینده‌گان خود را انتخاب کنند، انجمن سراسری مسلمانان هند «مسلم لیگ» را به عنوان سازمان رقیب کنگره هندوان تأسیس نمودند. پس از انتخابات ۱۹۴۵م، جنبش هواخواهی دولت ملی مسلمان، شکست ناپذیر شد. اگر تجزیه به وقوع نمی‌پیوست، جنگ در می‌گرفت، که در نهایت هردو رخ داد.

در سال ۱۹۳۸ جناح برای بهبود موضع مسلم لیگ، نظریه «دو ملت» را مطرح و نخستین تقاضای رسمی در مورد یک وطن اسلامی جداگانه را طرح کرد و در سال ۱۹۴۰ مسلم لیگ در قطعنامه‌یی خواستار تشکیل پاکستان شد.

در سال ۱۹۴۶م کنگره و هم مسلم لیگ طرح بریتانیا را برای تشکیل حکومت فدرالی رد کردند و تا سال ۱۹۴۷م کنگره نیز برای پذیرش تجزیه آماده شده بود و تنها مسأله مرزبندی باقی ماند در ۱۴ اگست ۱۹۴۷م پاکستان بوجود آمد، بزرگترین آزمون وحدت اسلامی و ملی زمانی فرا رسید که بریتانیا پذیرفت شبه قاره هند را به دو کشور هند و پاکستان تجزیه کند، تنها به مناطقی که دارای اکثریت مسلمان بودند اجازه داده شد به پاکستان پیوندند ولی با این هم بر سر مناطق

اکثریت مسلمان نشین کشمیر بحث و منازعه جریان داشت.

بعد از تجزیه شبه قاره، هندوها از پاکستان گریختند و مسلمانان نواحی هندو نشین را ترک گفتند. صدها هزار انسان در شورش های جمعی فرقه یی کشته شدند. دو ملت بی درنگ بر سر کشمیر وارد جنگ شدند. کشمیر را هند به این بهانه که حاکم آن هندو بود تصرف کرده بود، با در نظر داشت جمعیت مسلمان آن، کشمیر باید بخشی از پاکستان می بود.

مشکل اصلی پاکستان، خلق هویت ملی برای انطباق واقعیت مرزهای سیاسی نو و ایجاد رژیم پذیرفتنی و با ثبات برای مردم تقسیم شده بر اثر تفاوتها و اختلاف حاد قومی، زبانی، عقیدتی و حتی دینی بود.

در ایجاد پاکستان به عنوان کشور مستقل رهبرانی چون علامه اقبال لاهوری فیلسوف و شاعر، محمد علی جناح حقوقدان و سیاستمدار نقش بسزا و رول بس بزرگ را ایفاء نموده اند. خان عبدالغفار خان یکی از شخصیت های بزرگ و مبارز ملی پشتونخوا بوده که در مقابل استعمار و استبداد انگلیس قیام نمود و سالیان دراز عمر خویش را در این راه سپری کرد.

بعد از استقلال پاکستان درگیری بر سر نقش اسلام به یک رشته مناقشات قانون اساسی طولانی



خان عبدالغفار خان در سفر به افغانستان

منجر شد. قانون ۱۹۵۶م ساختار نظام پاکستان را کشور اسلامی اعلان کرد و هم قوانین پارلمان را تابع تایید انستیتوت تحقیقات اسلامی (Islamic Research Institute) ساخت در ۱۹۵۸م این قانون منسوخ گردید و با اعلان جمهوری پاکستان کوشش شد که قدرت رهبران مذهبی محار شود اما در سال ۱۹۶۳م شرایط اسلامی سال ۱۹۵۶م کم و بیش اعاده شد.

جدایی بنگله دیش

پاکستان بر اساس این فکر ایجاد شد که مسلمانان هند ملتی را تشکیل می دهند که شایسته داشتن وطن با قلمرو و اراضی

مشخص برای خود باشند در حالی که پاکستان از سرزمین های سند، پنجاب، بلوچستان و ایالت پشتونخوا ملتی را تشکیل نمی دادند و تفاوت های قومی زبانی عمیق میان آنها وجود داشت. بنیانگذاران پاکستان این کشور جدید، دین اسلام را عامل اصلی وحدت میان دو بخش پاکستان غربی و شرقی تشخیص داده بودند.

تفاوت های زبانی، خصوصیات جمعیتی، میراث های فرهنگی و شرایط اقتصادی مشکلات را پدید آورد. مردم این کشور دو جناح نزدیک به هم هجده سال سعی کردند باهم زنده گی کنند

و اتحاد ثمربخش بوجود آورند، اما به چنین هدف دست نیافتند.

تنشها و رقابت‌های فرقه‌ی جناح‌های شرقی و غربی پاکستان عامل اصلی تضعیف دولت بود که گرد اختلافات زبانی، به‌خصوص در جناح غرب و پیشرفت صنعتی ناچیز در جناح شرق دور می‌زد. رقیب سیاسی دیگری در جناح شرقی پاکستان پیدا شد و آن این که مجیب الرحمن حزب عوامی لیگ «مردم بنگال» را ایجاد کرد در جریان تاسستان سال ۱۹۶۸م سی و پنج تن بنگالی به رهبری مجیب الرحمن متهم به جداسازی شرق پاکستان شدند. تا در سال ۱۹۷۱م اختلافات میان پاکستان شرقی و غربی منجر به یک جنگ داخلی گردید. پس از درگیری‌های خونین جناح شرقی روابط خود را با دولت مرکزی قطع نموده و به‌صورت یک کشور مستقل به نام بنگله دیش عرض اندام کرد.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به سه گروه جداگانه تقسیم شوند. گروه اول راجع به نقش رهبران و شخصیت‌های ملی در شبه قاره هند که در آزادی و استقلال پاکستان نقش داشتند، گروه دوم راجع به گذشته تاریخی پاکستان، و گروه سوم در مورد عوامل جدایی بنگله دیش از پاکستان از همدیگر سوال نمایند.

سؤالات:



۱. مسلمانان چه وقت در شبه قاره هند مسکن گزین شدند.
۲. مسلم لیگ در کدام سال تأسیس گردید؟
۳. پاکستان در کدام سال ایجاد گردید؟
۴. بنگله دیش چرا از پاکستان جدا شد؟
۵. بنگله دیش در کدام سال اعلان استقلال نمود؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان از بزرگان، اولیا و شخصیت‌های فرهنگی و منابع دست داشته راجع به جنبش عدم خشونت معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

جمهوری اسلامی ایران



در دروس دوره متوسطه شما راجع به موقعیت، زبان و نفوس ایران معلومات حاصل نموده بودید، در این درس راجع به کارکردها و وقایع مهم دوره پهلوی و عوامل وقوع انقلاب اسلامی در ایران معلومات ارائه می گردد.

اوضاع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در اواخر دوره قاجاریه از هم متلاشی گردید و باعث یک سلسله تحولات و تغییرات بنیادی در ایران منتج شد.

حوادث سالهای اخیر ایران متأثر از دو بُعد خارجی و داخلی بوده است. در زمینه خارجی باید گفت که نفوذ و سلطه کشور های استعماری نظیر روس و انگلیس در دوره قاجاریه نقش بسیار مهمی در تضعیف توان اقتصادی ایران داشت. روابط اقتصادی ایران با کشورهای اروپایی که از دوره صفویه آغاز شده بود و از توازن نسبی برخوردار بود در اواخر دوره قاجاریه تعادل آن برهم خورده به نفع کشور های اروپایی و ضرر ایران تمام شد. محصولات داخلی ایران قادر به رقابت با کالاهای خارجی نبود، بناءً تولید کالاهای داخلی به تدریج سیر نزولی نمود و محصولات خارجی جای گزین آن گردید. صاحبان صنایع و حرفه ها در شهر های مختلف ایران به تدریج مشاغل خود را از دست داده و بیکار شدند، تولید و رفاه، جای خود را به بیکاری فقر و استبداد عوض کرد.

تمام جنبش های ضد استبدادی، عدالت خواهان و احزاب اسلامی نقش موثر خود را در اعاده آزادی و عدالت در ایران ایفا نمودند بخشی از تعالیم اسلام مبارزه با سلطه جویی، استبداد، ظلم و ستم فرمانروایان خود کام می باشد که اثرات آن را می توان در جنبش مشروطیت دوره قاجاری

و ایستاده گی مردم را در مقابل دودمان پهلوی مشاهده کرد. حوادث و واقعات جهانی نیز بر این تحولات سیاسی و اجتماعی اثرات خود را به جا گذاشت. حدود یک سال قبل از شروع جنگ جهانی اول، احمد شاه قاجار که به سن بلوغ رسیده بود، ناصر الملک را از نیابت سلطنت کنار گذاشت و فرمان برگذاری انتخابات را برای تشکیل مجلس شورای ملی صادر کرد اما سال بعد با آغاز جنگ جهانی اول، مجلس در پی گسترش تجاوزات بیگانه گان به تعطیل کشیده شد. ایران باوجود بی طرفی در جنگ با تجاوز بیگانه گان و نتایج ناگوار جنگ مواجه گردید.

دوره پهلوی

هرج و مرج اوضاع سیاسی، اقتصادی و اداری ایران پس از جنگ جهانی اول، ایجاد نظام سیوسیالستی در روسیه شوروی، امکان سرایت آن به ممالک همجوار و نارضایتی عمومی ملت ایران از وضعیت حاکم، بروز قیام های مختلف در گوشه و کنار کشور، مسدود شدن راه های تجارتي و یاس و ناامیدی محافل ملی و وطن دوست از احمد شاه قاجار، زمینه کودتای سوم حوت را فراهم ساخت. معجری کودتا رضاخان بود، وی بعد از تصرف تهران کابینه مستقلی به ریاست سید ضیا الدین طباطبائی تشکیل داد و چند روز بعد رضا خان به وزارت دفاع منصوب شده و سید ضیاالدین از ایران تبعید گردید و سپس در کابینه قوام السلطنه زمام وزارت دفاع و فرماندهی قوای انتظامی ایران در دست رضا خان باقی ماند.



محمد رضاشاه

در چنین وضعیت زمزمه مخالفت با احمد شاه قاجار در مجالس، محافل سیاسی و مطبوعات آغاز شد. خدمات برجسته نظامی رضاشاه قدرت و نفوذ نظامی، حسن سیاست و تدبیر قاطع او مجال و زمینه را برای انقراض سلطنت قاجاریه فراهم ساخت.

رضا خان در غیاب شاه که در اروپا به سر می برد، روز به روز موقعیت خود را بیشتر تحکیم میکرد و در عین حال می کوشید تا با تبلیغاتی وسیع علیه احمد شاه قاجار، او را نسبت به سرنوشت مملکت بی اعتنا نشان دهد.

سرانجام مجلس شورای ملی در عقرب ۱۳۰۴ هـ ش انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام و حکومت موقت را به سرکرده سپاه رضا خان پهلوی واگذار نمود و طبق درخواست مجلس شورای ملی در ماه قوس همان سال مجلس موسسان تشکیل گردید و آن مجلس سلطنت را به رضا شاه پهلوی تفویض نمود و موادی از قانون اساسی را که طبق آن سلطنت مختص به خاندان قاجاریه بود، لغو و در مواد جدید سلطنت مختص خانواده پهلوی گردید.

به مناسبت وقوع جنگ جهانی دوم که از سال ۱۹۳۹-۱۹۴۵ میلادی به طول انجامید در ۲۵ سنبله

۱۳۲۰هـ ش قوای اتحاد شوروی و انگلیس از چند جانب به ایران حمله کردند. رضا شاه در همین ماه از سلطنت کناره گیری کرد و زمام کشور را به فرزند ارشد و ولیعهد سلطنت تفویض کرده و خود عازم افریقا جنوبی گردید. نام برده پس از دو سال و ده ماه و نه روز دوری از وطن در اثر سکنه قلبی وفات نمود.

رضا خان در دوره سلطنت و حکمروایی خویش به اقدامات مهم ذیل دست زد: ایجاد اردوی منظم، تجدید نظام محاکماتی، تدوین مجموعه قوانین مدنی و جزایی، تأسیس اداره ثبت احوال نفوس، صدور کارت های هویت، تأمین اداره ثبت املاک، ساختمان راه آهن سرتاسری، تأمین بانک ملی، نشر پول، وضع تعرفه های گمرکی، اعمار شهرها، بسط و توسعه فرهنگ، ایجاد شرکت ها، ایجاد و تأسیس پوهنتون، اصلاحات و ریفورم اجتماعی مؤثر و تعمیم آن به ولایات.

محمد رضا شاه پهلوی



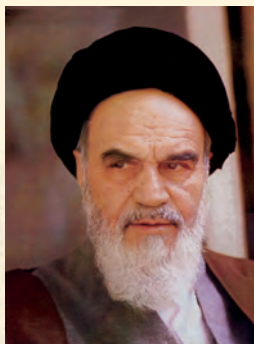
رضا شاه پهلوی

محمد رضا شاه پهلوی فرزند رضا شاه پهلوی دومین پادشاه خاندان پهلوی است، وی در عقرب سال ۱۲۹۸هـ ش در تهران متولد تحصیلات ابتدایی در مکتب نظامی و تحصیلات عالی را در سویس به پایه اکمال رسانید. در سنبله ۱۳۲۰هـ ش به اثر حمله نیروهای اتحاد شوروی (سابق) و انگلیس بر ایران رضا شاه از سلطنت برکنار و محمد رضا شاه پهلوی که عنوان ولیعهدی داشت عهده دار سلطنت گردید، موصوف در ۲۵ سنبله در مجلس شورا سوگند وفاداری یاد کرد، بدین ترتیب او در روز های تاریک که از یک سو جنگ جهانی دنیا را فرا گرفته بود و از سوی دیگر کشور ایران تحت اشغال نیروهای روس و انگلیس به سر می برد به سلطنت رسید. سالهای

نخست محمد رضا شاه مصادف با روزهای بسیار بحرانی و دشوار بود، زیرا توطئه های برای تهدید کشور و استقلال آن و هم تجزیه قسمتی از خاک ایران چیده شد که با صدور اعلامیه کنفرانس تهران که مرکب از سران کشورهای انگلیس، روس، امریکا بود تا اندازه این پلان خنثی گردید، و به موجب آن پس از جنگ جهانی دوم، قوای اشغالگر ایران را ترک گفتند. از اقدامات مهم سلطنت محمد رضا شاه ملی شدن نفت ایران به رهبری داکتر محمد مصدق می باشد.

از وقایع مهم دوره حکمروایی محمد رضا شاه شامل شدن دولت ایران به سازمان ملل متحد، تدویر کنفرانس تاریخی تهران که به موجب آن استقلال و تمامیت ارضی ایران تأیید گردید. پیوستن به پیمان نظامی بغداد (ستو) ایجاد نخستین دستگاه تلویزونی، تأسیس بانک مرکزی، مبارزه با بی سواد، حق انتخاب شدن زنان در مجلس سنا و شورا، اعمار سرک های بزرگ جهت بهره برداری، ایجاد احزاب سیاسی، تأمین کارخانه جات موتر سازی، ایجاد خطوط آهن جدید، کشیدن

لوله گاز بین اتحاد شوروی (سابق) و ایران، توسعه و تحکیم روابط سیاسی با کشور های جهان، ساختمان تصفیه خانه های نفت، تعیین سرحدات آبی میان ایران و عراق، ایجاد نیروگاه هسته ای به همکاری فرانسه و آلمان می توان نام برد.



آیت الله سید روح الله خمینی

محمد رضا شاه در ماه جدی سال ۱۳۵۷ شمسی در اثر قیام مردم و انقلاب اسلامی، ایران را همراه با کلیه اعضای خانواده خود ترک نمود و پس از ۱۸ ماه سرگردانی با بیماری سرطان در سال ۱۳۵۹ هـ ش در مصر چشم از جهان پوشید و در همان جا به خاک سپرده شد.

اوضاع ایران از سال ۱۳۵۶ هـ ش دچار تحولاتی سریع شد و نهضتی که امام خمینی از سال ۱۳۴۱ هـ ش آغاز کرده بود، وارد مرحله گسترده ای شده و مبدل به انقلاب اسلامی گردید که سرانجام در ماه دلو ۱۳۵۷ هـ

ش به پیروزی رسید. بعد از فرار شاه به مصر نظامی که ۳۷ سال بر کشور مسلط بود سرنگون ساخته شد.

سرانجام روز دوازدهم دلو امام خمینی به ایران بازگشت و با استقبال گرم مردم مواجه شد. دولت جدید به تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۵ هـ ش با حکم امام خمینی به نخست وزیری مهندس بازرگان رسمیت پیدا کرد. بازرگان مامور شد تا علاوه بر اداره کشور برای تغییر نظام سیاسی به جمهوری اسلامی، ریفرا اندم برگزار کند و بدین ترتیب عصر تازه ای از تاریخ ایران آغاز گردید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان در صنف به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به عوامل سقوط حکومت قاجاریه گروه دوم در رابطه به خاندان پهلوی از همدیگر سوال نماید.

سؤالات:



۱. کدام عوامل باعث سقوط سلطنت احمدشاه قاجار گردید؟
۲. کنفرانس تهران در کدام سال و در کجا منعقد گردید؟
۳. رویدادهای مهم سلطنت رضاشاه را فهرست نمایید.
۴. عوامل سقوط سلطنت محمد رضاه شاه کدامها بودند؟
۵. انقلاب اسلامی ایران در کدام سال و تحت رهبری کدام شخصیت به پیروزی رسید؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان از روی منابع و مأخذو به همکاری معلمان در مورد عوامل جنگ دوم و تاثیرات آن بالای ایران معلومات حاصل نموده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

جمهوری خلق چین



در صنف نهم شما در مورد موقعیت، نفوس، و اقلیت های چین آشنایی حاصل نمودید. درین درس راجع به سوابق تاریخی و حوادث سال ۱۹۴۹م معلومات ارائه می گردد.

سرزمین چین در نیم کره شمالی در قسمت شرقی قاره آسیا و ساحل غربی اقیانوس آرام، با داشتن ۹،۶ میلیون کیلومتر مربع مساحت، سومین کشور بزرگ دنیا می باشد. پایتخت جمهوری خلق چین شهر پکین (بی جینگ) می باشد که یکی از مراکز عصر کهن بوده و سابقه تاریخی آن به ۳۰۰۰ سال قبل بر می گردد، شهر مذکور ۱۰۰۰ سال قبل بازسازی شده و هفت قرن قبل، قوبلای خان (بی جینگ) را پایتخت دایمی خویش قرار داد و تا کنون به استثنای سال های ۱۹۲۸-۱۹۴۹ میلادی که گومین تانگ پایتخت خود را به ننجینگ منتقل ساخت، پکین حیثیت پایتخت را دارا می باشد.

اکثر باشندگان چین از نژاد خان (هان) می باشند که طی قرون متمادی در همین سرزمین زیست نموده و از بازماندگان سلسله هان ۲۰۶ ق-م ۲۲۰ میلادی می باشد که از نام امپراتور هان اکتباس گردیده است.

چندین قرن قبل حکومت بنی امیه سرزمین های وسیعی از شرق میانه و منطقه از سند تا سواحل جنوبی مدیترانه و شمال افریقا را زیر پرچم واحد اسلام قرار داد، از این که وضعیت جنگ و درگیری داخلی در بعضی از مناطق جهان اسلام حکمفرما بود، روند توسعه مناسبات با چین تحرک چندانی نداشت.

در دوران خلفای عباسی، به خصوص پس از انتقال مرکز خلافت از دمشق به بغداد از اواسط قرن هشتم میلادی تقاضای کالا های تزئینی باعث تجدد روابط تجارتي کشورهای منطقه با چین، به خصوص از طریق راه های زمینی آسیای مرکزی گردید، ولی مبادلات از طریق بحری از خلیج فارس، جنوب عربستان، شرق افریقا، هند، جنوب شرق آسیا تا چین از اهمیت بیشتری برخوردار بود. درین دوره دولت مقتدر مرکزی بر دنیای اسلام حکومت می کرد و مدافع روابط تجارتي گسترده و وسیعی به خصوص با چین بود، در چین نیز سلسله تانگ ضامن امنیت جاده های تجارتي گردید. از قرن شانزدهم میلادی به بعد در اثر تسلط یافتن پرتگالی ها و هالندی ها بر راه های بحری و تجارتي منطقه هرمز، در ایران، گوا در هند، و ماکائو در جنوب چین، روابط با چین و سایر کشورهای آسیای شرقی به ضعف گرایید.



سون یات سن

از اوایل قرن سیزدهم میلادی در اثر هجوم مغول تعداد از کشورهای منطقه و هم مناطق خاور میانه به تدریج به سرنوشت مشابهی روبه رو شدند. اوکتای قا آن در سال ۱۲۳۰ میلادی با دو برادرش جغتای و تولی و پسران خود به طرف جلگه هوانگک هو حرکت کرد. و در سال ۱۲۳۴ میلادی شهر کای فنک را به تصرف خویش درآورد.

در دوران معاصر، دولت منچو تجارت با انگلیس ها را محدود کرده تحت نظارت قرار داد و خواهان تجدید نظر در مقررات و روابط تجارتي شد.

انگلیس ها نیز تلاش کردند که از طریق هند به گسترش تجارت با جهان بپردازند هدف اساسی روابط انگلیس ها با چین تجارت تریاک بود که این روابط تجارتي پیامدهای ناگواری در قبال داشت که منتج به جنگ تریاک بین سال های ۱۸۴۱ - ۱۸۶۰ میلادی گردید.

در قرن بیستم میلادی حکومت های امپراتوری و سپس جمهوری ملی چین بر سر کار آمدند، داکتر سون یات سن که به نام پدر چین (مدرن) مشهور است رهبر انقلاب ۱۹۱۱ میلادی و اولین رئیس جمهور چین نیز بوده است که رهبری حزب گومین تانگ را تا سال ۱۹۲۱ میلادی به عهده داشت. به اثر ضعف در برابر قدرت های خارجی و موجودیت در گیری های داخلی، چین فرصت توجه به کشورهای منطقه را از دست می دهد، اهمیت ستراتیژیک این منطقه از نظر انقلابیون کمونیست که به رهبری مائوتسه تونگ در پایگاه های کوهستانی (ین آن) می جنگیدند بیشتر گردید و فعالیت های ایشان تشدید زیادتیر یافت.

انقلاب ۱۹۴۹ میلادی

در بهار سال ۱۹۲۸ میلادی افراد باقی مانده از شورش شکست خورده (فصل خزان) به رهبری مائو و سربازانیکه از شورش نافر جام نانچانگ جان به سلامت برده بودند با فرمانده جوده به یکدیگر ملحق شدند. ملاقات این دو رهبر مانع از هم پاشیده گی نیرو های حزب کمونیست گردید و آن

دو تصمیم گرفتند نیروهای باقی‌مانده در چوکات ارتش سرخ چین، سازمان داده شود و اولین پایگاه که حزب کمونیست برای استقرار (ارتش سرخ چین) تأسیس کرد (چنگ کانگ شن) بود. هم‌چنان مائو در اواخر سال ۱۹۳۱ میلادی اولین جمهوری شورای چین را در ناحیه گیانگسی اعلام داشت.

در پایان جنگ جهانی دوم عملاً دو چین وجود داشت. یک قلمروی که زیر نظارت گومیندان و دیگری مناطق آزاد شده که تحت رهبری حزب کمونیست چین قرار داشت. گومیندان کمک‌های وسیعی از طرف ایالات متحده آمریکا به شکل سلاح و مهمات، آموزش و انتقال سربازان به نواحی شرقی، ساختمان و نگهداشت راه‌های ارتباطی، پشتیبانی و حمایت نظامی و دیپلماتیک و غیره بدست می‌آورد. نیروهای کمونیست چین از نگاه نظامی، اقتصادی و تأمین ارتباطات در مقایسه با رژیم چانکای شیک عقب بودند اما حمایت و پشتیبانی مردم را با خود داشتند.



مائو

حزب کمونیست چین آماده‌گی مؤثری برای مقاومت گرفته بود مطابق مصوبه مؤرخ ۴ می ۱۹۴۶ م کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مصادره زمین‌های ملاکان بزرگ اقدامی در زمینه اجتماعی و اقتصادی بود. همزمان با آن تدابیری در جهت جلب و احضار عسکری اتخاذ گردید. حزب کمونیست با استفاده از اشکال مختلف مبارزه مسالمت آمیز و نظامی توانست مردم را در مقابله با حملات گومیندان آماده سازد.

اردوی آزادی بخش در تابستان و خزان سال ۱۹۴۸م به عملیات موفقیت آمیز قاطع و تعیین کننده دست زد. سربازان گومیندان در شمال شرق چین در شهرها محاصره شده و درهم شکسته، اسیر و یا تسلیم شدند عمده ترین ناحیه صنعتی چین یعنی مرکز کارخانه‌های ذوب فلز استخراج زغال سنگ، ماشین سازی، مراکز انرژی با شبکه‌های پیشرفته حمل و نقل به تصرف نیروهای کمونیست افتاد. در پایان سال ۱۹۴۸ میلادی قوت‌های حزب کمونیست به سراسر شمال و شمال شرق چین مسلط گردیدند. جون ۱۹۴۹م بی‌جنگ بدون مقاومت سقوط کرد و به دست قوت‌های حزب کمونیست افتاد و در فاصله بین ماه‌های اپریل و نوامبر همان سال اغلب شهرهای چین بدون خونریزی بدست کمونیست‌ها افتاد. چانکای شیک با گروه کوچک از سربازان خود به تایوان فرار نمود. بعد از اشغال پکن و درهم شکستن قوای چانکای شیک حزب کمونیست به پیروزی قاطع و نهایی رسید و مائو روز اول ماه اکتوبر ۱۹۴۹ را در میدان صلح آسمانی پیکن، تأسیس جمهوری خلق چین اعلان نمود.

چون سیاست خارجی چین از ۱۹۴۹م به بعد بر اساس نظریات و عقاید مائو رقم زده شد، نظریات، افکار و عکس‌العمل‌های او در قبال مسایل داخلی و خارجی بر آن تأثیر کلی داشت. لذا سیاست

خارجی آن کشور از دهه ۵۰ به بعد نیز بر مبنای فراز و نشیب های داخلی چین و تحولات در عرصه بین المللی، متأثر از آن بوده است.

مأثر در دوره جنگ های انقلابی و پیش از کسب قدرت کامل نیز مانند دوره های بعد هیچگاه از یک الگوی ثابت برای اعمال سیاست های مورد نظر خویش استفاده نمی کرد، بلکه با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی، نظامی و فنی چین و اوضاع بین المللی، اصول ستراتیژیکی قابل انعطاف را به کار می برد.

سیاست چین بعد از سال های ۱۹۸۰ موجب افزایش روابط کشور مذکور با کشورهای منطقه و جهان گردید با توجه به تازه گی ورود فعال چین به صحنه رقابت در منطقه حایز اهمیت بسیار گردید.

چین قبلاً در عرصه مناسبات بین المللی و به خصوص کمک های آن، بیشتر جنبه اعتقادی (ایدئولوژیک) داشت و به منظور سهم بی جینگ در گسترش سوسیالیزم و تقویت نهضت های ضد استعماری در نقاط مختلف دنیا صورت می گرفت، اما از اوایل دهه ۸۰ میزان، شکل و نحوه آن دستخوش تحول گردید.

سیاست و پالیسی جدید چین در مناسبات بین المللی بر اساس برابری، نفع متقابل، تنوع شکل های همکاری، نتایج عملی و کیفیت بهتر استوار گردید. هدف این سیاست حضور بیشتر و مؤثر چین در جامعه بین المللی می باشد. با اتخاذ سیاست در های باز در چین و گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی آن با جهان، چین در ردیف کشورهای پیشرفته چون جاپان، امریکا و اروپای غربی قرار گرفته است و امروز یکی از قدرت های بزرگ جهان می باشد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به گروه های جداگانه تقسیم شوند. گروه اولی در مورد سوابق، گروه دوم راجع به تحولات چین از همدیگر سوال نمایند.

سؤالات:

۱. کشور چین در کجا موقعیت دارد؟
۲. نظام جمهوری در چین چه وقت ایجاد شد و اولین رئیس جمهور آن کی بود؟
۳. علت پیروزی حزب کمونیست چه بود؟
۴. بعد از جنگ جهانی دوم چین از نگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کدام حالت قرار داشت.
۵. تغییرات عمده چین را بعد از دهه ۸۰ چگونه ارزیابی می کنید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان به کمک و همکاری معلمان، شخصیت های فرهنگی و منابع دست داشته راجع به عوامل انقلاب ۱۹۴۹م در چین معلومات حاصل نموده و آن را در صنف ارائه نمایند.

تاجیکستان



کشور تاجیکستان یکی از همسایه گان افغانستان می باشد. در دروس تاریخ صنف نهم شما راجع به نفوس، زبان و اقوام ساکن در تاجیکستان معلومات حاصل نمودید در درس فعلی راجع به ریشه نژادی، سابقه تاریخی و وضع فرهنگی این سرزمین معلومات بدست می آورید.

در شمال افغانستان سرزمین حاصلخیزی واقع است که بسیاری از علماء و دانشمندان عقیده دارند که نژاد آریایی در آن سرزمین، جوار دامنه کوه های هندوکش کنار رود جیحون و سیحون اولین روز های زنده گی خویش را گذرانیده است. در کتاب قدیم آریایی ها از سرزمین نام برده شده که آب و هوای آن خلد زمین بود و اجداد ما در آن جا پرورش یافتند و به قرینه می توان گفت که مراد همان اراضی دلکش جوار جیحون و سیحون باشد. به قول هنری فیلد (تاجیکان مردم مشهوری هستند که در سراسر مشرق زمین پراکنده اند نه تنها در کشورهای ایران و افغانستان، بلکه در شهرهای ماورالنهر و کشورهای تحت تسلط تاتارها سکونت دارند و به قول بعضی، آن ها تا مرزهای چین لااقل تا تبت پراکنده شده اند).

عده قابل ملاحظه‌ای تاجیکان در ازبکستان و قرغزستان به سر می‌برند. مردم تاجیک نسل آریایی قدیم بودند. اینان نمایانگر بسط یکی از کهن‌ترین تمدن‌های آسیای میانه پیش از ظهور ترکان به شمار می‌روند. زبان ملی مردم تاجکستان، زبان تاجیکی می‌باشد که با زبان دری و فارسی قرابت نزدیک دارد و هر دو وارث خصوصیات زبان و ادبیات مشترکی هستند.

اسکندر در سده ۴- ق م سرزمین تاجیکان را تصرف کرد و بعد از مطیع نگاهداشتن مردم آن لشکری از یونانیان و مقدونیان را ایجاد کرد و ۳۰ هزار تن از ایشان در آنجا ساکن شدند و با بومیان اختلاط و امتزاج نمودند.

در قرن دوم ق م سکاها جای یونانیان را گرفتند. در سال‌های ۳۹- ۲۷ ق-م کوای شانگ (کوشان) قبایل دیگر یوچی‌ها را به تصرف خویش در آورد و امپراتوری کوشان را تأسیس



امام علی رحمان

نمود که توانست حدود ۲۰۰ سال بر آسیای مرکزی حکومت کند. امپراتوری کوشانی در اواخر سده سوم میلادی رو به ضعف نهاد و قوم دیگری که رومیان آنان را (افتالیت) یا هون‌های سفید و یا اهیاطله می‌گفتند روی کار آمدند. یورش‌های پی در پی مهاجران ترک، این سرزمین را چنان ترک زده کرد

که مهاجمان مغول را نیز در سده‌های ۱۳ میلادی در خود فرو برد و آنان را هم تحت تأثیر قرار داد.

در وسط قرن ۱۹ م که به مرور زمان دامنه توسعه اراضی روسیه در جهت جنوب به سوی

توضیح

دو سلسله بزرگ چون صفاریان و سامانیان بر سرزمین تاجیکان حکومت کرده و طی سده های متمادی یکی از مراکز دل انگیز شعرا و فضلاء چون رودکی سمرقند، کمال خجندی، رشید سمرقندی، خواجه عبدالملک عساری سمرقندی، خواجه عصمت بخاری بساط بوریا باف سمرقندی و سیفی بخاری بوده است. سمرقند و بخارا مانند بلخ یکی از مراکز بزرگ علوم و فنون وقت و زمان خویش به حساب می رفت.

افغانستان کشیده شد، مراکز عمده تاجیک نظیر اورا، توبه و خجند به روسیه ضمیمه شد. شمال تاجکستان در قلمرو حکومت روسیه تزاری و جنوب آن زیر فرمان امیر بخارا درآمد.

در سال ۱۹۱۸ میلادی حاکمیت حکومت شوروی در متصرفات پیشین روسیه در آسیای میانه برقرار شد. در جریان همین سال شمال تاجکستان بخشی از جمهوری خودمختار ترکستان شوروی شد و در سال ۱۹۲۱ میلادی ارتش سرخ وارد بخش شرقی بخارا گردید و شهر دوشنبه را تصرف کرد.

در مرزبندی ملی سال ۱۹۲۴ جمهوری های

آسیای میانه، جمهوری شورایی تاجک جزو ازبکستان و شهر دوشنبه در سال ۱۹۲۹ استالین آباد و در ۱۹۶۱ مجدداً دوشنبه نامگذاری شد و هم به اساس سرحد بندی سال ۱۹۲۴ شهرهای چون سمرقند، بخارا مناطق چون سرخان دریا، قشقادریا و نواحی وادی فرغانه از پیکر تاجکستان جدا گردید و از همان روز های مرزبندی تا فعلاً کدام تغییر در آن رونما نگردیده است.

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱م تاجکستان استقلال سیاسی خویش را اعلام نمودند. و عضویت سازمان ملل متحد و تعداد مجامع بین المللی را حاصل کرد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند گروه اول راجع به اقوام ساکن در تاجیکستان، گروه دوم در مورد تجاوز روس‌ها بر تاجیکستان با یکدیگر مباحثه نمایند.

سؤالات:

۱. ساکنان تاجیکستان مربوط کدام نژاد می‌باشند؟
۲. تاجیکستان در کدام سال جزء از قلمرو جمهوری خودمختار ترکستان شوروی گردید؟
۳. تاجیکستان در کدام سال استقلال سیاسی خویش را کسب نمود؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان برویت منابع و مآخذ و هم به کمک استادان خویش راجع پخش و نشر اسلام در سرزمین تاجیکستان معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

ازبکستان



ازبکستان در گذشته جز مهم از منطقه پهنای ماورالنهر و یکی از مراکز بزرگ فرهنگ و تمدن اسلامی بود، در این درس به موقعیت، اقتصاد، فرهنگ و فشرده تاریخ آن آشنا می شوید.

ازبکستان کشوریست که در آسیای مرکزی میان رودخانه های آمو و سیردریا موقعیت دارد.

ازبک ها بزرگترین گروه قومی با بیش از ۷۱ فیصد نفوس کشور را تشکیل می دهند. سایر اقلیت های قومی مانند روس ها، تاجک ها قزاق ها و تاتارها نیز در ازبکستان به سر می برند. ۶۳ درصد جمعیت در قریه ها جات و قصبه ها امرار معیشت دارند. زبان رسمی مردم ازبکستان ازبکی و روسی می باشد.

سرزمین ازبکستان از ادوار قبل از میلاد مسکونی بوده است. در قرن ششم پیش از میلاد بخش بزرگ از این سرزمین جزء قلمرو هخامنشی ها شمرده می شد.

در سال ۳۲۹ ق. م اسکندر مقدونی سمرقند و ازبکستان فعلی را جز از قلمرو یونان باختری

ساخت، در اواسط قرن ششم میلادی تحت سلطهٔ خانات ترک‌ها قرار گرفت.

مسلمانان در نیمه دوم قرن هفتم میلادی بر قسمت‌های مهمی از آسیای مرکزی تسلط یافتند.



مسجد طلاکاری

قتیه بن مسلم والی عربی خراسان مامور فتح نهایی ماوراءالنهر شد و طی بیست سال تا نزدیکی مرزهای چین و کاشغر، از شمال تا تاشکند کنونی لشکر کشید و سرانجام سمرقند، تاشکند و فرغانه را تصرف نمود.

با ظهور و توسعهٔ دین مقدس اسلام، در قرن دهم میلادی، منطقهٔ کنونی ازبکستان جزء از قلمرو سامانیان گردید و با گذشت زمان به ترتیب سلاله‌های چون غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهان، مغولان، تیموریان در ازبکستان حکمروایی نمودند.

مغولان با هجوم به این منطقه، بخش بزرگی از آسیای مرکزی را تصرف کردند، اما به تدریج وبا تضعیف قدرت مغول، به‌خصوص پس از



اسلام کریم

حاکمیت تیمور که شهر سمرقند را به عنوان پایتخت امپراتوری خود بنیان نهاد، ازبک‌ها برای نخستین بار به عنوان یک قوم ظهور کرد.

ازبک‌ها نام خود را از ازبک خان ۱۲۸۲-۱۳۴۲م که به دین اسلام مشرف شده بود اقتباس کردند. چنانکه ابوالخیر خان (۱۴۱۲) یکی از اخلاف شییان جوان فرزند جوجی پایه و قدرت ازبک‌ها را در آسیای میانه بنا نهاد.

توضیح

سمرقند و بخارا از مراکز بزرگ و مهم تمدن اسلامی به حساب می‌رود. آثار و آبدات زیاد از تمدن اسلامی در آن به یادگار مانده است که به گونه مثال می‌تواند از مدرسه شیردار، مدرسه طلاکاری، مدرسه الغ بیک، مسجد بی بی خانم، مسجد نمازگاه، مسجد خانقاه، مقبره امیر تیمور گورکانی مزار خواجه عبدالله حرار، مزار رودکی، مزار شاه اسماعیل سامانی، مجموعه آثار خواجه بهاوالدین نقشبند، مدرسه میر عرب، مناره کلان و سایر مزارات و آبدات دیگر نام برد.

نزدیک به ۸۵ فیصد مردم ازبکستان مسلمان بوده و پیرو مذهب حنفی می‌باشند. باوجود تهاجمات فرهنگی متعدد به سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی پابند می‌باشند. ارزش‌های اسلامی مانند نکاح، تدفین، مراسم به خاک سپاری میت، ختنه پسران، قربانی، ذبح اسلامی تلاوت و استماع قرآن مجید، ساختمان مساجد، دادن صدقات در بین این کشور رعایت می‌گردد.

ترکیب ملی جمعیت ازبکستان از نیمه قرن ۱۹ و آغاز قرن بیستم شکل گرفته است. پس از اشغال آسیای مرکزی توسط روسیه و کوچ دادن تعداد زیادی از روس‌ها به آسیای مرکزی به خصوص بعد از انقلاب اکتوبر سال ۱۹۱۷م از

روسیه، قفقاز و اوکراین دهقانان و کارگران به این منطقه سرازیر شدند.

سیر تحولات سریع در اتحاد شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ میلادی به رهبری ازبکستان این فرصت را داد که در اول سپتمبر سال مذکور ازبکستان را به عنوان کشور آزاد و مستقل اعلان نماید. حزب کمونست ازبکستان منحل اعلان شده و اولین انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفت و اسلام کریموف به صفت رئیس جمهور انتخاب گردید.

ازبکستان از بدو استقلال به عضویت سازمان ملل متحد و تعداد نهادها، مجامع اقتصادی، بین المللی و منطقه‌ای داخل گردید.

ازبکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی دارای امکانات نسبتاً خوب اقتصادی در زمینه های رشد زراعت می باشد. سرزمین ازبکستان دارای معادن مس، سنگ زغال و نفت بوده، در تولید صنعت فولاد، مواد غذایی، منسوجات و پنبه به پیشرفت های زیاد نایل گردیده است.

زراعت مهمترین بخش اقتصاد ازبکستان را تشکیل می دهد، ۲۸ درصد از میزان رشد و ۳۵ درصد از جمعیت فعال کشور به این بخش وابسته اند. ازبکستان دومین کشور صادر کننده پنبه در جهان می باشد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد آبادات اسلامی و گروه دوم در مورد صنایع مهم ازبکستان باهم مباحثه نمایند.

سؤالات:

۱. موقعیت ازبکستان را مختصراً توضیح نمایید.
۲. کدام گروه های قومی در ازبکستان زنده گی می کنند؟
۳. کدام سلسله یا دودمان ها در سرزمین ازبکستان حکمروایی نمودند؟
۴. مردم ازبکستان به کدام زبان تکلم می کنند؟
۵. صنایع عمده ازبکستان را نام بگیرید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان نقشه ازبکستان را ترسیم نموده و در روی آن ولایات، مراکز صنعتی و کشورهای همجوار را نشانی نمایند.

ترکمنستان



ترکمنستان در گذشته جزئی از منطقهٔ ماورالنهر بوده و امروز یکی از بزرگترین کشورهای صادرکنندهٔ گاز در جهان می‌باشد. در تاریخ صنف نهم شما راجع به موقعیت، نفوس و زبان ترکمنستان آشنایی حاصل نمودید. در این درس به گذشته تاریخی، اصل نسب ترکمن‌ها و اوضاع فرهنگی و اقتصادی ترکمنستان به طور مشروح معلومات حاصل می‌نمایید.

ترکمنستان کشور است با سوابق تاریخی کهن. سرزمینی است که مهد تمدن‌های چند هزار ساله بوده و مراکز بزرگ فرهنگی مانند گوک تپه، نمازگاه تپه، شهر مرو، نساء قلعه و اورگنج شهر در آن موقعیت دارد. ترکمن‌ها از لحاظ چهره شبیه مغول‌ها بوده، مردمی نسبتاً بلند قد با موهای سیاه و لاغر اندام می‌باشند.

تحقیقات باستان‌شناسی نشان داده که ترکمنستان یکی از مراکز بزرگ مالداری و زراعت جهان بوده است. در عصر برونز تمدن‌های پیشرفته ازین محل نشأت کرد. یکی از آثار معماری تمدن باستانی ترکمنستان «الیتن رپ» است که بین روستاهای مینا و چاجا قرار دارد در این محل مقبره بزرگی که از نظر معماری شبیه به آثار بابل است قرار داشته و نیز باستان‌شناسان ثابت کرده اند که در این ناحیه زبان نوشتاری وجود داشته و مردم آن از فرهنگ عالی و واحد برخوردار بوده اند.

مؤرخین می‌گویند سرزمین ترکمنستان از دوران قبل‌التاریخ مسکونی، در قرن ۶-۴ ق-م بخشی

از قلمرو امپراتوری هخامنشی بوده و پس از آن به دست پارت‌ها افتاد. ترکمنستان به دلیل موقعیت جغرافیایی خود نقش مهمی را در جاده بزرگ ابریشم ایفا کرده و طی قرون متمادی باعث اتصال شرق و غرب گردیده است. در قرن ۵ میلادی این سرزمین در اثر هجوم هون‌ها و هپتالیان و عقب نشینی ساسانیان تحت سلطه ایشان درآمد. این نخستین نفوذ اقوام ترک به شمال خراسان بزرگ است. در قرن هفت میلادی با حمله مسلمانان به خراسان این منطقه نیز به تصرف ایشان درآمد. مرو پایتخت حکام عرب خراسان به شمار می‌رفت و حملات ایشان به ماورالنهر ازین مرکز هدایت می‌گردید. هم‌چنان حضور مامون الرشید در مرو و آمدن امام رضا رحمه الله در تاریخ ثبت شده است.

گرچه نخستین حضور ترکان درین منطقه و ماورالنهر با هجوم هیاطله در قرن ۵ میلادی مصادف بوده، لیکن هجوم ترکان غور یا اغوز از مرزهای مغولستان در قرن ۱۰ میلادی بافت جمعیتی این منطقه را برهم زد. سلجوق خان با کمک ترکمن‌های مسلمان موفق شد بر سیحون مسلط گردد و سلسله سلجوقیان را تشکیل دهد.

در قرن ۴ هجری مقدسی تاریخ نویس عرب اولین فردی بود که از طایفه‌ی به‌نام ترکمن یاد کرد و براین نکته تاکید داشت که ترکمن‌ها اولین ترک‌های مسلمان بوده و به همین دلیل به عنوان (ترک ایمان) از آن‌ها یاد شده است.

بر اساس کتاب جوامع التواریخ سلسله نسبی ترکمن چنین تنظیم می‌گردد. بافت بن نوح- دیب یا قوی- قراخان- اوغوز خان «جد اصلی ترکمن‌ها اورخان کرخان می‌باشد. ترکمنستان محل سکونت اقوام مختلف آسیای مرکزی بوده است ولی اکثریت جمعیت آن را ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند و قبیله‌های ذیل در آن سکونت دارند:

۱- عالی ایلی

۲- اتا

۳- چاودار

۴- امرای (یمره لی)

۵- ارساری

۶- گوکلان

۷- ساکار (ساقار)

۸- سایور

۹- ناریق

۱۰- تکه اریموت



ساختمان پارلمان ترکمنستان

از این که اکثر ترکمن‌ها در طول تاریخ از طریق مالداری زنده‌گی نموده‌اند بنا براین بسیاری از آن‌ها در نقاط دهاتی که امکان تداوم این گونه فعالیت‌های اقتصادی میسر بود مسکن‌گزین شدند. تهاجم مغول‌ها و شکست حکومت خوارزمشاهیان باعث از هم گسیختگی شدید اوضاع شد و شهرهای آباد آسیای مرکزی تماماً ویران و به دست مغولان افتاد. سرزمین مذکور به دو قسمت شمال در اختیار مغول و خان‌های ازبک و جنوب در اختیار ایلخانان قرار گرفت. بعد از شکست شیبک خان ازبک از قرن ۱۵-۱۷م این سرزمین به تصرف صفوی‌ها درآمد. در سال‌های ۱۸۵۰-۱۸۷۳ میلادی تحریکات سیاسی روسیه منطقه پهناور ترکستان را به حکومت‌های بخارا، خیوه، فرغانه، خوقند و قازان تقسیم کرد.

روس‌ها در یک حرکت زنجیره‌ای به ترتیب، بخارا ۱۸۶۸، خیوه ۱۸۷۳، فرغانه ۱۸۷۹ و بالاخره در سال ۱۸۸۱ جنرال اسکوبلوف روسی با حمله به اخال و تصرف قلعه گوک تپه توانست بر ترکمن‌ها غلبه حاصل نموده و ترکمنستان را اشغال نماید. بخش غربی ترکمنستان داوطلبانه جزء روسیه شدند. بعد از انقلاب ۱۹۱۷ میلادی در روسیه، ترکمنستان جز از جمهوری ترکمنستان شوروی گردید.

بعد از استقلال، اقتصاد ترکمنستان همانند دیگر جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای میانه مبتنی بر مالکیت دولتی بود طبق آمار منتشره ۹۵ درصد از کل محصولات کشور توسط واحدهای دولتی تولید می‌شد. بانک‌ها، بیمه، تجارت خارجی و فروشگاه بزرگ همه‌گی دولتی بودند. این سیستم اقتصادی متمرکز دولتی به علت عدم داشتن روحیه ابتکار، کم کاری، بوروکراسی فلج کننده و فقدان تکنالوژی دچار مشکلات جدی بود و جهت رفع مشکلات فوق دولت به دو اقدام ذیل دست زد:

۱. قطع رشته‌های وابسته‌گی به مسکو و دیگر کشورهای عضو کامنولت.
۲. پایه گذاری یک اقتصاد ملی به منظور استفاده مستقل از منابع طبیعی و تأمین نیازهای مهم داخلی جهت برآورده شدن مامول فوق یک ستراتیژی ملی چند مرحله‌یی را مطرح نمودند. ترکمنستان با داشتن ۲,۷ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز بعد از فدراسیون روسیه به عنوان بزرگترین کشور دارای ذخایر گازی در بین کشورهای مشترک المنافع شناخته شده است. در حدود ۴۸ درصد مردم ترکمنستان در امور زراعت و مالداری اشتغال داشته. ۸۰ درصد سرزمین‌های این کشور به فقدان منابع آبی مواجه می‌باشند. مالداری در ترکمنستان توسعه نسبتاً مناسبی داشته است. گوسفند قره قل با پشم و پوست بسیار مرغوب مهمترین حیوان برای پرورش است. یکی دیگر از صنایع ترکمنستان قالین بافی می‌باشد که در بین زنان ترکمن رواج داشته و قالین‌های ترکمنی شهرت بین المللی دارد. ترکمنستان در آسیای مرکزی به لحاظ شرایط خاص جغرافیایی از موقعیت ستراتیژیک

مناسب برخوردار است.

- این کشور دارای منابع عظیم زیر زمینی و به خصوص نفت و گاز می باشد، همین موضوع توجه دولت های منطقه را به ترکمنستان جلب نموده است.
- ترکمنستان دارای پتانسیل (بالقوه) انتقال گاز به اروپا و تعداد از کشورهای دیگر می باشد و به عنوان یکی از تأمین کننده های انرژی اروپا به حساب می رود.
- ترکمنستان به عنوان یکی از کشورهای ساحلی بحیره کسپین، دارای ذخایر بزرگ انرژی بوده و از ارزش اقتصادی بلندی برخوردار است.
- ترکمنستان در طی ۶۰ سال حاکمیت نظام اتحاد شوروی سابق همچون سایر جمهوری های آسیای مرکزی، مرحله از نظر تحولات تاریخی منجمد را سپری نموده است. تنها واقعه قابل ذکر درین دوران اعمار کانال قره قوم می باشد.
- با بالا گرفتن بحران در اتحاد شوروی سابق حزب کمونست ترکمنستان منحل گردید و حزب دموکراتیک ترکمنستان در ۲۶ اکتوبر ۱۹۹۱ ایجاد گردید که رهبری آن را نیازاف بر عهده داشت. در ۲۷ اکتوبر سال مذکور ترکمنستان رسماً استقلال خویش را اعلام نموده و به حیث یک کشور مستقل به رسمیت شناخته شد. یک سال بعد قانون اساسی جدید این کشور از طرف پارلمان تصویب شد، که بر اساس مواد آن به صلاحیت های رئیس جمهور افزوده شد.
- ترکمنستان بعد از استقلال عضویت سازمان ملل متحد، سازمان همکاری اقتصادی کشورهای مستقل مشترک المنافع، بانک توسعه آسیایی، بانک توسعه اسلامی، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان بین المللی کار و ده ها سازمان بین المللی دیگر را کسب نموده است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان در صنف به سه گروه جداگانه تقسیم شوند. گروه اول راجع به موقعیت ترکمنستان، گروه دوم در مورد استقرار ترک تبارها و گروه سوم در رابطه ریشه نژادی ترکمن ها از همدیگر سؤال نمایند.

سؤالات:

۱. قبایل مشهور ترکمن ها را نام بگیرید؟
۲. روس ها در کدام سال ترکمنستان را اشغال نمودند؟
۳. ترکمنستان بعد از استقلال چگونه ستراتیژی را مطرح نمود؟
۴. بزرگترین قلم صادراتی ترکمنستان را چه تشکیل می دهد؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان نقشه ترکمنستان را ترسیم نموده، در روی آن مراکز صنعتی، فرهنگی، پایتخت و همسایه گان آن را نشانی نمایند.

بررسی فصل سوم

فصل سوم کتاب تاریخ صنف دوازدهم تحت عنوان «کشورهای همجوار» تهیه و ترتیب گردیده است که شامل تاریخ معاصر کشورهای چین، پاکستان، ایران، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان می‌باشد. در تألیف این فصل تا حدی زیاد کوشش شده تا شاگردان به طور فشرده با رویدادها، حوادث، موقعیت، نفوس، زبان‌های مروج و معمول، میراث‌های فرهنگی، اقتصاد و صنعت هر کشور معرفت و آشنایی حاصل نمایند و هم‌چنان در تعدادی از دروس سعی به عمل آمد است تا حوادث تاریخی کشورهای همجوار در طی دوره‌های خاص فهرست گردیده و به تفصیل بیشتر وقایع پرداخته شده است تا شاگردان در عمق قضایا و رویدادهای تاریخی قرار بگیرند و حوادث تاریخی برای شان واضح و قابل فهم باشد. و تاریخ از چارچوب خشک سیاسی بیرون گردیده تصویر و انعکاس خوبی از ارزش‌های انسانی را ارائه کرده بتواند که انعکاس دهنده فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه بشری می‌باشد. گرچه ذکر تمام حوادث و رویدادهای تاریخی کشورهای همجوار در طی یک فصل کار بی نهایت مشکل است، ولی تا سر حد امکان کوشش شده که به مامول و هدف مورد نظر رسیده باشیم.

فصل چهارم

رویداد های مهم جهان در قرن بیستم

اهداف فصل چهارم

- ۱- آشنایی شاگردان با بعضی از رویدادهای مهم جهان در قرن بیستم
- ۲- شاگردان جنگ جهانی اول و علل آن را تحلیل کرده بتوانند
- ۳- شاگردان جنگ جهانی دوم و علل آن را تحلیل کرده بتوانند
- ۴- شاگردان ضرورت تشکیل سازمان ملل متحد را درک کرده بتوانند
- ۵- دانستن زمینه‌های تبدیل جاپان به قدرت صنعتی
- ۶- شاگردان عوامل فروپاشی اتحاد شوروی سابق را تحلیل و تفسیر کرده بتوانند
- ۷- استفاده از نقشه و اطلس ها
- ۸- ساختارهای سیاسی آلمان فدرال، فرانسه و انگلیس را بدانند

جنگ جهانی اول و علل آن



در این درس شاگردان با علل و عوامل جنگ جهانی اول و پیامدهای ناگوار آن آشنایی حاصل می‌نمایند.

غرب در اوایل قرن بیستم با سلطه نظامی و اقتصادی بر جهان دست یافت. درین قرن سربازان و مقامات اروپایی بر هند، جنوب شرق آسیا و قسمت‌های بیشتر افریقا حکومت می‌کردند. مأموران سیاست خارجی و تجارتی دول غربی امور اقتصادی و سیاسی چین، ایران و امپراتوری عثمانی را در دست داشتند. در نیم کره غربی، ایالات متحده آمریکا که در جمع قدرت‌های غربی نو مطرح شده بود، به قدرت بزرگ جهانی تبدیل می‌شد.

تحول اوضاع و احوال جهان به گونه بود که وقوع جنگ عمومی را محتمل می‌ساخت و این اوضاع و احوال سرانجام به جنگ جهانی اول انجامید. نخست رقابت اقتصادی بر سر بازارها آغاز شد و اتحاد اروپا، کشورها را بر ضد یکدیگر متحد ساخت، و در گروه‌های قومی احساسات ملی گرایانه با نیرومندی رشد کرد.

کشورهای صنعتی اروپا بر سر نفوذ و مستعمره ساختن کشورهای دیگر با هم رقابت داشتند.

انگلستان تا ۱۸۷۰م کشور صنعتی پیشگام در سراسر جهان بود، سپس آلمان پا به عرصهٔ صنعت نهاد و به سرعت صنعتی شد و شبکهٔ حمل و نقل و ارتباطات جدید را ایجاد نمود. تجار آلمانی رقابت موفقیت آمیزی را با تجار انگلیسی در شرق آسیا، خاور میانه و امریکای لاتین آغاز کردند.

رقابت بر سر قدرت بین المللی به مسابقه تسلیحاتی دریایی نیز مبدل گردید. کشورهای بزرگ مانند ایالات متحده آمریکا و جاپان، برای محافظت از مسیرهای کشتی رانی خود، نیروهای دریایی شان را تقویت کردند.

انگلستان ساختن کشتی ها و توپ های دریایی غول پیکر را در ۱۸۸۴م آغاز کرد. آلمان که رقیب اصلی انگلستان در عرصهٔ اقتصادی بود، به زودی از آن کشور تقلید کرد.

رشد سریع نیروی دریایی جرمنی در اوایل سده بیستم تهدیدی برای نیروی دریایی انگلستان بود. انگلیس سعی کرد برای پایان دادن به مسابقهٔ تسلیحاتی دریایی، با آلمان به توافقی دست زند. زمانی که این کوشش ناکام ماند، انگلستان نیز به جستجوی متحدان برخاست.

فرانسه و انگلستان موافقتنامهٔ میان کشورهای خویش در ۱۹۰۴م امضا کردند. انگلستان در ۱۹۰۷م با روسیه نیز متحد شد و اتحاد این کشورها به اتفاق سه گانه (مثلت) تبدیل گردید.

قدرت های بزرگ اروپا در آن زمان در دو نظام اتحادی بر ضد یکدیگر صف بسته بودند، و هردو نظام خود را مسلح می ساختند. تهدید جنگ جهانی بیشتر شد، بدگمانی و بی اعتمادی، سیاست خارجی صلح آمیز را بیش از پیش دشوار ساخت. قبل از وقوع جنگ جهانی اول ولیعهد اتریش در سارایو مرکز بوسنی به قتل رسید.

آلمان مصمم بود که تنها از متحد بزرگش اتریش پشتیبانی کند. متحد دیگرش ایتالیا بود. روسیه بر عکس تصمیم گرفت به صربستان، کمک کند. ارتشی روس نخستین ارتش بود که برای

جنگ آماده شد. حکومت آلمان از روس‌ها خواست تا دست از بسیج قوا بردارد، زیرا از آن بیمناک بود که روسیه و فرانسه هر دو و همزمان به خاکش حمله کنند. روسیه درخواست آلمان را رد کرد و در اول اگست ۱۹۱۶ آلمان به روسیه و بعداً به فرانسه اعلان جنگ داد. آلمان‌ها بی‌طرفی بلژیک را در ۳ اگست ۱۹۱۴ نقض و به آن کشور حمله کردند، روز بعد انگلستان به آلمان و اتریش اعلان جنگ داد. در ظرف یک هفته پس از تصمیم اتریش برای حمله به صربستان، کشورهای دو اتحاد بزرگ وارد جنگ شدند.

جنگ جهانی اول در اگست ۱۹۱۴ آغاز گردید و کشورهای عضو هر دو اتحاد امیدوار بودند که به سرعت پیروز شوند، البته همه آن‌ها به اشتباه محاسبه می‌کردند. روس‌ها به سرعت بسیج شدند. فرانسه حمله آلمان را از طریق بلژیک پیش بینی نمی‌کرد. ایتالیا از جنگیدن در جبهه متحد آلمانی‌ها و اتریش‌ها سرباز زد. اتریش، بیشتر به لحاظ دست پاچگی، نتوانست حتی بر صربستان کوچک پیروز شود.

امریکا سنت جدایی از امور اروپا را حفظ کرد و بی‌طرفی خود را اعلام داشت. جبهه‌های شرقی و غربی دو میدان اصلی جنگ بود جبهه غربی از مرز سویس و در خاک فرانسه تا بحیره شمال ادامه داشت. جبهه شرقی به خاک لهستان و روسیه کشیده شده بود در ۱۹۱۶م جبهه شرقی در بالکان باز شد.

متفقین در ۱۹۱۵م کوشیدند برای شکست دادن امپراتوری عثمانی، جای پایی در آبنای دردنیل ایجاد کنند، هزاران تن از نیروهای متفق، که بسیاری از آنان جوانان استرالیایی بودند، در دامنه کوهستان‌های که ترکان عثمانی، با توپ و سلاح دست داشته از آن‌ها دفاع می‌کردند، جان خود را از دست دادند. اتباع عرب امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۶ بر ضد حاکمان ترک‌شان قیام کردند. این قیام به رهبری ملک فیصل، از خاندان اصیل هاشمی از عربستان به فلسطین و سوریه کشیده شد. فرانسه و انگلستان هر دو نیازهای شورشیان عرب را تأمین کردند. و به

این ترتیب امپراتوری عثمانی با پیشروی جنگ فرو پاشید و باسقوط خلافت عثمانی مسلمانان سمبول وحدت سیاسی خود را از دست دادند.

آلمانی‌ها در فیروری ۱۹۱۶ با مشکل اقتصادی روبه‌رو شدند. مرکز و فرماندهی ارتش آلمان برای بیرون رفتن از بن بست تصمیم گرفت به شهر وردن در فرانسه حمله کند. البته انتظار نداشتند که در جبهه نیروهای متفق پیروزی بزرگ به دست آورد. بلکه امیدوار بودند تا نیروهای فرانسوی را در جریان دفاع از شهر به تدریج از بین ببرند.

مدافعان، برای برداشتن فشار از آوردن نیروی مرکب از انگلیس‌ها و فرانسوی‌ها تشکیل دادند و حمله سنگین را در امتداد رود سُوم^۱ آغاز کردند. در نخستین روز نبرد سوم، انگلیس‌ها حدود ۶۰۰۰۰ نفر تلفات دادند. در ۲۴ ساعت اول، در هر دقیقه ۱۵ انگلیسی کشته و ۳۰ تن مجروح شدند.

انگلیس‌ها در جریان نبرد سوم وسایل جنگی تازه دیگر را وارد کردند. نبرد شهر وردن تا دسامبر ادامه یافت آلمانی‌ها درین نبرد ۳۳۰۰۰۰ و فرانسوی‌ها ۳۵۰۰۰۰ تلفات دادند. تلفات در جبهه ایتالیا در حدود ۳۰۰۰۰۰ بالغ شد. در جبهه شرقی شاید حدود ۲،۱ میلیون تن در نبرد کشته شدند. نبرد سوم بیش از یک میلیون مجروح بر جای گذاشت.

در ۷ می ۱۹۱۵م یک زیردریایی آلمانی به کشتی اقیانوس پیمای لوسی تانیا که در دریای ایرلند در حال حرکت بود، حمله برد. این کشتی به سرعت غرق شد و ۱۲۰۰ تن تلفات جانی داشت بیش از ۱۰۰ تن از غرق شده گان اتباع ایالات متحده آمریکا بودند. لوسی تانیا به مقصد انگلستان مخفیانه سلاح و مهمات حمل می کرد.

غرق شدن لوسی تانیا، ایالات متحده و آلمان را به میدان جنگ کشانید ۱۰ ماه بعد تنشها افزایش یافت. در ۲۴ مارچ ۱۹۱۶ آلمانی‌ها کشتی فرانسوی ساکن در بحیره مانش را غرق کردند و بار

۱- سوم (Somme) منطقه یی است در شمال شرق فرانسه مشرف به بحیره مانش،

دیگر اتباع امریکا کشته شدند.

جنگ جهانی اول نخستین نبرد هوایی تاریخ بود در مراحل نخستین جنگ اکثر کشورهای درگیر برای شناسایی موقعیت واحدهای دشمن از هواپیماها استفاده کردند. ایالات متحده امریکا و متفقانش با نظام مراقبت دریایی به حمله‌های آلمان پاسخ دادند. تعدادی از کشتی‌ها به منظور مراقبت همراه یکدیگر حرکت می‌کردند.

در مارچ ۱۹۱۸ در مدت ۱۸ روز پس از امضای معاهده برست لیتوفسک، انتقال نیروهای آلمانی از جبهه روسیه به جبهه غرب امکان پذیر شد. آلمانی‌ها حمله وحشت باری را در جبهه غربی آغاز کردند و با بمباران سنگین آتش توپخانه و بم‌های گازی یورش آوردند و واحدهای انگلیسی، فرانسوی، بلژیکی را به سمت دریا عقب راندند.

بلغارستان در سپتامبر ۱۹۱۸ م با درخواست آتش‌بس موقت موافقت کرد. امپراتوری عثمانی در پایان اکتوبر تسلیم شد در سوم نوامبر ۱۹۱۸ م اتریش و مجارستان توافق آتش‌بس را امضا کردند که به منزله پایان یافتن مداخله آن‌ها در جنگ بود.

در صبح ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ م آتش‌بس عمومی به اجرا درآمد و غرش توپها در جبهه غربی خاموش شد. پس از چهار سال سرانجام جنگ جهانی اول به پایان رسید.

بر اساس آمار رسمی جنگ جهانی اول ۹،۱ میلیون سرباز نیروهای زمینی و بحری در جنگ کشته شدند و یا از جراحت و بیماری جان باختند و بیش از ۲۱ میلیون تن نظامی مجروح شدند. ۷،۴ میلیون تن اسیر یا مفقودالاثر گردیدند. این ارقام شامل غیر نظامیان نمی‌گردد.

پیامدهای اقتصادی جنگ

در اثر جنگ جهانی بیشتر نواحی شمال شرقی فرانسه، لهستان (پولند)، صربستان و شمال شرق ایتالیا به ویرانه تبدیل شد. تنها در فرانسه حدود ۴۸۰۰ کیلومتر مربع زمین‌های جنگلی سوزانده شده، و حدود ۱۲۸۰۰ کیلومتر مربع زمین‌های زراعت نابود گردید. زراعت میکانیزه در

اطراف وردن تا یک نسل پس از جنگ ناممکن بود، به‌خاطری که پارچه‌های فلز روی اراضی را پر کرده بود. خسارات مادی، مردم نواحی روستایی و شهری، هردو را با مشکل اقتصادی روبه‌رو ساخت. زراعت بیشتر از یک میلیون رأس مواشی و حیوانات را از دست دادند. در شهرها زیاده‌تر از ۶۰۰۰۰۰ ساختمان ویران و یا آسیب دید. پل‌ها، راه‌های بزرگ، تونل‌ها، راه‌های آهن، خطوط تلگراف و تلیفون از بین رفت.

جنگ جهانی اول پرمصرف‌ترین و ویرانگرترین جنگ تاریخ بشریت به حساب می‌رود. این جنگ امپراتوری روسیه، آلمان، اتریش، مجارستان و ترکیه عثمانی را متلاشی کرد. سلسله‌های رومانوف هونسولرن و هاپسبورگ از قدرت ساقط شدند. بیشتر نقشه اروپا و جنوب غربی آسیا از نو کشیده شد و امپراتوری فرانسوی در میان فاتحان تقسیم گردید. جنگ فرانسه و روسیه را ویران کرد و آلمان، بلژیک و انگلستان را نیز متضرر ساخت. ایالات متحده آمریکا به انزوا بازگشت. قحطی و بیماری تلفات زیاد را ببار آورد و امپراتوری‌های قدیم اروپا از هم گسیخت. و بالاخره صلح پس از چهار سال جنگ طولانی فرا رسید.

فعالیت داخل صنف



شاگردان در صنف به دو گروه جداگانه تقسیم شوند. گروه اول راجع به علل جنگ جهانی اول و گروه دوم در مورد رقابت کشورهای اروپایی باهم مباحثه نمایند.

سؤالات:



۱. جنگ جهانی اول در کدام سال به وقوع پیوست؟
۲. در دو اتحاد جداگانه کدام کشورها عضویت داشتند؟
۳. بیشترین تلفات را درین جنگ کدام کشورها متقبل شدند؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان در مورد عواقب و پیامدهای بعد از جنگ از روی منابع و مآخذ مطالبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

جنگ جهانی دوم



در این درس راجع به بحران سال‌های قبل از جنگ، عوامل جنگ و پیامدهای آن آشنا می‌شوید.

بحران و رکود اقتصادی بین سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۳۳ م در آلمان با قوت خاص گسترش یافت و این بحران سه سال دوام نمود، صنایع ۴۰ درصد کاهش یافت. تعداد بی‌کاران به ۷،۵ میلیون نفر رسید، مزد واقعی ۲۵ - ۴۰ درصد تنزیل یافت. زراعت دستخوش حوادث شده تعدادی از بانک‌ها ورشکست گردید، بحران اقتصادی، ساختار سیاسی جمهوری ویمار را متزلزل ساخت و زمینه را برای ظهور هیتلر در صحنه سیاسی فراهم کرد.

ادولف هیتلر در سال ۱۸۸۹ م در اتریش به دنیا آمد، پس از جنگ جهانی اول حزب نازی را تشکیل و در اوایل ۱۹۲۰ م رهبری آن را به دست گرفت که ملی‌گرایی، افراط‌گرایی، نژادگرایی و یهود ستیزی اصول حزب نازی بود. هیتلر در جنگ عمومی اول چند بار مجروح شد. یکی از شعارهای نازی‌ها این بود: (امروز آلمان، فردا جهان) هیتلر معتقد بود که هر کسی بر اروپای مرکزی مسلط شود، می‌تواند بر سراسر قاره اروپا و جهان تسلط یابد.

فرمان‌روایان سلطه طلب اروپا تهدیدی علیه صلح بودند. در اتحاد شوروی، استالین می‌خواست قدرتش را گسترش دهد، موسولینی در اروپا استقرار دوباره امپراتوری روم باستان را در سر

می‌پروراند.

در ۱۹۳۶ میلادی جامعه ملل به کلی بی‌اعتبار شده بود. هیتلر و موسولینی در اکتوبر همان سال محور روم-برلین را تشکیل داده و آن را «پیمان پولادین» نامیدند. پس از مدت کوتاهی جاپان و ایتالیا پیمان ضد کمترن را امضا کردند، پیمانی که هدف آن جلوگیری از گسترش کمونیزم بود.

امپراتوری جاپان در تابستان ۱۹۳۷م به شمال چین یورش برد. جامعه ملل بار دیگر نتوانست صلح را برقرار سازد. هیتلر در ۱۹۳۸م اتریش را ضمیمه آلمان کرد، سپس خواستار الحاق سودت و مناطق آلمانی که بر اساس پیمان ورسای جزو چکوسلواکیا شده بود، دوباره به آلمان یکجا ساخت. هیتلر و موسولینی در ماه دسامبر با نخست وزیران انگلستان و فرانسه در مونیخ دیدار کردند.

ارتش آلمان در اول دسامبر ۱۹۳۹م به لهستان (پولند) هجوم برد. و اردوی لهستان به سرعت درهم شکست. انگلستان و فرانسه در ظرف ۲۴ ساعت به آلمان اعلان جنگ دادند دیگر جنگ دوم جهانی آغاز شده بود. پیش از آن که جنگ در اروپا آغاز شود، موسولینی دیکتاتور ایتالیا ایتوپیا را فتح کرد. در شمال افریقا بر سر تسلط بر مصر و کانال سوئز جنگ در گرفت. طرف برنده که بر کانال سوئز مسلط می‌شد، ازین طریق می‌توانست کشتی‌های جنگی را مستقیماً به جبهه آسیا بفرستند. کشوری که بر شمال افریقا مسلط می‌گردید به مناطق نفت خیز خاور میانه نیز دسترسی حاصل می‌نمود.

نیروهای متفقین پیشروی نازی‌ها را در العین، مصر متوقف ساختند و در سال ۱۹۴۲م به ضد حمله دست زدند و ۹۰۰۰ سرباز آلمانی را به اسارت گرفتند.

جنگ جهانی دوم در اروپا آغاز شد، آلمانی‌ها کاملاً برای جنگ آماده‌گی داشتند و وسایل جنگی ایشان جدید بود، و واحدهای نظامی آنان به خوبی آموزش دیده بودند. در دسامبر ۱۹۳۹ تعداد ۵۳ لشکر (فرقه) آلمانی به لهستان یورش بردند و ارتش بزرگ لهستان را در ظرف چهار هفته به شکل بد درهم کوبیدند. دراین میان شوروی‌ها، بر اساس توافق محرمانه با آلمان، لهستان شرقی را گرفتند.

فرانسه پس از جنگ اول، مرزش را با آلمان تقویت کرده بود و برای جلوگیری از یورش

دیگری از جانب شرق خطی از استحکامات، به طول ۳۲۰ کیلومتر ساخت. این استحکامات بر اساس نام سیاستمداری که نقشه آن را کشید، خط ماژینو نامیده شد. بیشتر این استحکامات زیر زمین ساخته شده بود.

آلمان به لهستان حمله کرد، نیروهای فرانسوی در خط ماژینو مستقر شدند و انگلیس‌ها از بحیرهٔ مانش گذشتند و در شمال فرانسه استقرار یافتند. نیروهای دریایی انگلیس بندرهای آلمانی را محاصره کردند.

در جریان جنگ شوروی‌ها در شرق، دولت‌های لاتویا، استونی و لیتوانیا را، در حوزه بالتیک وادار به اتحاد کردند. واحدهای شوروی همچنین اردوی فنلاند را شکست دادند، و مرزهای قدیمی روسیه را باز گرفتند.

در نهم اپریل ۱۹۴۰م، نیروهای آلمانی از زمین و هوا به دنمارک و ناروی حمله کردند. دنمارکی‌ها اردو نداشتند و فوراً تسلیم شدند. ناروژی‌ها سعی کردند بجنگند، اما در ظرف سه هفته شکست خوردند.

در دهم می ۱۹۴۰م نازی‌ها به بلژیک و هالند حمله کردند، آلمانی‌ها از نیروهای دریایی، پیاده، تانک، طیارات بمب افکن و قوای کماندو استفاده می کردند و در اطراف خط ماژینو متمرکز شدند.

آلمانی‌ها در جون همین سال نیروهای شان را در جبههٔ غرب متمرکز کردند و بعداً از طریق دشت‌های شمال به فرانسه حمله کردند. از خط ماژینو گذشتند و در مدتی کمتر از شش هفته به پاریس رسیدند.

فرانسه در ۲۲ جون ۱۹۴۰م در برابر آلمان تسلیم شد. مارشال هانری پتن، قهرمان سالخورده جنگ جهانی اول، حکومت تازه تشکیل داد و با آلمان قرار داد آتش‌بس امضا کرد. بر اساس شرایط تسلیمی، ارتش فرانسه خلع سلاح شد. آلمان شمال فرانسه، از جمله پاریس را اشغال نمود. دولت پتن برای اداره فرانسه اشغال نشده در جنوب کشور، به ویشی انتقال یافت. در انگلستان رهبری مردم را صدراعظم جدید به نام وینستون چرچیل به عهده گرفت، انگلیس‌ها مصمم بودند جنگ را ادامه دهند.

دامنهٔ جنگ به شبه جزیره بالکان نیز کشیده شد. موسولینی در خزان ۱۹۴۰م به یونان حمله کرد. در پایان سال مذکور، مجارستان و رومانی به نیروهای محور پیوستند. در اوایل سال بعد

بلغارستان نیز با فاشیست‌ها متحد شد، در بهار ۱۹۴۱م نازی‌ها به یوگوسلاوی حمله بردند و بر یونان کاملاً مسلط شدند. در آفریقا، ارتش ایتالیا در سومالی و مصر با انگلیس‌ها جنگید. تا بهار ۱۹۴۱م سراسر شمال آفریقا به صحنه جنگ کشیده شد.

نبرد با انگلستان به درازا کشید، هیتلر شکیبایی خود را نسبت به جبهه غربی از دست داد و توجه خود را به شرق معطوف نمود و کمونیزم را دشمن واقعی تلقی کرد، نام‌برده معتقد بود که پیروزی بر اتحاد شوروی گام دیگری به سوی تسلط بر جهان است و در ۲۲ جولای آلمانی‌ها عملیات جنگی علیه روس‌ها را آغاز کردند. واحدهای آلمانی به اتحاد شوروی، با جبهه‌ای حدود ۳۲۰۰ کیلومتر از دریای بالتیک تا بحیره سیاه، یورش بردند. آلمان‌ها به شرق لهستان و سرزمین‌های بالتیک و بعداً به روسیه مرکزی و اوکراین هجوم بردند در سپتامبر ۱۹۴۱م محاصره لیننگراد آغاز گردید و صد روز به درازا کشید. نازی‌ها در ماه اکتوبر اوکراین را تصرف و وارد کریمه شدند.

در نوامبر ۱۹۴۱م، نیروهای آلمانی و خطوط تدارکاتی آن بی اندازه گسترش یافت و نشانه‌های شروع فرسوده‌گی در ماشین جنگی بزرگ آلمان دیده شد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند گروه اول راجع به علل جنگ جهانی دوم و گروه دوم راجع به نقش ادلف هیتلر و این جنگ بین خویش مباحثه نموده و نتیجه را در صنف ارائه نمایند

سؤالات:

۱. جنگ جهانی دوم در کدام سال واقع گردید؟
۲. کشورهای محور شامل کدام ممالک می‌گردید؟
۳. آلمان بالای روسیه شوروی در کدام سال حمله نمود؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از روی منابع و مأخذ و به کمک استادان خویش راجع به شکست کشورهای محور معلومات حاصل کرده و آن‌را در صنف ارائه نمایند.

حمله جاپان به هندوچین



در این درس حمله جاپان به جزایر هندو چین، شکست قوای محور و پیامدهای جنگ دوم جهانی آشنا می گردید.

در حالی که اردوی هیتلر در سراسر اروپا پخش می شد. جاپانی ها به فتوحات شان در شرق ادامه می دادند و می خواستند بر ناحیه وسیعی در شرق مسلط شوند و از زمین و منابع شان استفاده کنند. جاپان در ۱۹۳۲م بر منچوریا مسلط شد. در ۱۹۳۷م، واحدهای جاپانی و چینیایی نزدیک پیکن زد و خورد کردند. اردوی جاپان شهر مذکور را گرفت و سپس بسوی جنوب حرکت کرد و جاپانی ها تا سال ۱۹۳۹م تقریباً یک چهارم چین را اشغال کردند، اما چینیایی ها تن به تسلیمی ندادند و پایتخت را به یانگ تسه منتقل ساخته و به جنگ پراگنده پرداختند.

جاپان در سال ۱۹۳۹م جزیره هانیان و بعضی جزایر کوچک نزدیک ساحل هندوچین را تصرف کرد. این پیروزی مسیر تدارکاتی انگلستان را از هانکانگ تا سنگاپور به خطر انداخت. تهاجمات مذکور ایالات متحده آمریکا را نگران ساخت. ایالات متحده آمریکا در اوایل ۱۹۴۱م همه روابط تجارتی خود را با جاپان قطع نموده و دارایی این کشور را در آمریکا ضبط نمود. در دسامبر همین سال جاپانی ها به پایگاه های امریکایی در جزایر هاوایی و فیلیپین و نیز پایگاه های انگلیسی در هانکانگ و مالایا حمله بردند. جاپانی ها طیارات و کشتی های جنگی

ایالات متحده آمریکا در اقیانوس آرام را که در پرل هاربر لنگر انداخته بود بمباران کرد. پیلوتان جاپانی ۱۸ کشتی جنگی و ۱۸۰ فروند طیارات امریکایی را منفجر کرده و در حدود ۳۵۰۰ تن را کشتند.

جاپان از حمله‌های دسامبر ۱۹۴۱م در اقیانوس آرام امتیاز بسیار بزرگی بدست آورد و تا اوایل ۱۹۴۲م به سوی هدف خویش که تسلط بر قسمت‌های شرق آسیا بود، پیش می‌رفت. ارتش امپراتوری جاپان در جنگ‌های برما پیش رفت و گورم، جزیره ویک، و جزایر فیلیپین را تصرف نمود. هانگ کانگ، سنگاپور، جزایر هند شرقی نیز سقوط کرد. نیروهای جاپانی حمله ای را به هند برتانوی، تدارک می‌دید. در استرالیا، زیلاند جدید و جزیره‌های هاوایی نیز پیشروی کردند. و چنین به نظر می‌رسید که هیتلر و موسولینی پیروزی را به دست آوردند. بالمقابل نیروهای محور به رهبری چرچیل صدراعظم انگلیس، استالین رهبر شوروی و روزولت رئیس جمهور آمریکا برای مقابله با تهاجم باهم پیوستند. انزوا جویی ایالات متحده آمریکا پس از حمله به پرل هاربر پایان یافت. نیروهای هوایی و دریایی امریکایی و استرالیایی در می ۱۹۴۲م پیشروی جاپانی‌ها را در اقیانوس آرام متوقف ساختند. ایالات متحده آمریکا یک ماه بعد کشتی برزگتری جاپانی را که برای حمله به جزیره میدوی به سمت شرق در حرکت بود متوقف کرد. جاپان و ایالات متحده سه روز در هوا و دریا در شمال جزیره میدوی جنگیدند که سرانجام ایالات متحده آمریکا پیروز شد.

شکست قوای محور

در نوامبر ۱۹۴۲م حملات شدید قوای شوروی، آلمانی‌ها را وادار به عقب نشینی کرد و آن‌ها را به محاصره درآورد. هیتلر به واحد هایش دستور داد به جنگ ادامه بدهند اما در جون ۱۹۴۳ واحدهای آلمانی تسلیم شدند.

در تابستان ۱۹۴۳م نیروهای انگلیسی- امریکایی، سیسیل را تصرف کردند. در آخرین ماه‌های همین سال متفقین آهسته آهسته به سمت شمال پیشروی می‌کردند. در اقیانوس آرام جاپانی‌ها را نیز جزیره به جزیره عقب راندند.

روزولت، چرچل و استالین در نوامبر ۱۹۴۳م در تهران دیدار کردند. آن‌ها در باره نقشه‌ی صحبت کردند که به عملیات ارباب معروف است، و آن عبارت از حمله متفقین به فرانسه بود.

نیروهای متفقین بر اساس این نقشه باید از بحیره مانش می گذشتند و در سواحل نرماندی پیاده می شدند.

بیش از ۱۷۵۰۰۰ سرباز و تجهیزات فراوان در این حمله به کار گرفته شد. در ظرف ۱۰۰ روز پس از پیاده شدن نیروها در نرماندی در حدود ۲ میلیون سرباز وارد فرانسه شدند و در ۲۵ آگست ۱۹۴۴م پاریس را آزاد ساختند.

قوای شوروی در جون ۱۹۴۴م ستونی، لیتوانی، لیتویا، رومانی و بلغارستان را گرفتند و نیروهای انگلیسی آلمان ها را از خاک یونان بیرون راندند.

روزولت چرچل و استالین در فبروری ۱۹۴۵م در ایتالیا، در استراحتگاهی در کنار بحیره سیاه دیدار کردند. رهبران همچنین سعی کردند در باره چگونه گی حل و فصل امور در اروپا پس از جنگ توافق کنند. آن ها نقشه تقسیم آلمان را به مناطق اشغالی کشیدند، برای هر یک از نیروهای عمده متفقین به اضافه فرانسه یک منطقه را مشخص کردند. کشورهای اروپایی که از سلطه نازی آزاد شدند، باید حکومت های شان را انتخاب می کردند. روزولت موافقت کرد که اتحاد شوروی به سازمان ملل متحد پیوندد و امتیازات این کشور را در اروپای شرقی تضمین کند.

در اوایل ماه می ۱۹۴۵م پس از نبرد خونین در جاده های شهر برلین، این شهر در برابر روس ها سقوط کرد و زنده گی هیتلر در پناهگاهی زیر زمینی اش به پایان رسید. جنگ با جاپان هنوز جریان داشت. روزولت در اپریل ۱۹۴۵ ناگهان در گذشت و هری ترومن که به ریاست جمهوری امریکا رسید از طرح سری مهنتن آگاه شد. گروهی از دانشمندان و مهندسان زیر پوشش این نام مشغول ساختن نخستین سلاح اتمی بودند. متفقین در ۲۶ جولای به حکومت جاپان اولتیماتوم دادند و از آن کشور خواستند تسلیم شود، حکومت جاپان التیماتوم را نه پذیرفت.

در ۶ آگست ۱۹۴۵م بمب افکن دور پرواز امریکایی بر فراز شهر هیروشیما، در جاپان، بمب اتمی انداخت، این بمب بیش از ۶۰ در صد شهر را ویران کرد و علاوه بر آن ۱۵۰۰۰۰ تن را کشت.

اما باز هم جاپان تسلیم نشد و در ۹ آگست ۱۹۴۵م طیاره B-۲۹ بر فراز ناگاساکی بمب اتمی دیگر انداخت و نزدیک به ۴۰۰۰۰ تن از مردم بی دفاع به صورت وحشیانه کشته شد. حدود

۷۰۰۰۰ به شکل بسیار وحشت ناک سوخته بودند.

جاپان در دوم سپتامبر ۱۹۴۵م تسلیم شد. خبر تسلیمی جاپان به سراسر جهان رسید. جمعیت‌های عظیم در همه شهرهای بزرگ کشورهای متفقین به جشن و شادی پرداختند. در هفته‌های بعد روس‌ها منچوریا را اشغال کردند. نیروهای جاپانی در اندونیزیا و مالایا تسلیم انگلستان شدند. نیروهای ایالات متحده آمریکا، جاپان را اشغال و چین را آزاد کردند و به این ترتیب ویرانگرترین جنگ در تاریخ بشریت بالاخره به پایان رسید.

ج- نتایج جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم خسارات جانی و مالی فراوان به جا گذاشت. درین جنگ در حدود ۴۰-۵۰ میلیون تن کشته شدند. ایالات متحده آمریکا ۳۰۰۰۰۰ تن از نیروهای مسلحش را از دست داد. مصارف جنگی بالغ بر یک تریلیون دالر گردید. ۲۳۰ میلیارد دالر را کشورهای محور خرج نمودند. ایالات متحده آمریکا- در حدود ۳۱۷ تا ۳۴۱ میلیارد دالر مصرف نمود. شهرهای بزرگ چون وارشا، لندن، برلین خسارات سنگین دیدند، هیروشیما و ناگاساکی تقریباً نابود شدند. مردم سراسر اروپا و آسیا خانه‌ها، مزارع و هم‌چنان شغل‌های خویش را از دست دادند، کلیساها، کارخانه‌ها، جاده‌ها، راه‌های آهن و تأسیسات بندری بر اثر بمباری و آتش توپخانه‌ها ویران شدند. اقتصاد اکثر کشورهای جهان از مسیر اصلی رشد و انکشاف منحرف گردیدند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به نقش رهبرانی چون رزولت، چرچل و استالین در شکست کشورهای محور و گروه دوم در مورد پیامدهای جنگ با هم مباحثه و نمایند.

سؤالات:

۱. ایالات متحده آمریکا چرا و روی کدام علت در جنگ دوم جهانی شرکت نمود.
۲. جاپان چرا در جنگ دوم جهانی تسلیم آمریکا گردید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان نقشه اروپا را ترسیم نموده و در روی آن کشورهای محور و متفقین را نشان دهند.

تشکیل سازمان ملل متحد



در این درس راجع به ضرورت سازمان ملل متحد و زمینه‌های ایجاد و تأسیس آن معلومات حاصل می‌نمایید.

بعد از الغای جامعه ملل در جریان سال ۱۹۴۵م نماینده‌گان کشورهای متفق برای تصمیم‌گیری در بارهٔ موقعیت جهان پس از جنگ، دیدار کردند. آن‌ها توافق نمودند یک سازمان جهانی تأسیس شود که همه خود را به صلح و همکاری میان کشورها متعهد بدانند و هم متفقین در بارهٔ سرنوشت کشورهای که نیرو محور را تشکیل داده بودند تصمیم بگیرند.

متفقین سازمان ملل متحد را تشکیل دادند، نماینده‌گان ۵۰ کشور متفق از اپریل تا جون ۱۹۴۵م در سان فرانسسکو دیدار کردند. آن‌ها بر سر منشوری برای سازمان جهانی به توافق رسیدند. این منشور در ۱۹ فصل و ۱۱۱ ماده تدوین گردید و اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی محکمهٔ لاهه به عنوان جزو لاینفک آن به تصویب رسید. همه ۵۰ کشور به ملل متحد پیوستند. کشورهای عضو برای حفظ صلح و پیشبرد حقوق برابر و حق حاکمیت ملتها بین خود موافقت کردند، و همکاری بین‌المللی را نیز تضمین نمودند.

سازمان ملل متحد، دارای شورای بزرگ می‌باشد. شورای عمومی از نماینده‌گان همه کشورهای عضو تشکیل می‌یابد، البته قدرت واقعی در دست شورای امنیت است. ایالات متحده آمریکا،

انگلستان، فرانسه، روسیه و چین درین شورا چوکی دایمی دارند. شش کشور دیگر به شکل دورانی انتخاب می‌شوند.

رأی شورای امنیت بر اساس رأی اکثریت است. در صورت تصویب قطعنامه رأی پنج کشور عضو دایمی باید جزء آرای اکثریت باشد، به این ترتیب، هریک از پنج کشور بزرگ حق ویتو کردن هر یک از تصمیمات شورا را دارد. شورای اقتصادی و اجتماعی، محکمه بین المللی و سرمنشای ساختار اصلی سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهند. متفقین گذشته از سازمان ملل متحد، برای اداره فوری و ضروری وضعیت جنگ، انکشاف و توسعه در آینده سازمان‌های متعدد بین المللی را ایجاد نمودند که فعالیت‌های جداگانه را در کشورهای مختلف جهان انجام می‌دهند. پیدایش سازمان ملل متحد را می‌توان مرهون اقدامات متعددی دانست که هر یک به نحوی از آنجا در شکل‌گیری این سازمان مؤثر بوده‌اند. از جمله این اقدامات با رعایت ترتیب زمانی می‌توان به صدور اعلامیه بین متحدین، منشور اتلانتیک، اعلامیه ملل متحد، کنفرانس‌های مسکو و تهران، کنفرانس‌های دامبارتن، اوکس و بالتا و سرانجام کنفرانس سانفرانسیسکو اشاره نمود.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه جداگانه تقسیم شوند. گروه اول در مورد سازمان‌های بین المللی و گروه دوم در باره اهداف این سازمان‌ها باهم مباحثه نموده و نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

سوالات:



- ۱- سازمان ملل متحد چگونه تشکیل گردید؟
- ۲- چند کشور اعضای شورای امنیت دایمی سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهد؟
- ۳- سازمان ملل متحد در کدام سال عرض اندام نمود؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان لست ۳۰ کشوری را که عضویت سازمان ملل متحد باشند ترتیب و در صنف ارائه نمایند.

تبدیل شدن جاپان به یک قدرت صنعتی

آیا می‌دانید جاپان چگونه به یک
قدرت صنعتی جهان‌مبدل گردید؟
در این درس، جواب این پرسش را
درمی‌یابید



قبل از آن که در مورد تبدیل شدن جاپان به یک قدرت صنعتی بپردازیم بهتر خواهد بود تا راجع به گذشته تاریخی آن چیزی بدانیم. در (۶۶۰) قبل از میلاد نخستین امپراتور جاپان بر تخت نشست در آن زمان بر طبق قوانین مذهبی (شینتو) امپراتور از قدرت بالاتر برخوردار بود. مقارن قرون وسطی سامورایی‌ها بر جاپان مسلط گردیدند. قبلاً افراد گارد امپراتوری به نام سامورایی یاد می‌گردیدند در این زمان جاپان به یک حکومت فیودالی و کشور ضعیف و عقب مانده تبدیل گردید.

دوران معاصر جاپان با تخت نشستن امپراتور (موتسوهیتو) در ۱۸۶۸م آغاز می‌شود. دوره امپراتوری او تا سال (۱۹۱۲)م ادامه داشت که به نام دوره (میچی) یاد می‌گردد. در بخش اداری و نظامی اصلاحات زیاد صورت گرفت و جاپان به یک قدرت جهانی تبدیل گردید. در جنگ‌های متعدد چین و جاپان و روس و جاپان، جاپان چین و روس را شکست داد و در عین

زمان توانست بالای کوریا، تایوان و جزیره سخالین تسلط پیدا نماید.

کشور جاپان مشتمل بر تعداد جزایر خورد و بزرگ می‌باشد و در انتهای شرق دور موقعیت دارد باوجود داشتن سرزمین کوچک نفوس آن به یک صد و چهل میلیون نفر می‌رسد. بعد از جنگ عمومی اول و شکست آلمان، جاپان برای صنعتی شدن و تبدیل به یک ابر قدرت تلاش‌های زیاد نمود و برای فرا گرفتن دانش‌های فنی از آلمان و کشورهای اروپایی دیگر به سرعت به قدرت منطقه ای از لحاظ اقتصادی و نظامی تبدیل گردید. و به اثر همکاری‌های تکنالوجی قبل از جنگ عمومی دوم با آلمان نزدیک شده و در شروع جنگ دوم با آلمان و ایتالیا به دول (محور) شامل گردید. در جنگ جهانی دوم جاپان در بحر پسفیک (آرام) متصرفات زیاد خود را از دست داد و در اخیر پس از بمباردمان اتمی (هیروشیما و ناگازاکی) بدون قید و شرط تسلیم امریکا گردید.

پس از پایان جنگ و برقراری صلح جاپانی‌ها با استفاده از مدیران قوی و مفکوره‌های جدید برای ترمیم ساختارهای صنعتی و اقتصادی خود شروع به کار نمودند. جاپانی‌ها با اعزام کارشناسان و تکنیشن‌ها و سایر اهل فن به امریکا جهت انتقال آموزش در اکثر زمینه‌ها و ضمناً برنامه‌ریزی



ساختمان پارلمان جاپان

درست و خصوصی سازی معقول زمینه‌های رشد، نوآوری و توسعه را در کشور بوجود آوردند. اقتباس از طرح‌های جدید امریکایی با توسعه و انکشاف روز افزون نصیب جاپان گردید و تا کنون این

سیاست ادامه دارد. هویدا است یکی از ارگان‌های انکشاف کشورها، توسعه و انکشاف فرهنگی

می‌باشد. هرگاه یک کشور از لحاظ فرهنگ انکشاف نماید می‌تواند به انکشاف صنعتی و اقتصادی نایل گردد و هرگاه کشوری در سطح فرهنگی ارتقاء نکرده باشد و بخواهد دانش فنی و اقتصادی را انکشاف بدهد از آن نتیجه مثبت بدست آورده نمی‌تواند. جاپان پس از یکصد سال توانست به یکی از کشورهای بزرگ صنعتی جهان تبدیل گردد، اگر شروع روند صنعتی شدن را انقلاب صنعتی انگلستان قرار بدهیم متباقی کشورهای پیشرفته غربی پس از دو صد سال به این مرحله رسیده اند و اگر خواسته باشیم علت آن را جستجو نماییم که چطور جاپان در زمان کوتاه جدول زمانی را طی نمود و به یک کشور صنعتی تبدیل گردید جواب چنین خواهد بود که:

صنعتی شدن تدریجی و مرحله به مرحله انجام گردید. ابتداء صنایع ساده، سپس صنایع پیچیده تر، صنایع سبک و بعد صنایع سنگین، تکنالوجی‌های متوسط و بعد تکنالوجی‌های عالی و پیشرفته در پروسه صنعتی شدن به کار گرفته می‌شود. کشور جاپان با تولیداتی به ارزش (۴,۵ تریلیون) دالر در سال (۲۰۰۵م) بزرگترین قدرت اقتصادی دنیا پس از امریکا بود در براعظم آسیا به درجه اول قرار گرفت. گرچه جاپان دارای منابع طبیعی محدود می‌باشد ولی با همکاری دولت در بخش سرمایه گذاری گسترده در تکنالوجی‌های پیشرفته، جاپان از لحاظ صنعت و تکنالوجی از کشورهای عمده شناخته شده و امریکا با (۲۲,۷٪) چین با (۱۳,۱٪) کوریای جنوبی با (۷,۸٪) عمده ترین شرکای تجاری جاپان می‌باشند. امروز جاپان به سرعت در مدت نسبتاً کوتاه به یک کشور صنعتی و پیشرفته دنیا تبدیل گردیده است.

محصولات صادراتی عمده جاپان شامل تجهیزات حمل و نقل، موتر، صنایع الکترونیکی، ماشین آلات، صنایع کیمیاوی، صنایع فولادی، فلزات غیر آهنی، کشتی سازی، نساجی و غیره می‌باشد.

جاپان دارای چندین شرکت موتورسازی بین المللی با مارک‌های معتبر همچون تویوتا، هُندا، نیسان، داتسن و میتسویشی و غیره است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به تاریخ جاپان و گروه دوم در مورد عوامل صنعتی شدن جاپان باهم مباحثه نموده و نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات:

۱. نخستین امپراتور جاپان چه وقت به تخت نشست؟
۲. دوران معاصر در جاپان با کدام واقعه تاریخی آغاز می‌گردد؟
۳. جاپان در جنگ دوم جهانی به نفع و طرفداری کدام کشورها داخل جنگ گردید؟
۴. شرکای تجارتی جاپان را کدام کشورها تشکیل می‌دهند؟
۵. کمپنی‌های بزرگ موتور سازی جاپانی را نام بگیرید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان به همکاری استادان و منابع دست داشته در مورد سرعت رشد و انکشاف جاپان معلومات حاصل نموده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

فروپاشی اتحاد شوروی



در این درس با عوامل داخلی و خارجی ایکه باعث فروپاشی اتحاد شوروی گردید آشنا می‌شوید.

الف: عوامل داخلی:

نظام مارکسیستی و لیننیستی در اتحاد شوروی از سال ۱۹۱۷ الی ۱۹۹۱م برای تحقق سوسیالیزم باوجود تلاش‌های زیادی که صورت گرفت اما از هم پاشید بر اساس نظریات که توسط طرف‌داران مارکسیزم ارائه می‌گردید، استوار بود. ولی نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی نتوانست نیازمندی‌های مردم روسیه را برآورده سازد. از نظریات مارکسیستی با روش انقلابی روس و تداوم فرهنگ سیاسی ترکیبی بوجود آمد که با یکدیگر هیچ نوع هماهنگی نداشت، گرچه کشور روسیه را به یک ابرقدرت تبدیل نمود، ولی نسبت ناسازگاری با خصوصیات فطری انسان‌ها سرانجام به اضمحلال روبه‌رو گردید.

نظام سیاسی مقتدر در اتحاد شوروی که حزب کمونیست را به عنوان نماینده طبقه کارگر برین کشور حاکم ساخت و با وجود کنترل شدید و به کار بردن ابزار گوناگون سرکوبی و اختناق

بالاخره در مقابل امواج اعتراضات مردم که سالیان طولانی را تحت سلطه حکومت مرکزی سپری نموده بودند تاب مقاومت نیاورد و دگرگونی‌های وسیع اجتماعی، مخصوصاً در ساختار اجتماع و طبقه بندی و روش‌های کهن فردی که توسط حزب کمونیست درین کشور اعمال می‌گردید، تحولات دهه ۱۹۸۰م را تسریع بخشید و بالاخره دروازه زندان ملیت‌ها باز گردید.

نظام حاکم بر اتحاد شوروی که تحت تأثیر نظریات رهبری کمونیسم و مخصوصاً لینن و استالین شکل گرفت، خود از عوامل فروپاشی بود، نظام کنترل اداری و آمرانه اقتصاد که کاملاً بر



ریگن و گورباچوف

هر چیز اداره مسلط بود، فرصت هرگونه ابتکار و منافع فردی را در سطوح پایین و متوسط از بین می‌برد و خصوصیات فطرت انسانی را نمی‌پذیرفت. باوجود دست آوردهای صنعتی اتحاد شوروی نیازمندی‌های عادی روزمره مردم را برآورده نتوانست و منابع اقتصادی و قوای انسانی را که در اختیار داشت از آن در بخش نظامی و جنگی استفاده نمود.

فشارهای امریکایی‌ها و ترس از بیگانگان که در داخل جامعه روسی ریشه داشت برای پرده پوشی از نارسایی‌های داخلی به شکل افراط آمیز مورد توجه قرار داده می‌شد.

نظام فدرالی ادعا می‌کرد که حقوق کامل ملیت‌ها و اقوام رعایت گردیده است، ولی در عمل چنین نبود. و تبعیض مذکور ناآرامی و نارضایتی‌ها را در بین ملیت‌ها بار آورد، هرچند گورباچف در ستراتیژی جدید خود کوشش نمود تا اصلاحات را بوجود آورد اما موفق نگردید

تا این که زمینه‌های فروپاشی نظام به تدریج آماده شد.

بالاخره در پایان سال ۱۹۹۱ نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شوروی که مدت هفتاد و چهار سال با وجود کوشش‌های زیاد موفق به تطبیق و تداوم سوسیالیزم نگردید و از هم پاشید.

ب- عوامل خارجی:

جنگ سرد بعد از ختم جنگ جهانی دوم شروع گردید. زیرا در این مدت کدام جنگ بزرگ و یا جنگ بین المللی رخ نداد و ابر قدرت‌ها درین مدت به تبلیغات علیه یکدیگر پرداخته و مسابقات تسلیحاتی شروع گردید و هر یک کوشش می نمودند تا سلاح تخریب کننده تولید نمایند. دول غربی و در رأس آن اضلاع متحده امریکا علیه انتشار کمونیزم به تبلیغات گسترده پرداخته نظام کمونیستی را در اتحاد شوروی تخریب می نمود.

رقابت‌ها و همپشمی‌های کیهانی هم یکی از عوامل فروپاشی اتحاد شوروی محسوب می گردید، زیرا برای ساختن و پرتاب هر سفینه ملیاردها دالر امریکایی به مصرف می رسید. و برای اتحاد شوروی ساختن و پرتاب هر قمر مصنوعی خیلی گران تمام می شد.

اشغال افغانستان در ۱۹۷۸م توسط اتحاد شوروی صورت گرفت اتحاد شوروی تصور نمی کرد که این جنگ آن قدر طولانی گردد و به چنین مقاومت از طرف مردم غیور افغانستان روبه رو گردد. افغانستان بعد از اشغال روس توسط دول غربی و اسلامی کمک می شد و اتحاد شوروی در این جنگ مصارف زیاد را متحمل گردید که اقتصاد ضعیف آن را ضعیف تر ساخت.

تلفات جانی و مالی در فروپاشی اتحاد شوروی نیز یکی از عوامل عمده بوده زیرا تلفات جوانان و معیوب شدن آن‌ها باعث خشم و تنفر مردم از نظام گردیده و خواستار خروج قوای خویش از افغانستان گردیدند، بالاخره اتحاد شوروی در جنگ افغانستان شکست خورد و

قوای خود را در ماه فبروری ۱۹۸۹م از افغانستان خارج ساخت.

زمینه‌ها و عوامل داخلی و خارجی چنان بستر مساعد و مناسب را برای فروپاشی اتحاد شوروی مهیا گردانید که با وجود تمام تلاش‌ها و مساعی نظام حاکم نتوانست جلو آن را بگیرد و سرانجام بعد از حاکمیت طولانی حزب کمونیست بر جمهوریت‌های پانزده گانه بالاخره متلاشی گردیده، نظام سوسیالیستی پایان یافته و اکثر جمهوریت‌های شامل در اتحاد شوروی استقلال سیاسی خویش را اعلام نمودند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به ماهیت نظام سوسیالیستی، گروه دوم در مورد عوامل داخلی فروپاشی نظام سوسیالیستی شوروی باهم مباحثه نموده و نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات:

۱. انقلاب اکتوبر روسیه در کدام سال به وقوع پیوست؟
۲. نظام سوسیالیستی شوروی در کدام سال فرو پاشید؟
۳. در دهه ۱۹۸۰ کدام تحولات در اتحاد شوروی اتفاق افتاد.
۴. نظام شوروی چند سال دوام نمود و شامل چند جمهوریت فدرالی بود.
۵. جهاد ملت مسلمان و سلحشور افغانستان در سقوط و فروپاشی اتحاد شوروی و کمونیزم بین المللی چه نقشی را ایفا نمود؟

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به عوامل خارجی فروپاشی اتحاد شوروی از اولیاء، بزرگان و شخصیت‌های فرهنگی معلومات حاصل و بعداً در صنف ارائه نمایند.

جمهوری فدرالی آلمان



آیا می‌دانید که
جمهوری آلمان
دارای چند ایالت
و چه نوع ساختار
سیاسی می‌باشد؟

جمهوری فدرالی آلمان
یکی از صنعتی‌ترین
کشورهای پیشرو جهان
است. این کشور که در
قاره اروپا واقع شده از

شمال با دانمارک و بحیره بالتیک، از شرق با لهستان (پولند) و جمهوری چک، از جنوب با اتریش و سوئیس و از غرب با فرانسه، بلژیک، لوکزامبورگ و هلند هم سرحد است. آلمان دارای نظام سیاسی جمهوری فدرال دموکرات پارلمانی بوده و مشتمل بر ۱۶ ایالت می‌باشد. این ایالت‌ها می‌توانند در برخی مسایل مستقل عمل کنند. آلمان هنگام جنگ فرانسه و روس در سال ۱۸۷۱ به عنوان یک ملت و دولت متحد شد.

قدرت اجرایی در دولت فدرال بدست صدراعظم فدرال است. صدراعظم را شورای فدرال (بوند سرات) انتخاب می کند. رئیس جمهور فدرال طی نشست مشترک اعضای (بوند سرات) و تعداد مساوی از نماینده گان ایالات (بوند ستاگ) برای دوره های پنج سال انتخاب می گردد. با وجود



انگلا مرکل صدراعظم آلمان

آن که در آگست ۱۹۹۰ میلادی برلین پایتخت آلمان اعلام شد. پارلمان، وزیران، رئیس جمهور و صدراعظم فدرال در شهر بن استقرار دارند.

جمهوری فدرال آلمان یکی از اعضای سازمان ملل متحد، پیمان اتلانتیک شمالی، کشورهای گروه هفت و گروه پنج، اتحادیه اروپای غربی، کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا و هم از بنیان گذاران اتحادیه اروپا می باشد.

کشور آلمان پس از امریکا و جاپان سومین قدرت صنعتی جهان است، رشد و انکشاف اقتصادی این سرزمین پس از جنگ جهانی دوم «معجزه اقتصادی آلمان» خوانده شده است.

آلمان مملکتی است که در آن احزاب مختلف سیاسی فعالیت دارند که بزرگترین آن عبارتند از:

- حزب سوسیال دموکرات «سوسیالیست».

- حزب دموکرات مسیحی «محافظه کار».

- حزب سوسیالیستی مسیحی.

- حزب دموکرات آزاد «لیبرال».

- حزب سبزها «حفاظت از محیط زیست».

- حزب سوسیالیسم دموکرات «حزب کمونیست آلمان شرق سابقه».

آلمان در سیاست خارجی بازیگر تنها نیست و یکی از اصول سیاست خارجی آن تقویت

بلاک غرب به‌شمار می‌رود. آلمان نزدیکی خاص به فرانسه دارد. همکاری و همراهی با ایالات متحده آمریکا رکن دیگری از سیاست خارجی آلمان را تشکیل می‌دهد. مبنای سیاست خارجی آلمان را در سراسر جهان تحکیم صلح، گسترش روابط دوستانه و کمک به رشد اقتصادی کشورهای «جهان سوم»، احترام و رعایت حقوق بشر تشکیل می‌دهد.

زبان آلمان جزو گروه بزرگ زبان‌های هندو جرمن است. این زبان با دنمارکی، ناروژی، سوئدنی، هالندی و هم چنین انگلیسی هم خانواده است. در آلمان به لهجه‌های گوناگون صحبت می‌شود، از اغلب لهجه‌ها و تلفظ مردم آلمان می‌توان به منشأ محلی آن پی برد. در ابتدا در سرزمین کنونی آلمان قبایل مختلفی مانند فرانک‌ها، زاکس‌ها، شواب‌ها و بایری‌ها زنده گی می‌کردند. در عصر حاضر این قبایل خصوصیات و ممیزات اولیه خود را از دست دادند، ولی سنت‌ها و لهجه‌های‌شان در گروه‌های منطقه‌ای به حیات خود ادامه داده است. صنایع مهم جرمنی وسایل الکترونیکی، مواد کیمیاوی، مشروبات، مواد غذایی و وسایل ترانسپورتی می‌باشد، هم‌چنان آلمان دارای ذخایر زغال سنگ، معادن آهن، مس، قلعی، نکل، نقره، و نمک می‌باشد مگر این اقلام کفایت صنایع آلمان را پوره نمی‌کند و شدیداً به واردات متکی است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد موقعیت آلمان و گروه دوم در رابطه با نظام پارلمانی آلمان باهم مباحثه نموده و نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات:

۱. صدراعظم در آلمان چگونه انتخاب می گردد؟
۲. پارلمان آلمان دارای چند مجلس می باشد؟
۳. آلمان شرق و غرب در کدام سال باهم یکجا و متحد گردید؟
۴. احزاب مهم آلمان را نام بگیرید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در مورد اقتصاد و زبان آلمانی به همکاری استادان و منابع دست داشته معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

جمهوری فرانسه



فرانسه یکی از کشورهای اروپایی است که تاریخ بسیار کهن و باستانی دارد. در این درس به طور خلاصه با آن آشنا می‌گردید.

فرانسه در غرب اروپا واقع است که به طرف شمال آن بحیرهٔ مانش، جنوب آن بحیره مدیترانه، و در شرق بلجیم، سویس، ایتالیا، لوکزامبورگ و ماناکو و در غرب خلیج بیسکای و در جنوب شرق آن اسپانیا قرار دارد.

باشنده‌های این کشور از نژاد سفید فرانسوی می‌باشد که ۹۳٪ نفوس فرانسه را تشکیل می‌دهند. ۹۲٪ مردم این مملکت پیرو دین عیسوی هستند. و ۹۷٪ ساکنان آن به زبان فرانسوی تکلم می‌کنند.

فرانسه کشوری است که قبل از میلاد به اسم گول Goul یاد می‌گردید. سلیتیک، باسک و ژرمن‌ها در آن زنده گی می‌کردند در حدود ۱۲۵ ق.م رومی‌ها به گول حمله نموده و مناطق اطراف بحیرهٔ مدیترانه را تصرف نمودند.

در قرن ششم و هفتم میلادی در گول شاهان متعدد حکمروایی داشتند و جنگ‌های خونین اتفاق افتاد، تمدنی که رومی‌ها اساس و بنیاد گذاشته بود به خطر مواجه گردید.

در سال ۷۷۱ میلادی شارلمان پادشاه فرانسه گردید و در جریان حکمروایی ۵۰ ساله اش فرانسه به فتوحات زیاد نایل آمد، در سال ۷۷۴ م ایتالیا را تصرف نموده، قبایل جرمن را شکست داد و با سربازان اسلام که تا جنوب فرانسه رسیده بودند به نبردهای شدید پرداخت. در ۸۰۰ میلادی رهبر مسیحیان (پاپ) تاج امپراتوری روم را به سر شارلمان زمامدار فرانسه گذاشت. در ختم حکمروایی شارلمان مناطق هالند، بلجیم، آلمان، سویس، اتریش، چک، سلواک، هنگری، یوگوسلاویا، ایتالیا و اسپانیا زیر نفوذ فرانسه قرار داشت.

از قرن دهم میلادی به بعد، قدرت شاهان فرانسه به تدریج زیاد شد. رهبران کلیسا با شاهان یکجا گردیدند، تجارت توسعه نموده و سهم فرانسه در جنگ‌های صلیبی افزوده شد که باعث اعتبار فرانسه در غرب گردید.

در قرن ۱۳ میلادی فرانسه در اروپا کشور قدرتمند به شمار می‌رفت با وجود جنگ‌های زیاد که با انگلستان کرد، نهادهای مدنی و قضایی در فرانسه ایجاد شد و فلیپ چهارم خدمات شایان در بخش هنر، فلسفه و فرهنگ انجام داد.

در دوره حکمروایی لویی چهارده فرهنگ فرانسه بی نهایت رشد و انکشاف نمود، اما در زمان لویی پانزده فرانسه دچار بحران شد و به تدریج زمینه‌های انقلاب کبیر فرانسه مهیا و آماده گردید.

در سال ۱۷۸۹ میلادی انقلاب کبیر فرانسه به پیروزی رسید و مرحله جدیدی در تاریخ فرانسه و اروپا آغاز گردید. قانون اساسی فرانسه تدوین یافت، ولسی جرگه شروع به کار کرد، زندان مشهور باستیل باز و به تصرف انقلابیون درآمد، زندانیان آزاد و لویی شانزده اعدام شد، اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام گردید. نظام شاهی سرنگون، اساس و بنیاد جمهوریت در فرانسه گذاشته شد. در سال ۱۸۰۴ ناپلیون در رأس نظام فرانسه قرار گرفت و سوگند وفاداری یاد نمود که در حاکمیت موصوف فرانسه متصرفات زیاد بدست آورد در نتیجه فرانسه به یک قدرت استعماری بزرگ تبدیل شد.

در دوران جنگ عمومی دوم در سال ۱۹۴۰م فرانسه توسط نیروهای آلمانی اشغال گردید اما با بر اثر فشار نظامی متفقین در ۱۹۴۴م دوباره از خاک فرانسه عقب نشینی کرد.

بعد از ختم جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۵م فرانسه به تدریج مستعمرات خود را از دست داد، ابتدا سوریه، بعداً لیبیا، کمی بعدتر المغرب، تونس، مدغاسکر ویتنام، لاوس، کمبودیا به اثر مبارزات و جنگ‌های خونین آزادی‌بخش توانستند استقلال خویش را حاصل نمایند. در ۱۹۶۲م آخرین کشور افریقایی الجزایر استقلال خود را به دست آورد و جمهوریت چهارم فرانسه منهدم گردید.

در سال ۱۹۶۰م فرانسه اولین بم اتومی خویش را در صحرای افریقا آزمایش نمود و به سرعت راه رشد و انکشاف را در پیش گرفت. امروز فرانسه در پهلوی جرمنی و سایر کشورهای اروپایی برای وحدت و یگانه‌گی اروپا سعی و تلاش می‌نماید.

جمهوری فرانسه متشکل از ۲۲ ولایت و ۹۶ ولسوالی می‌باشد، هم‌چنان ۷۵٪ نفوس فرانسه در شهرها و ۲۵٪ در دهات به‌سر می‌برند. در فرانسه رئیس جمهور از طریق انتخابات از طرف مردم برای مدت پنج سال انتخاب می‌شود.

صدراعظم در فرانسه از طریق ائتلاف احزابی که بیشترین کرسی را در پارلمان کسب نمایند انتخاب می‌گردد. پارلمان فرانسه دو جرگه دارد: اول ولسی جرگه (National Assembly) که ۵۷۷ عضو دارد و از طرف مردم انتخاب می‌شود و معیاد کار آن‌ها پنج سال می‌باشد. دوم مشرانو جرگه یا مجلس سنا (Senate) که ۳۲۱ عضو دارد. انتخاب اعضای مشرانو جرگه از طرف انجمنی به‌نام Electoral college برای مدت ۹ سال صورت می‌گیرد. ولسی جرگه و مشرانو جرگه در فرانسه هر کدام رؤسای مستقل خود را دارند. رئیس جمهور می‌تواند ولسی جرگه را منحل کند. رئیس مشرانو جرگه صلاحیت دارد در غیاب رئیس جمهور، وظایف ریاست جمهوری را پیش ببرد.

در فرانسه احزاب متعدد سیاسی فعالیت دارند، به گونه‌ی مثال می‌توان از حزب کمونست فرانسه، رادیکال چپ، جمهوری خواه، جنبش فرانسه، جبهه ملی، غورخنگ ملی، جنبش اصلاح طلبان، حزب سوسیالیست و غیره نام برد.

فرانسه در جمله‌ی هفت کشور صنعتی جهان قرار دارد. دارای اقتصاد انکشاف یافته می‌باشد و تمام سکتورهای اقتصادی آن به طور متوازن رشد و انکشاف نموده است.

در فرانسه امروز سهم دولت در اقتصاد به تدریج کم می‌گردد ولی با وجود آن هم دولت فرانسه در شبکه‌های راه آهن، تأسیسات برق، خطوط هوایی، مخابرات سرمایه‌گذاری نموده، می‌خواهد در پروژه‌های بنیادی اقتصادی که جنبه عام المنفعه دارد حضور خود را حفظ نماید. در بخش صنعت، فرانسه ماشین آلات زراعتی، سامان آلات راه آهن، طیارات میراژ، جگوار، ترانسال، کانکورد، ایربس Air-Bus، هلیکوپترها، موتر، پرزه جات وسایل ترانسپورتی، تکنالوژی تولید برق، سامان آلات و وسایل ساختمانی، کمپیوتر، رادیو، تلویزیون، مواد کیمیاوی، وسایل زینتی، عطریات و غیره را تولید می‌نماید.

فرانسه از جمله کشورهای اروپایی است که از اول جنوری ۱۹۹۹ میلادی پول واحد اروپا (ایرو) را به حیث واحد پولی خویش قبول نموده است.

فعالیت داخل صنف



شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به سابقه تاریخی و گروه دوم در مورد موقعیت، نفوس، دین و زبان مردم فرانسه باهم مباحثه نموده و نتیجه را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات:



۱. فرانسه در گذشته به کدام نام یاد می‌گردید؟
۲. در قرن هشتم میلادی فرانسه کدام کشورهای اروپایی را تصرف نمود؟
۳. انقلاب کبیر فرانسه در کدام سال به وقوع پیوست؟
۴. در جنگ دوم جهانی فرانسه توسط نیروهای کدام کشور اشغال گردید؟
۵. فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم کدام مستعمرات خود را از دست داد؟

فعالیت بیرون از صنف



شاگردان راجع به دست آوردهای انقلاب کبیر فرانسه مطالبی تهیه و در صنف ارائه نمایند.

دولت شاهي انگلستان



در این درس در مورد تاریخ
انگلستان و مطالب مهم دیگر
آشنا می شوید.

انگلستان کشوری است که در شمال بحیره انتلانتیک موقعیت داشته و در جنوب با کانال انگلند، در شرق با بحیره شمال و در غرب با ایرلند سرحد مشترک دارد. انگلستان از لحاظ ساخت طبیعی به سه قسمت تقسیم می گردد.

اول اسکاتلند: این منطقه در شمال انگلستان موقعیت داشته و کوهستانی می باشد.

دوم ایرلند شمالی یا اولستر Ulster: منطقه اولستر در قسمت شمال شرق جزیره ایرلند واقع است که مرکز آن بلفاست نام دارد.

سوم منطقه ویلز: ویلز قسمت جنوب جزایر انگلستان را تشکیل می دهد.

انگلستان سرزمینی ایست که دارای جزایر کلان و کوچک می باشد و به همین اساس بعضاً انگلستان را به نام کشوری (جزایر) می شناسند.

نژاد انگلیس ها سفید است و ۷۹٫۲٪ نفوس کشور را تشکیل می دهند. ساکنان انگلستان را ۱۵٪ انگلیسی ۹٫۶٪ اسکاتلندی، ۲۴٪ ایرلندی، ۱٫۹٪ ویلز، ۱٫۸٪ اولستر و ۲٫۸٪ سایر اقلیت ها تشکیل می دهند. ۷۲٪ مردم انگلیس مسیحی و ۲۵٪ پیرو سایر ادیان از جمله

اسلام می‌باشند.

انگلستان از لحاظ اداری به چهار ولایت بزرگ انگلند
England ویز Wales اسکاتلند Scotland و ایرلند
شمالی Northern Ireland تقسیم می‌گردد.



دیوید کمرون صدراعظم انگلستان

سرزمین انگلستان از گذشته‌های دور مسکونی بوده است.
در ختم دوره یخ بن‌دان دو قبیله جداگانه همراهی موآشی خود
یکجا از خاک اسپانیا امروزی به انگلستان مهاجرت نمودند.
باستان‌شناسان مردم این قبیله را به نام ایبری می‌شناسند.

در قرن‌های ۶-۴ ق.م اقوام سلت Celt از اسپانیا جهت بدست
آوردن اراضی و موآشی به انگلند سرازیر شدند و ایبری‌ها را از آن سرزمین بیرون راندند و
آخرین هجوم اقوام سلت بالای انگلند در ۷۵ ق.م صورت گرفت.

پنجاه و پنج سال قبل از میلاد سزار ژوپیوس به امید کسب و حصول اراضی بالای انگلند حمله
نمود، مگر تشدید حملات رومیان در سال ۴۳ میلادی بر انگلند صورت گرفت.

بالاخره در قرن پنجم میلادی قدرت رومی‌ها رو به ضعف نهاد به همین سبب اقوام انگلو و ساکسون
از خاک جرمنی به انگلند هجوم بردند. انگلوها و ساکسون‌ها در ۸۲۹م وحدت انگلند را تأمین
نمودند و ساکنان آن به انتخاب یک پادشاه موافق شدند. بعداً ژرمن‌ها بالای انگلند حمله نموده
و به مقاومت شدید روبه‌رو شدند و تنها قسمت‌های شرق و شمال انگلند را تصرف توانستند.

در اوایل قرن ۱۳م پادشاه انگلند بعضی حقوق مدنی و سیاسی را به رسمیت شناخت فرامینی
صادر نمود که از نظر محتوا با مقتضیات نهادهای مدنی امروز شباهت داشت. اشراف، زمین‌داران
و روحانیون همبستگی خویش را با پادشاه اعلان نمودند. در پهلوی جرگه اشراف، جرگه عوام
نیز تأسیس گردید. در سال ۱۴۸۵م هانری از خانواده یتودور بر انگلند حاکم شد. شاهان یتودور
۱۲۰ سال بر انگلستان حکومت کردند، اصلاحات زیاد دینی و اجتماعی را بوجود آوردند،
کلیسا را از کلیسای روم جدا، و ایرلند را با انگلستان یکجا نمودند.

در سال ۱۵۵۸م ملکه الیزابت اول حکمران انگلستان شد و انگلستان را به یکی از قدرت‌های
اقتصادی و نظامی عصر خویش تبدیل نمود.

انگلستان با فراز و نشیب زیاد تاریخی طی قرون متمادی، در دوران معاصر دو جنگ جهانی
را سپری نمود. بعد از ختم جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۹م انگلیس و امریکا به‌خاطر مقابله

قدرت روز افزون کمونیست‌ها پیمان انتلانتیک شمالی (ناتو) را ایجاد نمودند انگلستان در ۱۹۵۷م اولین بم اتومی خود را آزمایش کرد و در ۱۹۷۶م عضویت بازار مشترک اروپا را حاصل نمود.

حکومت انگلستان شاهی مشروطه Constitutional Monarchy بوده برخلاف دیگر کشورهای جهان قانون اساسی تصویب شده واحد ندارد. مگر اساسنامه‌ها، لوایح، قوانین و فیصله‌های ولسی جرگه را دارا می‌باشد که منحصراً قانون اساسی از آن کار گرفته می‌شود پس ملاحظه می‌توانیم که قانون اساسی انگلیس مجموعه‌یی است که نظر به شرایط سیاسی و تحولات اجتماعی در آن تغییرات وارد شده می‌تواند برخی قسمت آن توسط تصامیم ولسی جرگه لغو و یا تجدید شده می‌تواند.

نظام پارلمانی انگلیس به اساس کدام قانون تدوین شده بوجود نیامده، بلکه نتیجه تکامل تدریجی قرون متمادی می‌باشد.

پادشاهی در انگلستان میراثی می‌باشد با وجود آن که در چهار دهه گذشته مردم سالاری، قدرت پارلمان امتیازات مقام سلطنت را محدود و کم ساخته است باز هم، خاندان حاکم شاهی دارای امتیازات زیاد می‌باشد.

در انگلستان امروزی ملکه بریتانیا با داشتن بعضی صلاحیت‌های تشریفاتی سمبول وحدت ملی می‌باشد، رهبر دولت، تنظیم کننده نظام و تصمیم گیر نهایی می‌باشد. قوانین را توشیح، حکم صلح و جنگ را صادر، کشورها را به رسمیت شناخته، قراردادهای و کنواسیون‌ها را قبول و یا رد، ولسی جرگه را به حالت تعلیق و هم به مشوره صدراعظم ملغا می‌سازد. پست‌ها و مقامات بزرگ و مهم ملکی، قضایی و سیاسی را تعیین، القاب اشرافی را توزیع و صدراعظم را انتخاب می‌کند، وزراء کابینه به خواست صدراعظم از طرف ملکه انتخاب می‌شود. تعداد زیادی وزرای انگلیس عضویت ولسی جرگه House of Commons و باقی مانده عضویت مشرانو جرگه House of Lords را دارا می‌باشند.

پارلمان انگلستان دو جرگه دارد: اول ولسی جرگه یا مجلس عوام که ۶۵۹ عضو دارد و اعضای آن از طریق انتخابات برای مدت پنج سال انتخاب می‌شوند. دوم مشرانو جرگه که ۵۰۰ نفر اشراف به صورت مادام العمر Life Peers عضو آن می‌باشند.

در انگلستان احزاب مختلف سیاسی فعالیت دارد که به گونه مثال از حزب محافظه کار

متحد Conservative and Unionist Party، حزب دموکرات متحد Democratic Unionist Party، حزب کارگر Labor Party، حزب ویلز Party of Wales و حزب ملی اسکاتلند Scottish National Party نام برد.

انگلستان یکی از کشورهای بزرگ صنعتی جهان است که صنایع مهم آن را فابریکات بزرگ و کوچک، ماشین آلات مختلف و پرزه جات آن، سامان آلات اتوماتیک، وسایط نقلیه، طیارات کشتی‌های خورد و بزرگ و وسایل زراعتی، خطوط آهن، تولید انرژی و تأسیسات آن، وسایل مخابرات، مواد کیمیاوی و غیر کیمیاوی، وسایل ساختمانی و غیره تشکیل می‌دهد. انگلستان در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ عضویت دائمی شورای امنیت ملل متحد را کسب نمود و در آن شورا حق ویتو را دارا می‌باشد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد اولین ساکنان انگلستان و گروه دومی در رابطه با تشکیلات اداری و جزایر انگلیس باهم مباحثه نموده و نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.

سؤالات:

۱. انگلستان به چند ایالت تقسیم شده است؟
۲. در قرن ۱۳ کدام تغییرات در انگلستان به وقوع پیوست؟
۳. ملکه در انگلستان دارای کدام صلاحیت‌ها می‌باشد؟
۴. صدراعظم در انگلستان چه وظایف را دارا می‌باشد؟
۵. صنایع مهم انگلیس را نام بگیرید.

فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از شخصیت‌های فرهنگی و اولیای خویش راجع به تاریخ انگلستان و نظام پارلمانی معاصر آن معلومات حاصل نموده و آن‌را در صنف ارائه نمایند.

بررسی فصل چهارم

فصل چهارم کتاب تاریخ صنف دوازدهم تحت عنوان رویدادهای مهم جهان در قرن بیستم تألیف گردیده است که حاوی مطالب ذیل می‌باشد: جنگ اول جهانی و علل آن، جنگ دوم جهانی، تشکیل سازمان ملل متحد، تبدیل جاپان به یک قدرت صنعتی، فروپاشی اتحاد شوروی و ساختارهای سیاسی آلمان، فرانسه و انگلیس می‌باشد. درین کتاب با در نظر داشت عناوین تاحد امکان تلاش گردیده تا راجع به علل و عوامل بحران‌های اقتصادی و سیاسی، جهان در سال‌های ۱۹۱۴، ۱۹۱۸م - ۱۹۳۳، ۱۹۴۵م معلومات مفید ارائه گردد، هم‌چنان مطالب و مفاهیمی که بتواند خسارات، نتایج ناگوار و تلفات بزرگ انسانی و مالی را در طی دو جنگ جهانی به معرفی گیرد دراین فصل انعکاس یافته است. دوم معلومات فشرده راجع تاریخ، فرهنگ، زبان، و ساختارهای سیاسی آلمان، فرانسه و انگلیس به طوری همه‌جانبه معلومات جمع بندی شده است موضوع دیگری که می‌تواند ذهن شاگرد را تحریک و انکشاف دهد فروپاشی اتحاد شوروی با وجود حاکمیت بی‌نهایت پیچیده و تبدیل جاپان به یک قدرت بزرگ صنعتی در مدت زمان کوتاه و ایجاد سازمان ملل متحد پس از جنگ جهانی جهت تنظیم روابط جهانی و جلوگیری از فاجعه‌های بزرگ انسانی می‌باشد امید است این مطالب در ایجاد انگیزه‌ها و بلند بردن سطح معلومات و مهارت‌های شاگردان مفید و موثر باشد.